

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۵ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

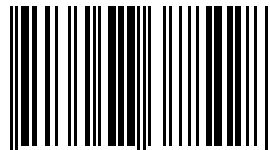
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۳/۳/۲۱

مشتمل بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی

تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم. یا وصی الحسن و الخلف الحجة ایها القائم المنتظر المهدي صلوات و سلامه علیه إنا توجهننا و استشفعنا و توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیهاً عندالله إشفع لنا عندالله. من در این ایام که میلاد حضرت ولی عصر سلام الله علیه است، به خصوص می‌خواستم از شما عزیزان خواهش کنم که فردا شب که شب بسیار مبارکی است و با شب جمعه هم قرین شده، از دعا فراموش نکنید. به من و به دیگر دوستان ذوی‌الحقوقتان و به همه‌ی مسلمین دعا کنید؛ مخصوصاً به مظلومین عراق و سوریه و افغانستان و جاهایی که تکفیری‌ها و آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها همه برای براندازی حکومت‌های آنها و برای تضعیف قدرت شیعه دست به هم داده‌اند. به خصوص در عراق که دوباره اخیراً یک بلوایی بر پا کرده‌اند و برای موصل و نینوا نقشه‌هایی دارند. به نظر می‌آید وقتی دیدند که در سوریه شکست خوردند، حالا می‌خواهند نیروهایشان را در عراق متمرکز کنند. چون آنجا دیگر یک کشور شیعی است و علی‌القاعده این مملکت مشکلات زیادی با اینها پیدا می‌کند. خدا ان‌شاءالله شرشان را از سر مسلمان‌ها کوتاه کند.

طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و

دادرسی الکترونیکی

منشی جلسه - ادامه‌ی بررسی «طرح آیین دادرسی جرائم

نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی»^۱.

آقای علیزاده - این صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح [که در ماده (۲۸) ذکر شده است]، یک مبحث مهمی است؛ چون چند مطلب در اینجا هست. اولاً یک مواردی هست که قبلاً امام خمینی (ره) و بعد هم آقا [=مقام معظم رهبری] به صورت موردی دستور فرموده‌اند که سازمان قضایی به آن جرائم رسیدگی نکند.^۲ ثانیاً دو سه مورد هست که مجمع تشخیص مصلحت نظام به صورت حل معضل تصویب کرده است که سازمان قضایی به آن جرائم رسیدگی نکند.^۳ ثالثاً یک نامه‌ای هم هست که بعداً سازمان قضایی و ستاد کل نیروهای مسلح خدمت آقا نوشته‌اند و مقام معظم رهبری در پاسخ آن نامه، این‌طور که ستاد کل نیروهای مسلح اعلام کرده است، مطلبی فرموده‌اند. عبارتش این‌طوری است؛ گفته‌اند: «به محضر مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا پیشنهاد گردیده است

→

اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت کرد. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۰۱/۱۳۱۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، ۱۳۹۳/۳/۲۱، ۱۳۹۳/۳/۲۸ و ۱۳۹۳/۴/۴ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۹۳/۱۰۲/۴/۷ و ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۹۳/۱۰۲/۶/۲۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۷/۸ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۱۸ مورخ ۹۳/۱۰۲/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. در این خصوص، بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۰۳۰۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۹، صص ۲-۴، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/wVtVb

۳. قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۱- هرگاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرائم خاص نظامی یا انتظامی، جرائم دیگری کشف شود، سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می‌باشد.

ماده ۲- جرائمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح، در مدت اسارت مرتکب شده‌اند و نیز جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارتشان در کشور، در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.

ماده ۳- کلیه جرائم نظامیان دارای درجه سرتیپی و بالاتر در مراجع قضایی ذی‌ربط در تهران رسیدگی می‌شود.»

۱. طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید که مجلس شورای

←

کند. همچنین به نظر من، در آن مواردی که مجمع تشخیص مصلحت نظام در آن خصوص مصوبه دارد، مجلس نمی‌تواند در آن مورد قانون بگذراند. آن موارد هم در صلاحیت سازمان قضایی است و مطابق مصوبه‌ی مجمع تشخیص عمل می‌شود.

آقای مؤمن - در مورد موارد دیگر چه می‌فرمایید؟ آقا [= مقام معظم رهبری] موارد دیگری را هم اجازه فرموده‌اند.

آقای علیزاده - بله، آن موارد، غیر از آنها [= مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام] است. مقام معظم رهبری گفته‌اند که این موارد در قانون بیاید. آن مواردی که مصوبه‌ی مجمع است که نمی‌تواند در قانون بیاید. اگر آن موارد، از مواردی است که این‌طوری است [= یعنی با اجازه‌ی مقام معظم رهبری مقرر شده که در سیر مراحل تصویب قرار گیرد]، باید در سیر تصویب و تقنین قرار بگیرد. منظور من از طرح این موضوع این بود که می‌خواستم یک پیش‌آگاهی داشته باشید تا مواد مربوط به صلاحیت‌های سازمان قضایی را بخوانیم. حالا اگر اجازه بدهید متن مصوبه را بخوانیم. آقایان [= اعضای مجمع مشورتی حقوقی] هم نظراتی داده‌اند. حالا مواد را بخوانیم؛ هر کدام از آقایان اعضا که نظری در خصوص این موضوع دارند بفرمایند. از ماده (۲۸) بخوانید.

منشی جلسه - بسم الله الرحمن الرحيم. «فصل سوم - صلاحیت ماده ۲۸ - رسیدگی به جرائم زیر در صلاحیت سازمان قضایی است:

الف - جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح، به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری

ب - جرائم در حین انجام وظیفه و یا در محل خدمت اعضای نیروهای مسلح، به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری

پ - جرائم اعضای نیروهای مسلح علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان خدمت و نیز تا پنج سال پس از خاتمه خدمت

ت - کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، ارتكابی توسط اعضای نیروهای مسلح

ث - جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در صورتی که با وظایف خاص آنان یا اطلاعات طبقه‌بندی شده جمهوری اسلامی ایران مرتبط باشد.

ج - جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت و همچنین جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران

چ - جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت سازمان‌های مشمول دستورالعمل تشکیل یگان‌های

حفاظت دستگاه‌های کشوری مصوب فرماندهی کل قوا

ح - کلیه جرائم کارکنان نیروهای مسلح با جایگاه نوزده به بالا به

رسیدگی به جرائم پنج‌گانه زیر در لایحه آیین دادرسی نیروهای مسلح، لحاظ و در سیر مراحل تصویب قرار گیرد.» حالا با مجموع این مسائل [ما باید موضوع صلاحیت سازمان قضایی را در این مصوبه بررسی کنیم]. اولاً اینکه فرموده‌اند «جرائم پنج‌گانه زیر در لایحه آیین دادرسی نیروهای مسلح، لحاظ و در سیر مراحل تصویب قرار گیرد»، آیا به معنای این است که مجلس همین‌طوری این مطلب را تصویب کند؟

آقای مؤمن - نه، مجلس باید اینها را تصویب می‌کرد.

آقای علیزاده - مجلس بعضی از این موارد پنج‌گانه را تصویب کرده است. آیا این عبارت «در سیر مراحل تصویب قرار گیرد» به این معنا است که اگر مصوبه‌ی مجلس خلاف قانون اساسی بود، ما بگوییم که خلاف قانون اساسی است؟ آیا ما می‌توانیم چنین ایرادی بگیریم؟

آقای یزدی - خب بله.

آقای علیزاده - معنای این عبارت چیست؟ معنای این عبارت که می‌گوید «در سیر مراحل تصویب قرار گیرد»، آیا این است که این موارد همین‌طور به مجلس برود و به همین صورت تصویب شود، ولی ما آن را رد کنیم؟

آقای یزدی - این مسئله مثل سایر قوانین می‌ماند؛ یعنی [در صورت مغایر شناخته شدن توسط شورای نگهبان و اصرار مجلس بر آن، برای رفع اختلاف به] مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود.

آقای اسماعیلی - بله، یعنی این مصوبه به مجمع تشخیص می‌رود و در سیر عادی مراحل تقنین قرار می‌گیرد.

آقای علیزاده - پس می‌فرمایید منظور از «قرار گرفتن در سیر مراحل تصویب» این است که اگر ما این صلاحیت‌ها را قبول نکردیم و مجلس بر مصوبه‌ی خود اصرار داشت، به مجمع برود؟ **آقای اسماعیلی -** بله، یعنی سیر عادی تقنین را طی کند.

آقای علیزاده - چون من در جلسه‌ی قبلی [جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ شورای نگهبان] عرض کردم که [برای بررسی موضوع صلاحیت سازمان قضایی] صبر کنید تا من اینها را بخوانم. من این مستندات را مطالعه کردم. دیروز مطلبی خدمت شما عرض کردم و شما هم تصویب فرمودید که بنویسیم مواردی را که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری تجویز فرموده‌اند [که سازمان قضایی نیروهای مسلح به آن جرائم رسیدگی کند]، مادامی که از آن عدول نفرموده‌اند به قوت خودش باقی است و سازمان قضایی هم به همان موارد عمل

استثنای جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانواده

تبصره ۱- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف و مسئولیت‌هایی که طبق قانون و مقررات بر عهده آنان است مرتکب شوند.

تبصره ۲- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

تبصره ۳- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.

آقای علیزاده - بند (الف) که می‌گوید: «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح، به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری»، در مورد این بند که ظاهراً حرفی نداریم.

آقای مدرسی یزدی - این بند که عین [اصل (۱۷۲)] قانون اساسی است.

آقای علیزاده - بله، عین قانون اساسی است.

آقای ره‌پیک - مطابق اصل (۱۷۲) است.

آقای علیزاده - بله.

آقای علیزاده - در بند دوم می‌گوید: «ب- جرائم در حین انجام وظیفه و یا در محل خدمت اعضای نیروهای مسلح، به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری»، این بند اشکال دارد؛ چون این بند، شامل جرائم عمومی اعضای نیروهای مسلح هم می‌شود. اگر فردی در حین انجام وظیفه و در محل خدمت مرتکب قتل شده است، این که از وظایف خاص نظامی‌گری نیست.

آقای سوادکوهی - یا مثلاً تجاوز کرده است.

آقای یزدی - اصولاً مقصود از این جرائم از بند اول تا آخر، مطلق جرائم است یا واقعاً جرائم خاص نظامی است؟

آقای علیزاده - بله، خود این ماده دارد می‌گوید [مقصود، مطلق جرائم است]؛ چون وظایف خاص را که در بند (الف) گفته است.

آقای یزدی - بحث، درباره‌ی صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله یزدی، آن جرائمی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده که در صلاحیت سازمان قضایی است، جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی است.

آقای یزدی - در این مصوبه، بحث درباره‌ی صلاحیت نیروهای مسلح است. اصل (۱۷۲) قانون اساسی هم می‌گوید که جرائم خاص نظامی در صلاحیت محاکم نظامی است؛ یعنی منظور مجلس همان [موارد مذکور در اصل (۱۷۲)] است؛ منتها در اینجا باید به این موضوع تصریح کنند.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله یزدی، آن جرائمی که مربوط به وظایف خاص نظامی‌گری است، در اصل (۱۷۲) آمده است. این بند، یک چیزی علاوه بر آن جرائم است؛ یعنی ما می‌گوییم اطلاق عبارت «جرائم در حین انجام وظیفه»، خلاف خود اصل (۱۷۲) است؛ چون شامل جرائم عمومی هم می‌شود. همچنین خلاف اصل (۱۵۹) است که مرجع رسمی تظلمات را دادگستری دانسته است.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحیم. کلیه‌ی بندها، از بند (ب) تا بند (ج) با قانون اساسی مخالفند.

آقای علیزاده - بله، حالا اگر ما یکی یکی ایراد بندها را بگوییم بهتر است؛ یکی یکی ایراد بندها را رأی بگیریم بهتر است.

آقای سلیمی - اطلاق بعضی از بندها، و کل بعضی دیگر از بندها ایراد دارد؛ مثلاً جرائم مربوط به مواد مخدر، هیچ ارتباطی به سازمان قضایی نیروهای مسلح ندارد. بند (ت) گفته است به کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر ارتكابی توسط نیروهای مسلح در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود. یا [در بند (ج)] گفته است که سازمان قضایی به جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت رسیدگی می‌کند. ما می‌خواهیم بگوییم همه‌ی اینها مخالف قانون اساسی است.

آقای علیزاده - الآن حضرات آقایانی که اطلاق بند (ب) را خلاف اصل (۱۵۹) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

آقای اسماعیلی - منظورتان عموم این بند است دیگر؟

آقای علیزاده - بله، عموم این بند که کل جرائم را شامل می‌شود منظور است.

آقای اسماعیلی - بله، این بند، اشکال دارد.

آقای سلیمی - «حین انجام وظیفه و یا در محل خدمت» هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - اطلاق این بند، خلاف اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

آقای مدرسی یزدی - ولی واقع مطلب این است که در مواردی مصلحت است که به برخی از این جرائم در دادگاه نظامی رسیدگی شود. در این موارد اگر می‌خواهید به مجلس پیشنهاد

آقای علیزاده - پس این بند هم همان وضعیت را دارد. اطلاق بند (پ) ایراد دارد یا کل این بند؟ کل این بند، ایراد دارد، نه فقط اطلاقش.

آقای سلیمی - کل این بند ایراد دارد؟! اطلاق این بند ایراد دارد؛ چون ممکن است که بعضی از آن موارد جزء وظایف خاص نظامی باشد.

آقای علیزاده - بله، این بند هم مثل آن بند بالایی اطلاقش ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - عموم این بند ایراد دارد.

آقای علیزاده - بله، عمومش ایراد دارد. حضرات آقایانی که به ایراد بند (پ) رأی می‌دهند، بفرمایند.

در مورد بند (ت) «کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، ارتكابی توسط اعضای نیروهای مسلح»، اصلاً کل این بند، اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، ممکن است که مأمور برود مواد مخدر را از مجرم بگیرد و آن را در جیب خودش بگذارد.

آقای ابراهیمیان - باید با وظایف خاص نظامی‌اش در ارتباط باشد.

آقای علیزاده - نه، موضوع این بند، جرائم مربوط به مواد مخدر است.

آقای مدرسی یزدی - در جرائم مربوط به مواد مخدر هم ممکن است مثلاً مأمور نیروی انتظامی رفته که مواد مخدر را از مجرم بگیرد.

آقای علیزاده - خیلی خب، آقایانی که به عموم این بند اشکال دارند، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر این فرد، در مقام ضابط مرتکب چنین جرمی بشود، باز رسیدگی به این جرم در صلاحیت دادگاه‌های دیگر است.

آقای مدرسی یزدی - نه، در فرضی که آن فرد، ضابط نیست و فقط مجرم را دنبال می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، ضابط است دیگر.

آقای ابراهیمیان - فرض کنید اصلاً این فرد نظامی، معتاد است؛ اصلاً اعتیاد، ارتباطی به وظایف خاص نظامی ندارد.

آقای اسماعیلی - اصل این بند، مورد ایراد است.

آقای علیزاده - به نظرم اصل این بند، ایراد دارد؛ یعنی می‌گوید به هر جرمی که اعضای نیروهای مسلح [در رابطه با مواد مخدر] انجام می‌دهند، در دادگاه نظامی رسیدگی شود؛ نه اینکه

بدهید که بر مصوبه‌ی خود اصرار بکند تا به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود.

آقای علیزاده - بله، به مجمع برود؛ ما که مخالفتی نداریم. «پ- جرائم اعضای نیروهای مسلح علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان خدمت و نیز تا پنج سال پس از خاتمه خدمت.» این بند هم اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - اطلاق این بند اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اطلاق این بند خلاف قانون اساسی است. البته اگر در مورد اینجا هم اجازه بدهید، ما به طور کلی مثل آن موارد قبلی بنویسیم که آن مواردی که حضرت امام (ره) و آقا [=مقام معظم رهبری] اجازه فرموده‌اند، مادامی که آن اجازه باقی است، مطابق آن باید عمل بکنند.

آقای رهپیک - بند (ب) و (پ) بر اساس مجوزی بوده است که رئیس قوه‌ی قضائیه از رهبری گرفته‌اند.^۱

آقای علیزاده - همان دیگر؛ این بند هم مثل بند قبلی است. در مورد بند قبلی هم همین را گفتیم.

آقای مدرسی یزدی - آن مسئله مربوط به ما نیست دیگر؛ خودشان استنباط می‌کنند.

آقای علیزاده - بله، در اینجا هم همان عبارت کلی را می‌نویسیم که «بدیهی است [در خصوص صلاحیت محاکم سازمان قضایی نیروهای مسلح، در مواردی که امام علیه‌الرحمه و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی اجازه فرموده‌اند، مادامی که از آن عدول نشده، کماکان به قوت خود باقی است].»

آقای ابراهیمیان - بسم الله الرحمن الرحیم. عرض من این است که همه‌ی این بندها فقط با قانون اساسی مقایسه و تطبیق بشود. حتی آن مواردی که مقام معظم رهبری یا امام (ره) قبلاً تجویز فرموده‌اند.

آقای علیزاده - ما هم داریم همین را می‌گوییم.

آقای ابراهیمیان - نه، ما باید بگوییم که این بندها، خلاف قانون اساسی است.

آقای علیزاده - همین را می‌گوییم دیگر.

آقای اسماعیلی - ما هم داریم همین را می‌گوییم. همه داریم همین را می‌گوییم.

آقای ابراهیمیان - بله، به هر حال نظرمان این است.

۱. در این خصوص بنگرید به: نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره ۹۳۰۳۰۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، صص ۴-۶، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/3KTQ1

آقای ره‌پیک - رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در سازمان قضایی با مجوز امام (ره) بوده است.^۱

آقای علیزاده - بله، این نکته را می‌گوییم؛ این نکته را آخر سر در نظرمان می‌گوییم.

آقای هاشمی شاهرودی - باید آخر سر آن نکته را بگوییم.

آقای علیزاده - حضراتی که این بند را خلاف قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

«ج- جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت و همچنین جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران.»

آقای سلیمی - اطلاق این بند هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - اطلاق قسمت اول و کل قسمت دوم این بند اشکال دارد. البته، عموم قسمت اول ایراد دارد؛ همین‌طور است؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، عموم قسمت اول و همه‌ی قسمت دوم اشکال دارد.

آقای علیزاده - عموم قسمت اول و همه‌ی قسمت دوم که در مورد اسرای بیگانه است، ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - حالا چرا باید بگوییم که به جرائم اسرای بیگانه در دادگاه‌های نظامی رسیدگی نشود؟ آیا چون آنها جزء

بخواهد بگوید در کشف جرم مرتکب جرمی شوند. اصلاً کشف مواد مخدر منظور این بند نیست.

آقای ره‌پیک - بله.

آقای علیزاده - ارتکاب جرم در حین کشف جرم و از جمله کشف مواد مخدر، در بند بالا [= بند (ب)] آمده است.

آقای مدرسی یزدی - این جرائم، باید مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها باشد.

آقای علیزاده - نه، اینکه گفته است این جرائم مربوط به مواد مخدر باشد، مثل اینکه شخص معتاد باشد.

آقای مدرسی یزدی - مثلاً باید به قاچاقچی مواد مخدر شلیک کند، ولی شلیک نکرد.

آقای علیزاده - نه.

آقای ره‌پیک - نه، فرض این بند در جایی است که خود فرد نظامی مجرم است و خودش مرتکب این جرائم شده است

آقای علیزاده - بله، مثلاً خود فرد نظامی معتاد است. این بند، می‌خواهد مثل این فرض را بگوید. خود این بند اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - «مربوط» یعنی اینکه شامل هر [جرمی در این رابطه می‌شود؛] مثلاً در دستگیری حاملین مواد مخدر اهمال کرده باشد.

آقای ره‌پیک - نه، عبارت «جرائم ارتكابی»، یعنی خود فرد نظامی مرتکب این جرم شده است.

آقای یزدی - مثل اینکه خود فرد نظامی، مواد مخدر مصرف کند.

آقای علیزاده - بله، حضراتی که خود این بند (ت) را به کلی خلاف اصل (۱۷۲) و اصل (۱۵۹) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند. پس این بند هم خلاف اصل (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

«ث- جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در صورتی که با وظایف خاص آنان یا اطلاعات طبقه‌بندی شده جمهوری اسلامی ایران مرتبط باشد.» کارکنان وزارت اطلاعات که نظامی نیستند.

آقای سلیمی - بند (ث) هم همین‌طور است؛ کلّ این بند، اشکال دارد.

آقای علیزاده - اصلاً این بندها همه‌اش خلاف قانون اساسی است.

آقای سلیمی - همه‌ی این بندها، درست اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - خب کارکنان وزارت اطلاعات که نظامی نیستند.

۱. «... در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۲۰ وزیر اطلاعات وقت از محضر حضرت امام خمینی (ره) درخواست می‌نماید به لحاظ ضرورت حفظ اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده جمهوری اسلامی، جرائم پرسنل وزارت اطلاعات در دو مورد زیر در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود:

۱- جرائم مربوط به تخلف پرسنل اطلاعات از وظایف قانونی آنان

۲- سایر جرائم آنان در مواردی که پرونده مربوطه مشتمل بر اطلاعات طبقه‌بندی شده و اسرار جمهوری اسلامی باشد.

تشخیص موارد فوق نیز بر عهده رئیس یا معاونین سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار داده شود.

رهبر انقلاب نیز با این درخواست موافقت نمودند و از طریق رئیس وقت دیوان عالی کشور مراتب را به سازمان قضایی نیروهای مسلح ابلاغ می‌نماید.

در سال ۱۳۷۰ نیز رئیس وقت قوه قضائیه مجدداً طی نامه شماره ۳۷/۴۵/۷۰ م/مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۹ در خصوص رسیدگی به جرائم پرسنل وزارت اطلاعات از محضر مقام معظم رهبری کسب تکلیف نموده که معظم‌له نیز طی نامه شماره ۱۱۶۸-۳۰/۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۹ مقرر فرمودند در مورد مذکور، بخشنامه رئیس وقت دیوان عالی کشور به خاطر حفظ اطلاعات همچنان لازم است در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، صص ۷-۹، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/3KTQI

آقای سلیمی - این بند، در راستای همان مصوبه‌ی مجمع تشخیص در اینجا آمده است.

آقای ره‌پیک - بله، همان مصوبه‌ی مجمع تشخیص است. واقعاً همان ماده را وارد این مصوبه کرده‌اند.

آقای علیزاده - فردا مجمع تشخیص می‌تواند از مصوبه‌اش عدول کند. اگر مجلس این بند را قانون کند که مجمع دیگر نمی‌تواند چنین کاری بکند. این، خلاف اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - شاید ضرورت داشته است [که در این زمینه قانون‌گذاری کنند].

آقای علیزاده - بله، آقایانی که عموم قسمت اول و کل قسمت دوم این بند را خلاف قانون اساسی می‌دانند رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - ولی شاید مجمع تشخیص بگوید وقت مصلحت مصوبه‌اش گذشته است؛ مجلس می‌تواند در این زمینه قانون وضع کند.

آقای علیزاده - این بند، خلاف قانون اساسی است. اگر مجمع تشخیص چنین چیزی را تصویب کرده است، که مطابق نظر مجمع عمل می‌کنند. اگر غیر از این است، ما می‌گوییم که این بند خلاف قانون اساسی است. ما که نمی‌گوییم قانون وضع نکنند؛ ما می‌گوییم اگر مجمع تشخیص آن مصوبه را به عنوان حلّ معضل تصویب کرده است و مصوبه‌ی آن به عنوان رفع اختلاف مجلس و شورای نگهبان نبوده است، [مجلس نباید در آن زمینه قانون‌گذاری کند]. در آن موارد باید مثل ضوابط خودش عمل بکنند.

آقای ره‌پیک - شورای نگهبان، قبلاً به این موضوع در «لایحه مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران» ایراد گرفته است.^۳

→

مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود، مجلس پس از گذشت زمان معتدّبه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

۳. بند (۱) نظر شماره ۳۳۹۹ مورخ ۱۳۷۱/۳/۲۵ شورای نگهبان در خصوص لایحه مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۳/۳ مجلس شورای اسلامی: «۱- تبصره (۳) ماده (۱)، چون مستفاد از قانون اساسی این است که اصل بر عام بودن دادگاه‌ها است و دادگاه‌های خاص مذکور در اصل (۷۲) شامل اسراء جنگی و خصوصاً

←

نیروهای مسلح ما نیستند و در اصل (۱۷۲) هم نیامده است؟
آقای هاشمی شاهرودی - این اصل، ناظر به نیروهای مسلح ما است.

آقای یزدی - اسرای بیگانه‌ای مقصود این بند است که در اختیار جمهوری اسلامی ایران هستند.

آقای مدرس‌ی یزدی - نه، من از حیث نیروهای مسلح عرض نمی‌کنم؛ بلکه می‌گویم در خصوص سایر جرائم، چون در قانون اساسی ما آمده است که برای رسیدگی به تظلمات، باید به دادگستری مراجعه کرد، می‌گوییم رسیدگی به آن جرائم مربوط به دادگستری است و برای رسیدگی باید به دادگستری مراجعه کرد؛ اما اگر بگوییم که مثلاً رسیدگی به جرائم اسیرهای خارجی یا فلان افراد از اسیرهای کشورهای خارجی در دادگاه نظامی انجام می‌شود، عیبی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - اسیرهای خارجی مثل بقیه‌ی اتباع بیگانه هستند.

آقای مدرس‌ی یزدی - خب اگر بگوییم که به جرائم تعدادی از اتباع بیگانه، در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود، چه عیبی دارد؟
آقای ابراهیمیان - این دادگاه، دادگاه نظامی است؛ با این بند، صلاحیت این دادگاه اضافه می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - اصل (۱۷۲)، شامل افراد نظامی داخل کشور می‌شود، نه نظامیان خارجی.

آقای مدرس‌ی یزدی - آن مطلب که معلوم است.

آقای ره‌پیک - مفاد این بند، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است.^۱

آقای علیزاده - می‌دانم؛ ما به این بند ایراد می‌گیریم. به طور کلی در مورد بندهایی که مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام دارد در نظرمان می‌گوییم شما حق تقنین در آن مواردی که مصوب مجمع است، ندارید؛ چون قبلاً در این باره [نظریه‌ی تفسیری داده‌ایم].^۲

۱. ماده (۲) قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۲- جرائمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح، در مدت اسارت مرتکب شده‌اند، و نیز جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارتشان در کشور، در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.»

۲. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان در خصوص تفسیر اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی: «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع

←

آقای سلیمی - ما نسبت به این بند هم ایراد داریم؛ چون جرائم خاص آنها مربوط به سازمان متبوعشان است، نه جرائم مربوط به وظایف نظامی. این عنوانی که در این مصوبه آورده‌اند، «جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی» است که با این کلمه‌ی «مرتبط» می‌خواهند صلاحیت سازمان قضایی را گسترش بدهند؛ می‌خواهند کلیه‌ی جرائم اینها را به نحوی شامل کنند.

آقای علیزاده - این بند، دو تا اشکال دارد؛ یک اشکال همین است که جناب آقای سلیمی فرمودند.

آقای رهپیک - اینها اصلاً نظامی نیستند؛ یگان‌های حفاظت، نظامی نیستند.

آقای مدرسی یزدی - باید تفصیل داد؛ باید بگوییم کارکنانی که در این یگان‌ها هستند و نظامی نیستند، [به جرمان در دادگاه‌های نظامی رسیدگی نمی‌شود].

آقای علیزاده - نه، بعضی از این کارکنان مسلحند.

آقای رهپیک - مسلح هستند، ولی نظامی نیستند.

آقای علیزاده - ما باید بگوییم از یک جهت، عموم این بند نسبت به «کلیه جرائم مرتبط» اشکال دارد؛ از جهت اینکه شامل همه‌ی افراد کارکنان یگان‌های حفاظت می‌شود ولو آن کارکنانی که نظامی نیستند.

آقای مدرسی یزدی - بله، این ایراد، درست است.

آقای علیزاده - بنابراین می‌گوییم اولاً چون این بند، شامل کلیه‌ی افراد می‌شود، اشکال دارد.

آقای ابراهیمیان - کارکنان یگان‌های حفاظت اصلاً نظامی نیستند.

آقای اسماعیلی - بعضی از آنها نظامی هستند.

آقای علیزاده - بعضی از آنها مسلح هستند.

آقای ابراهیمیان - نه، اینها نظامی نیستند.

آقای مدرسی یزدی - در اصل (۱۷۲) قانون اساسی کلمه‌ی «مسلح» نیامده است. قانون اساسی گفته است اعضای سپاه، ارتش و نیروی انتظامی.

آقای ابراهیمیان - نه، اصلاً هیچ کدام از کارکنان یگان‌های حفاظت، نظامی نیستند.

آقای علیزاده - در اصل (۱۷۲) قانون اساسی از جهت اینکه فردی مسلح باشد، تقییدی ندارد؛ در آن اصل آمده است و مثلاً به شهربانی مثال زده است. ژاندارمری یعنی این افرادی که مسلحند.

آقای علیزاده - خب، اگر قبلاً هم ایراد گرفته‌ایم، می‌توانیم به آن ایراد هم استناد بکنیم.

آقای رهپیک - منتها آن ایراد، از موارد اختلافی نبود.

آقای علیزاده - بله، همین‌طور بود.

آقای رهپیک - [در آن زمان، بعد از ایراد شورای نگهبان به این موضوع] مجلس این مسئله را مسکوت گذاشت. اما بعداً این مسئله را به عنوان معضل در مجمع تشخیص مصلحت مطرح کردند.^۱

آقای علیزاده - «چ- جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت سازمان‌های مشمول دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت دستگاه‌های کشوری مصوب فرماندهی کل قوا».

آقای رهپیک - این بند که مربوط به یگان‌های حفاظت است هم ایراد دارد.

آقای علیزاده - مثل یگان‌های حفاظت گمرک، شیلات، راه‌آهن و غیره.

آقای رهپیک - بله، راه‌آهن یگان حفاظت دارد، وزارت نفت دارد، منابع طبیعی دارد، بانک‌ها دارند.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که اینها نظامی هستند.

آقای رهپیک - نه، اینها نظامی نیستند.

آقای علیزاده - نه، ما در مورد آن کارکنانی که نظامی خاصند، ایرادی نداریم.

آقای رهپیک - کارکنان این یگان‌ها نظامی نیستند.

→

جرائم عمومی آنها نمی‌شود، این تبصره خلاف قانون اساسی شناخته شد. [خاطرنشان می‌گردد شماره‌ی اصل مذکور در این بند از نظر شورای نگهبان، به اشتباه درج شده است و اصل (۱۷۲) صحیح است.] متن تبصره (۳) ماده (۱) لایحه مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۳/۳ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «تبصره ۳- به کلیه جرائم اسرای جنگی در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.» جهت آگاهی بیشتر نسبت به سوابق این مصوبه، بنگرید به پرونده‌ی این لایحه در سامانه‌ی جامع نظرات شورای نگهبان، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/b63zv

۱. اشاره به قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۲/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام دارد. در انتهای این قانون آمده است: «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه مورخ ششم مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه مجمع تشخیص مصلحت نظام مشتمل بر سه ماده به شرح فوق به تصویب رسیده است.»

آقای مدرسی یزدی - نخیر، آنچه در قانون اساسی آمده از باب مثال نیست.

آقای علیزاده - چرا دیگر؛ به هر حال، این وحدت ملاک در این کارکنان یگان‌های حفاظت هم هست.

آقای ره‌پیک - اجازه بدهید من یک توضیحی بدهم. یگان‌های حفاظت یک دستورالعملی دارند که بند (چ) آن را ذکر کرده است. این دستورالعمل، دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت مصوب فرماندهی کل قوا است.^۱ اینها نیروهای دستگاه‌ها هستند که می‌روند و آموزش‌های حفاظتی لازم را می‌بینند. اینها در شرایط عادی، کارکنان آن دستگاه تلقی می‌شوند و در شرایط خاص تحت نظارت ستاد کل نیروهای مسلح و بر اساس این دستورالعمل عمل می‌کنند.^۲

آقای علیزاده - به عنوان ضابط هم کار می‌کنند.

آقای اسماعیلی - این بند، عموم دارد.

آقای ره‌پیک - اینها کارمندان دستگاه‌ها هستند که فقط برای حفاظت از آنجاها آموزش دیده‌اند؛ و الا این کارکنان بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی، نه عضو سپاهند، نه عضو ارتش هستند، نه عضو نیروی انتظامی هستند و نه عضو شهربانی.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌فرمایند این بند، به کلی اشکال دارد، رأی بدهند. من به این ایراد رأی نمی‌دهم. به نظر ما، این بند به کلی اشکال ندارد؛ اما ما می‌گوییم چون شامل کلیه افراد ولو افراد غیرمسلح هم می‌شود، از این جهت اشکال دارد.

آقای اسماعیلی - بله، عموم این بند، اشکال دارد.

آقای یزدی - الان مقصود از مقامات حفاظتی چیست؟ اکثر این افرادی که مسئولیت حفاظتی دارند مسلح هستند.

آقای علیزاده - بله، همین را داریم می‌گوییم.

آقای یزدی - اصلاً یگان حفاظتی، بدون اسلحه معنا ندارد.

آقای اسماعیلی - چرا.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم این بند، نباید شامل افراد غیرمسلح بشود.

آقای یزدی - پس اینها جزء نیروهای مسلح هستند.

آقای علیزاده - بله.

آقای ره‌پیک - نه، کارکنان مسلح یگان‌های حفاظتی هم جزء نیروهای مسلح نیستند.

آقای یزدی - [جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی کارکنان این یگان‌ها] از جهت کارایی [تفاوتی با جرائم خاص نیروهای مسلح ندارند]؛ یعنی جرائمی که مربوط به وظایف حفاظتی این کارکنان است که باید با اسلحه دفاع بکنند، [مثل دیگر نیروهای مسلح هستند]. خوب با این وصف، چرا این بند خلاف قانون اساسی باشد؟

آقای علیزاده - این بند که اشکال دارد. این بند از دو جهت اشکال دارد؛ یکی از جهت ذکر عبارت «جرائم مرتبط» که گفتیم بعضی از جرائم، مرتبط با وظایف نظامی‌گری نیست. اگر این افراد، نظامی هستند و جرمشان مربوط به وظایف خاصشان است، [مشمول اصل (۱۷۲) هستند].

آقای اسماعیلی - بله.

آقای علیزاده - الان برای این بند، دو تا رأی می‌گیریم. یک ایراد آن را رأی گرفتیم که رأی نیاورد. ایراد بعدی این است که چون این بند، شامل همه‌ی افراد کارکنان یگان‌های حفاظتی می‌شود، ولو اینکه افراد غیرمسلح باشند، این بند، اشکال دارد. اگر این ایراد را قبول دارید، رأی بدهید.

آقای یزدی - کجای این بند، شامل افراد غیرمسلح هم می‌شود؟! موضوع بند (چ) «جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظتی» است.

آقای علیزاده - این ایراد، رأی آورد.

آقای هاشمی شاهرودی - این بند، شامل افراد غیر نظامی هم می‌شود.

آقای سلیمی - بله، شامل افراد غیر نظامی هم می‌شود.

آقای علیزاده - این ایراد، رأی آورد.

آقای اسماعیلی - عموم این بند، شامل افراد غیر نظامی و غیر انتظامی می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - بله، این افراد، باید نظامی یا انتظامی باشند.

آقای ره‌پیک - الان مثلاً سازمان جنگل‌ها یک سری کارمند دارد که این کارمندان را [به عنوان یگان حفاظت] در جنگل مسلح

۱. بند (۷) دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت در دستگاه‌های کشوری مصوب ۱۳۷۹/۴/۵ مقام معظم رهبری: «۷- این دستورالعمل در تاریخ

۱۳۷۹/۴/۵ به تصویب مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا رسید، از آن تاریخ لازم الاجرا بوده و مرجع تفسیر و اصلاح آن ستاد کل می‌باشد.»

۲. بند (۴) دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت در دستگاه‌های کشوری مصوب ۱۳۷۹/۴/۵ مقام معظم رهبری: «۴- تابعیت و ضوابط اداری و استخدامی یگان‌ها و کارکنان آنها به صورت ذیل می‌باشد:

۴-۱- یگان‌ها در شرایط عادی در تابعیت دستگاه ذی‌ربط می‌باشند و در شرایط خاص به تشخیص ستاد کل نیروهای مسلح و یا شورای امنیت کشور تحت کنترل عملیاتی ناجا قرار می‌گیرند.

۴-۲- ...»

کرده است. این افراد اصلاً جزء نیروهای مسلح نیستند. یگان‌های حفاظت دستگاه‌ها، نه جزء نیروی انتظامی هستند و نه جزء سپاه و نه ارتش.

آقای ابراهیمیان - داشتن اسلحه، ملاک نیست.

آقای علیزاده - این موضوع را قبلاً هم فرمودید؛ رأی نیاورد. ایراد این بند، رأی آورده است. حالا می‌گوییم [این بند، ایراد دیگری هم دارد] چون عموم این بند، شامل جرائم خاص نظامی و انتظامی و غیر آنها می‌شود، اشکال دارد؛ چون در بند (چ)، گفته است جرائم خاص «مرتبط» با وظایف انتظامی.

آقای مؤمن - این، ایراد جدید است.

آقای علیزاده - بله، این ایراد جدید است. آقایانی که این ایراد را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای یزدی - این «جرائم مرتبط»، اعم از وظایف خاص نظامی است.

آقای علیزاده - بله، موضوع این بند، «جرائم مرتبط» است؛ لذا چون عموم این بند، شامل وظایفی غیر از وظایف خاص نظامی هم می‌شود، ایراد دارد. موضوع این بند، فقط جرائم خاص نظامی آنها نیست. این ایراد هم رأی آورد.

آقای یزدی - این جرائم، باید مرتبط با آن وظایف خاص نظامی باشد.

آقای رهپیک - ایراد همه‌ی این بندها، رأی می‌آورد؛ همه‌ی این بندها اشکال دارند.

آقای جنتی - معنای این قید «مرتبط»، همان قید «وظایف خاص» است.

آقای علیزاده - عموم عبارت «جرائم مرتبط» هم شامل جرائم خاص نظامی می‌شود و هم شامل دیگر جرائم می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، شامل جرائم غیر خاص نظامی هم می‌شود.

آقای علیزاده - حاج‌آقای یزدی نسبت به بند (پ) یک مطلبی فرموده بودند که آقایان آن را در نظر نگرفتند.

آقای یزدی - بله، بند (پ) گفته است: «پ- جرائم اعضای نیروهای مسلح علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان خدمت و نیز تا پنج سال پس از خاتمه خدمت»؛ در حالی که فرد پس از پایان مدت خدمت، خارج از تشکیلات نظامی است.

آقای علیزاده - بله، قید «تا پنج سال پس از خدمت» را هم در این بند ببینید. چرا گفته‌اند «تا پنج سال پس از خدمات»؟

آقای سلیمی - بازنشستگان [که مشغول خدمت نیستند دیگر].
آقای رهپیک - این قسمت هم جزء همان مجوزهایی است که از آقا [=مقام معظم رهبری] گرفته‌اند.^۱

آقای علیزاده - خب، آن را که می‌دانیم.

آقای رهپیک - چون شما به اصل این بند اشکال گرفتید، دیگر آن قسمت دوم هم جزء آن محسوب می‌شود.

آقای علیزاده - بله، همه‌ی این بند، اشکال دارد.

آقای یزدی - یعنی بعد از اینکه فردی از تشکیلات نیروهای مسلح خارج شد، اگر تا پنج سال بعد، یک مسئله و بحث حقوقی پیدا کرد، مثلاً با زن و بچه‌اش دعوا بکند یا با یک بازاری بر سر یک مالی اختلاف پیدا کرد، اینها را باید در سازمان قضایی نیروی‌های مسلح رسیدگی کنند؟!

آقای رهپیک - بله، البته اگر بخواهیم دقیق‌تر عرض بکنیم، باید گفت که در مورد بند (پ)، سازمان قضایی دو تا مجوز از مقام معظم رهبری گرفته است. چون در موضوع بند (پ) دو قید هست: یک قید، جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی است و یک قید هم جرائم در زمان خدمت است. قید «تا پنج سال بعد از خدمت» را به امنیت داخلی اضافه کرده‌اند؛ آقا برای این موضوع، مجوز داده‌اند.

آقای ابراهیمیان - موضوع آن، ارتکاب جرم امنیتی پس از خدمت و در حین خدمت است.

آقای علیزاده - این قید «تا پنج سال» در این بند، قید جرائم خاص نظامی را هم ندارد.

آقای یزدی - یعنی می‌فرمایید قید «تا پنج سال» باید اختصاص به جرائم امنیتی داشته باشد. خب در این بند، دو تا مسئله هست. شما می‌فرمایید که این مورد را از مقام معظم رهبری اجازه گرفته‌اند؛ منظور از «تا پنج سال»، یعنی اینکه پنج سال

۱. ... لازم به ذکر است که صلاحیت‌های محاکم نظامی هم اکنون برگرفته از چند منبع می‌باشد که توجه به آنها در قانون‌گذاری لازم می‌باشد. این موارد که برگرفته از اصل (۱۷۲) قانون اساسی، احکام و فرامین رهبری و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام است بدین قرارند:

۱. ...

۲. جرائم کارکنان نیروهای مسلح علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان خدمت و نیز پس از خاتمه خدمت تا ۵ سال (به موجب اجازه‌نامه شماره ۴۲۹۹/۷۳ م مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۰ و اجازه‌نامه شماره ۲۰/۲۲۹۹۱ ف مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۹ مقام معظم رهبری) ... نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۹، صص ۳-۴، قابل دسترسی در نشانی

زیر: yon.ir/wVtVb

پس از خدمت را به دوران خدمت ملحق کرده‌اند. حالا این زمان پنج سال بعد از خدمت را که به زمان خدمت ملحق کرده‌اند، آیا مطلق جرائم مقصود است یا جرائم خاصی که مرتبط با وظایف نظامی‌شان است؟

آقای رهپیک - اگر این مجوز نباشد، اصلاً بند (پ) اشکال پیدا می‌کند.

آقای علیزاده - این بند، جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح را در بر نمی‌گیرد.

آقای یزدی - سؤال من این مسئله است که چرا پنج سال را به این زمان اضافه کرده‌اند؟ شما می‌فرمایید این مدت را اضافه کرده‌اند؛ چون ممکن است که این نیرو اطلاعات نظامی را فاش کند یا ممکن است این نیرو اطلاعات را چنین و چنان کند. یک مسئله این است که آیا منظور از این جرائم همان جرائمی است که اگر این نیرو در زمان اشتغال مرتکب می‌شد، در سازمان قضایی پیگیری می‌کردند یا حتی جرائم معمولی این شخص را هم شامل می‌شود؟ لابد این بند، این برداشت دوم را که نمی‌خواهد بگوید. حرف من این است دیگر.

آقای علیزاده - به آن که ایراد گرفتیم. فعلاً این بند دارد جرائم امنیتی را می‌گوید. الآن چیزی که مانده است این است که بعد از پنج سال، این کارکنان حتی جرائم خاص انتظامی هم ندارند دیگر. این بند، از این جهت هم اشکال دارد. در این پنج سال، فرد از نیروهای مسلح منفک شده است. اصلاً این فرد، نیروی نظامی نیست که بگوییم در محاکم نظامی به جرمش رسیدگی شود.

آقای ابراهیمیان - دیگر عضو نیروهای مسلح نیست.

آقای رهپیک - اگر آن مجوز نباشد، این بند خلاف اصل (۱۷۲) است.

آقای علیزاده - این بند بر طبق آن مجوز دارد می‌گوید که طبق آن مجوز عمل نکنند.

آقای رهپیک - خلاف قانون اساسی است دیگر.

آقای جنتی - این جرائم، جرائم علیه امنیت داخلی است. به خاطر همین که اتهام فرد ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی است، چنین چیزی را پیش‌بینی کرده‌اند.

آقای علیزاده - بله می‌دانم؛ اما رسیدگی به جرائم علیه امنیت داخلی به آنها [= سازمان قضایی] ربطی ندارد. کل این عبارت «تا پنج سال پس از خاتمه خدمت» اشکال دارد.

آقای یزدی - جرائم مربوط به مواد مخدر جدا بود که کلاً آن را بند دیگری ذکر کردند.

آقای علیزاده - کل قسمت دوم این بند، اشکال دارد.

آقای ابراهیمیان - بله.

آقای جنتی - بنویسید رسیدگی به جرائمی که با امنیت داخلی و خارجی ارتباط دارد، [در دادگاه نظامی ایراد دارد].

آقای علیزاده - این بند (ح)، خیلی سبک است: «ح- کلیه جرائم کارکنان نیروهای مسلح با جایگاه نوزده به بالا به استثنای جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانواده»؛ یعنی اگر آن نظامی فقط با زنش دعوا دارد، رسیدگی به جرمش در دادگاه نظامی انجام نمی‌شود، اما در مورد بقیه‌ی جرائم، باید به دادگاه نظامی بیاید!

آقای اسماعیلی - اگر با صاحبخانه‌اش هم دعوا داشت باید برای رسیدگی به دادگاه نظامی بیاید!

آقای سلیمی - این کار خوبی است. می‌خواهند نیروهای مسلح [بیشتر مراقب اعمال خودشان باشند].

آقای علیزاده - می‌دانم کار خوبی است؛ ولی در این موارد، باید پای مجمع تشخیص مصلحت نظام وسط کشیده شود.

آقای سلیمی - بله، اگر این جور است درست است.

آقای علیزاده - این بند هم خلاف اصل (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای رهپیک - رسیدگی به این جرائم در دادگاه نظامی هم با مجوز رهبری بوده است.

آقای سلیمی - باشد، مجوز کافی نیست.

آقای علیزاده - آقایانی که ایراد بند (ح) را قبول دارند، رأی بدهند.

«تبصره ۱- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف و مسئولیت‌هایی که طبق قانون و مقررات بر عهده آنان است مرتکب شوند.» منظور از «ارتباط مستقیم با خدمت» چیست؟

آقای رهپیک - این تبصره، جرائم خاص نظامی و انتظامی را تعریف کرده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، عبارت «به سبب خدمت» اعم از جرائم خاص نظامی است؛ یعنی از حیث وظایف نظامی فرد.

آقای علیزاده - «به سبب خدمت»، یعنی مثلاً اگر یک نظامی رفته است و دو تا آدم را کُشته است هم شامل این تبصره می‌شود. جرائم خاص نظامی و انتظامی، آن جرائمی است که فقط یک نظامی می‌تواند مرتکب شود. اگر بنده تفنگی داشته باشم و آن را گم بکنم، هیچ کس به من نمی‌گوید چرا تفنگت

این تبصره می‌گوید اگر انتساب جرم به این آدم به سبب خدمت و در ارتباط با انجام وظایف خاص انتظامی و نظامی او باشد، این جرم، جرم خاص نظامی است و در دادسرا و دادگاه نظامی به آن رسیدگی می‌شود. تعریف صحیحی ارائه داده است که ضابطین را شامل نشود؛ چون در ذیل آن [= تبصره (۳)، تعریف ضابط را] آورده است. یک وقتی مقام قضایی دستور می‌دهد و می‌گوید برو و فلان کار را بکن و او می‌رود که آن کار را بکند، ولی در آنجا مرتکب جرم می‌شود؛ در این صورت، آن فرد نظامی، ضابط می‌شود.

آقای علیزاده - نه، اصلاً این‌طور نیست. آنچه که شما مثال زدید، ضابط است.

آقای سلیمی - منظورتان کدام مثال است؟ ما یک ضابط عام داریم و یک ضابط خاص داریم. ضابطین دو دسته‌اند.

آقای علیزاده - نه، در اینجا بحث ضابط عام و خاص نیست. فرد نظامی که بدون حکم نمی‌تواند برود کاری انجام دهد.

آقای سلیمی - بنده بر اساس آنچه که [از این تبصره و سایر قوانین در این حوزه] فهمیده‌ام عرض می‌کنم. ما یک ضابط عام داریم و یک ضابط خاص. آنجایی که می‌گوییم در صورتی که نیروهای نظامی در مقام ضابط مرتکب جرم شدند، به جرمشان در همان محکمه‌ای رسیدگی می‌شود که به اینها مأموریت داده است، مواردی است که نیروی نظامی ضابط خاص باشند؛ یعنی مثلاً دادستان به آنها دستور داده است که بروید و فلانی را جلب کنید و بیاورید. اینها هم با این حکم برای جلب شخص رفته‌اند و او را آورده‌اند، اما در مسیر انجام این دستور مقام قضایی، اتهامی هم متوجه مأمورین گشته است.

آقای علیزاده - اصلاً منظور، این نیست.

آقای سلیمی - در اینجا این مأمورین، ضابط خاص تلقی می‌شوند و در این صورت، باید به جرمشان طبق اصل (۱۷۲) قانون اساسی در محاکم دیگر [= محاکم عمومی] رسیدگی بشود؛ چون ضابط خاص تلقی می‌شوند. اما اگر نظامیان در حین انجام همین وظایفی که نیروهای نظامی دارند انجام می‌دهند مرتکب جرم شوند، عنوان ضابط عام بر آنها منطبق است [و سازمان قضایی، به جرائم ارتكابی آنها در حین انجام این وظایف رسیدگی می‌کند]؛ والا دیگر هیچ وظیفه‌ای برای سازمان قضایی نمی‌ماند؛ فقط ترک خدمت می‌ماند و آن موارد دیگر. اگر این‌طور بود، اصلاً هیچ صلاحیتی برای سازمان قضایی باقی نمی‌ماند دیگر.

را گم کردی، ولی اگر فرد نظامی گم بکند، جرم است. من اگر دستم را بالا نبرم و به رئیس سلام نکنم، هیچ کسی به من نمی‌گوید تو مرتکب جرم شده‌ای، ولی به نظامی می‌گویند تو مرتکب جرم شده‌ای. اما اگر یک نظامی در حین خدمت مرتکب یک جرم عمومی شد، [نباید به آن جرم در دادگاه نظامی رسیدگی شود].

آقای سلیمی - ارتکاب چنان جرمی، «به سبب خدمت» می‌شود.

آقای مدرس‌ی یزدی - اگر مثلاً یک نظامی غذایی برای خوردن پیدا نکرده است و رفته است غذای دیگری را دزدیده است [جرم سرقت «به سبب خدمت» مرتکب شده است].

آقای ره‌پیک - نه، «به سبب خدمت» مرتکب چنین جرمی نشده است.

آقای مدرس‌ی یزدی - چرا؛ اگر می‌خواسته است که مأموریتش را انجام بدهد.

آقای علیزاده - نه، مثلاً به سبب خدمت مرتکب قتل شده است.

آقای مدرس‌ی یزدی - حالا چرا مثال قتل را می‌گویید که مثالی غریبی است؛ بگویید یک چیزی دزدیده است و خورده است.

آقای ره‌پیک - جهت ارتکاب جرم فرد نظامی، باید خدمتش باشد.

آقای سلیمی - اگر یک نظامی در حال انجام وظیفه، در مقام ایفای وظیفه، جرمی انجام بدهد [به آن جرم، جرم «به سبب خدمت» می‌گوییم]؛ مثل اینکه می‌خواهد قاچاقچی را بگیرد، اما آن شخص فرار می‌کند و او تیراندازی می‌کند که باعث می‌شود یا خود قاچاقچی یا کس دیگری تیر بخورد و کشته شود یا مجروح شود. این فرد، به سبب خدمتش مرتکب جرمی شده است؛ در حال خدمت و به سبب خدمت و در ارتباط با خدمت مرتکب جرم شده است. رسیدگی به این جرم، در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است و این سازمان به این جرم رسیدگی می‌کند. این تبصره دارد همین را می‌گوید.

می‌گوید این فرد، جرمی را به سبب خدمت یا در ارتباط با انجام وظیفه‌اش مرتکب شده است؛ نه اینکه با زنش دعوا داشته و اسلحه‌اش را برداشته و رفته است زنش را در خانه گشته است. در این صورت که نمی‌شود گفت ارتکاب این جرم به سبب خدمت بوده است. یا مثلاً در حین خدمت بوده است و پُستش را رها کرده و با اسلحه رفته است کسی را که با او غرض داشته، کشته است؛ این جرم هم باز «به سبب و در ارتباط با خدمت» نیست. این تعریف، تعریف صحیحی است.

آقای علیزاده - حالا این قید «به سبب خدمت» را اضافه کرده‌اند. قید «به سبب خدمت» خیلی چیزها را در برمی‌گیرد. باید تعریف را درست بگویند.

آقای سوادکوهی - قید «به سبب خدمت»، دارد این تعریف را توسعه می‌دهد.

آقای ره‌پیک - در «قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری» هم، آن قید «به سبب» را ذکر کرده است.^۱ مجلس این دو تا را با همدیگر ترکیب کرده و آنها را با هم جمع کرده است.

آقای ابراهیمیان - [قید «به سبب خدمت»]، نوعی ارتباط است که محدود است.

آقای مدرسی یزدی - ظاهراً به نظر می‌آید که مراد مجلس همان وظایف خاص نظامی و انتظامی بوده است. اینکه این تبصره می‌گوید: «منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف و مسئولیت‌هایی که طبق قانون و مقررات بر عهده آنان است مرتکب شوند»؛ یعنی در آن محدوده‌ی این وظایف خاص نظامی قرار بگیرد، نه بیشتر. بنابراین نمی‌خواهد هر چیزی که ربط دارد را بگوید. وقتی می‌گوید «به سبب خدمت» مرتکب جرم شوند، این قید «به سبب خدمت» علت تامه نیست، بلکه عرفی است. وقتی که عرفی باشد، اعم از آنچه را به دست می‌آوریم که در اصل (۱۷۲) قانون اساسی هست. فرض کنید که نیروی نظامی، مأموریت رفته است تا فلان‌جا کار نظامی بکند. دارد برمی‌گردد، گرسنه‌اش شده است. نباید به مال مردم تجاوز کند ولی تحت فشار است. می‌رود و یک مالی را برمی‌دارد و می‌خورد، بعد

آقای هاشمی شاهرودی - خود بند (ب) بر خلاف نظر شما تفسیر کرده است. بند (ب) جرائم در مقام ضابط دادگستری را استثنا کرده است.

آقای علیزاده - بله.

آقای سلیمی - منظور این بند، همین ضابط خاص است. آن بند دارد همین عرض بنده را تأیید می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای ابراهیمیان - این چیزی که حاج‌آقای علیزاده فرمودند، یک جرم خاص نظامی است که جز با نظامی بودن، جور دیگر قابل تصور و تحقق نیست. یک جرم خاص نظامی داریم؛ مثل اینکه می‌فرمایند یک نظامی اسلحه‌اش را گم بکند. متنها موضوع اصل (۱۷۲) قانون اساسی، «جرم خاص نظامی» نیست، بلکه موضوع آن، «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی» است؛ یعنی باید آن جرم با وظایف خاص نظامی ارتباط داشته باشد. این ارتباط می‌تواند به نحو سببیت باشد؛ یک جا [در تبصره (۱) ماده (۲۸)] هم عنوان کرده است که این جرائم در ارتباط مستقیم با وظایف نیروهای مسلح باشد. مثلاً الآن یک نیروی نظامی به گشت رفته است. به او گفته شده که منطقه‌ی اشغال‌شده یا غیر آن را بازرسی کن. آن نظامی هم لگدی به در می‌زند و به واسطه‌ی آن لگد، کسی که در پشت در بوده از بین می‌رود؛ یا در خانه‌ای که داخل آن زن و بچه است، نارنجک می‌اندازد. خب این کارها همگی قتل است؛ متنها این قتل، عنوان کلی دارد که اشخاص دیگر هم مرتکب آن می‌شوند، اما در این مثال‌ها قتلی که نظامی مرتکب شده در ارتباط با وظیفه‌ی خاص او است که آن وظیفه‌ی گشت و بازرسی است. بنابراین دادگاه نظامی می‌تواند به این جرم رسیدگی بکند. پس فقط گم شدن تفنگ و غیبت و عدم حضور در خدمت نیست. یک نوع ارتباط، ملاک است که قانون‌گذار آن ارتباط را در این تبصره تعریف کرده است؛ گفته است که اگر یک نظامی هم «به سبب خدمت» مرتکب قتل بشود، این ارتباط تحقق پیدا کرده است و رسیدگی به این جرائم، داخل در وظایف سازمان قضایی است. به نظرم، تعریف بدی نیست.

آقای ره‌پیک - در قانون دادرسی نیروهای مسلح [مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ هم در تبصره (۱) ماده (۱)، این جرائم را] تعریف کرده است: «تبصره ۱- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی بزه‌هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند.»

۱. قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب ۱۳۵۸/۲/۸ شورای انقلاب: «ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون دادگاه‌های نظامی منحصراً به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی رسیدگی خواهند کرد و رسیدگی به سایر جرائمی که در صلاحیت دادگاه‌های مذکور قرار گرفته به مراجع قضایی دادگستری محول می‌گردد.

تبصره ۱- جرائمی که افسران و درجه‌داران و افراد و کارمندان شهربانی و ژاندارمری کشور به سبب خدمت یا در حین خدمت و به سبب آن مرتکب شده یا بشوند در مراجع قضایی دادگستری رسیدگی خواهد شد. تبصره ۲- کلیه پرونده‌های مشمول ماده فوق و تبصره (۱) که تا تاریخ این قانون به صدور حکم قطعی منتهی نشده باشد، در مراجع قضایی دادگستری رسیدگی خواهد شد.

تبصره ۳- (الحاقی ۱۳۵۸/۹/۳) منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی جرائمی است که افسران و درجه‌داران و افراد و کارمندان وزارت دفاع و ارتش به سبب خدمت در سازمان یا واحد نظامی مربوط مرتکب شده باشند.»

آقای سلیمی - اصلاً این در ارتباط نیست.

آقای علیزاده - خب چرا نیست؟ ارتکاب این جرم «به سبب» و «به ارتباط» با وظایف نظامی که می‌شود.

آقای ره‌پیک - نه.

آقای علیزاده - چطور می‌گویید نیست؟

آقای اسماعیلی - «ارتباط مستقیم»، همان سبب مستقیم در مسئولیت مدنی است.

آقای ره‌پیک - ارتباط مستقیم با وظایف نظامی، یعنی این باید می‌رفت آنجا و دفاع می‌کرد.

آقای علیزاده - بحث «ارتباط» را رها کنید و به قید «به سبب خدمت» توجه کنید. ارتکاب این جرم، «به سبب خدمت» است یا نیست؟ معلوم است که به سبب انجام وظیفه است.

آقای ره‌پیک - نه، به سبب خدمت نیست.

آقای اسماعیلی - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر بخواهیم قانون اساسی را تفسیر کنیم [باید بگوییم به جرائمی که ارتباط مستقیم با وظایف خاص نظامی آنها ندارد، در محاکم عمومی رسیدگی شود]؛ چون در ذیل اصل (۱۷۲) آمده است: «... ولی به جرائم عمومی آنان ... در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود...». این اصل، این مورد را استثنا کرده است. پس هر چیزی که جرم عمومی است، استثنا شده است.

آقای علیزاده - بله، این اصل جرائم عمومی را استثنا کرده است. اگر جرمی، جرم عمومی است، نباید به آن در دادگاه نظامی رسیدگی شود.

آقای هاشمی شاهرودی - معنای جرائم مربوط به وظایف خدمت، همان جرائمی است که مربوط به کارها و وظایف خاص نظامی است.

آقای ره‌پیک - بله دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی فرض کنید که به فرد نظامی گفته‌اند به مأموریت برو، ولی او نرفته است. این شخص باید سر کار می‌رفته و کار نظامی انجام می‌داده، ولی نرفته است و مأموریتش را انجام نداده است یا بر خلاف آن انجام داده است. این مطلب، به فرینیه ذیل اصل (۱۷۲) که جرائم عمومی را استثنا کرده است فهمیده می‌شود. اگر آن استثنا نبود، جا داشت که انسان یک اطلاقی از آن اصل بفهمد. با استثنای جرائم عمومی، معنای این اصل این است که هر چیزی که جرم عمومی است، باید در دادگستری به آن رسیدگی بشود.

هم می‌رود و مأموریتش را انجام می‌دهد. ارتکاب این جرم، به سبب خدمت است؛ چون این فرد، در بیابان در حال انجام مأموریت و خدمت بوده است.

آقای ره‌پیک - نه، این که جرم عمومی است؛ این که سرقت است.

آقای مدرس‌ی یزدی - در این مثال، ارتکاب جرم، به سبب خدمت است؛ یعنی [به سبب خدمت و در حین انجام مأموریت] گرسنه مانده است.

آقای سوادکوهی - بله، این طوری می‌شود فرض کرد.

آقای ره‌پیک - ارتکاب این جرم، در زمان مأموریت و در حین انجام مأموریت است، اما «به سبب خدمت» نیست.

آقای مدرس‌ی یزدی - این تبصره، جرائم حین مأموریت را نگفته است؛ گفته است جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی. منظور از «جرائم مربوط»، وظیفه‌ی خاص نظامی نیست. در این مثال هم ارتکاب آن جرم، وظیفه‌ی خاص مأمور نبوده است. این مأمور داشته برمی‌گشته، ولی گرسنگی به او فشار آورده است. در واقع جرمی که مرتکب شده به سبب این خدمت بوده است. اگر این مأموریت نبود، این کار را نمی‌کرد. پس ارتکاب این جرم، به سبب خدمت است؛ ولی در عین حال، با خدمت نیروی نظامی در ارتباط است؛ چون این تبصره نمی‌گوید که «به سبب خدمت» علت تامه است؛ اصلاً نمی‌شود گفت که علت تامه است.

آقای ره‌پیک - نه.

آقای ابراهیمیان - «مرتبط بودن» ادق است یا این «به سبب»؟ «به سبب» دقیق‌تر است.

آقای مدرس‌ی یزدی - اینکه این تبصره می‌گوید: «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی»، یعنی مثلاً وقوع جرم در منطقه‌ی خاص نظامی بوده است.

آقای علیزاده - بنده از شما یک سؤال می‌کنم. اگر این آقای مأمور داشت از مأموریت برمی‌گشت و در اثر بی‌احتیاطی با ماشین به فردی زد و او را را گشت، آیا جرم او باید به سازمان قضایی برود؟

آقای ره‌پیک - نه.

آقای علیزاده - خب، این جرم در ارتباط با وظایف خاص نظامی است؛ چرا نیست؟ همین جرم، در ارتباط مستقیم [با وظایف نظامی] است.

آقای ره‌پیک - این جرم، در ارتباط مستقیم با وظایف نظامی نیست.

آقای سوادکوهی - درست است.

آقای مدرسی یزدی - خواسته‌اند روشن‌فکرانه باشد. وقتی که می‌نوشتند واقعاً اشتباه کردند.

آقای هاشمی شاهرودی - اصل (۱۷۲) قانون اساسی روشن است؛ ولی در این مصوبه‌ی عادی فعلی، [صلاحیت محاکم نظامی] توسعه داده شده است. اول ما باید این اصل (۱۷۲) را تفسیر کنیم تا ببینیم مقصود از وظایف خاص چیست؟

آقای سوادکوهی - جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی است.

آقای علیزاده - همان‌طور که حضرت آیت‌الله شاهرودی فرمودند ذیل اصل (۱۷۲) دو تا مطلب را استثنا کرده است؛ یکی جرائمی که نظامیان در مقام ضابط مرتکب می‌شوند و یکی جرائم عمومی. اگر جرم ارتكابی در مقام ضابط را استثنا نمی‌کرد، ممکن بود که ما بگوییم جرایم ارتكابی در مقام ضابط هم داخل در صلاحیت محاکم نظامی است؛ ولی اگر جرائم عمومی را استثنا نمی‌کرد، با توجه به عموم صلاحیت دادگستری، ما رسیدگی به جرائم عمومی در محاکم نظامی را منع می‌کردیم. ولی این اصل آمده است و به این استثنا تصریح کرده و اینکه باید به جرائم عمومی نظامیان در محاکم عمومی دادگستری رسیدگی شود را گفته است. خب جرائم عمومی یعنی چه؟ یعنی آن جرمی که عموم مردم هم مرتکب می‌شوند، نه آن جرائمی که با عنوان عمومی مرتکب می‌شود.

آقای سوادکوهی - درست است.

آقای علیزاده - رسیدگی به جرائمی که عموم مردم مرتکب می‌شوند و من نظامی هم مرتکب می‌شوم، آن در صلاحیت دادگستری است. همچنین رسیدگی به آن جرائمی که عموم مردم مرتکب نمی‌شوند ولی من نظامی به عنوان ضابط مرتکب می‌شوم، آن هم در صلاحیت دادگستری است. ولی اگر من به عنوان مأمور نظامی و انتظامی مرتکب جرمی شوم که اگر نظامی نبودم این جرم هم نبود، [رسیدگی به چنین جرمی در صلاحیت دادگاه نظامی است].

آقای سلیمی - این تفسیر آقای علیزاده از اصل (۱۷۲)، فقط جرم لغو دستور است که باید در دادگاه‌های نظامی به آن رسیدگی شود.

آقای علیزاده - چرا می‌فرمایید که فقط لغو دستور، مصداق این اصل است؟ فرار از جنگ و خدمت را هم بگویید که مصداق این اصل است. مگر جرائم خاص نظامی و انتظامی فقط

همین‌ها است؟ چرا می‌گویید فقط جرم لغو دستور، مصداق این اصل است؟ فرار از جنگ را به عنوان مصداق این اصل بگویید؛ اینکه فرد نظامی پشت به دشمن کرده است را به عنوان مصداق این اصل بگویید.

آقای ره‌پیک - بله، از مصادیق این اصل، فرار از جنگ و خدمت است.

آقای هاشمی شاهرودی - مثل تَمَرَد.

آقای علیزاده - بله، تَمَرَد را به عنوان مصداق بگویید. اینکه یک نظامی سرِ پُست می‌خواهد را به عنوان مصداق بگویید. اینکه از پست فرار می‌کند و می‌رود را به عنوان مصداق بگویید. آن جرائمی که مربوط به آن فرد نظامی است را بگویید. مگر جرائم خاص نظامی فقط همین یکی دو تا است؟! قانون اساسی صلاحیت محاکم نظامی را محدود کرده است، ما چه کار کنیم؟

آقای ره‌پیک - نه، اگر مقصود این باشد که جرائم خاص نظامی، فقط یعنی تخلفات از وظایف نظامی [ما هم چنین تفسیری را قبول نداریم].

آقای هاشمی شاهرودی - نه، جرائم فرد نظامی هم [داخل در موضوع اصل (۱۷۲)] است.

آقای علیزاده - نه.

آقای ره‌پیک - معنای این تفسیری که ارائه شد، این بود که جرائم عمومی، جرائمی است که مردم هم آنها را انجام می‌دهند، پس جرائم خاص نظامی، یعنی تخلف از وظایف نظامی. یعنی تخلف از وظایف نظامی از مصادیق اصل (۱۷۲) است ...

آقای سوادکوهی - در اصل (۱۷۲) از «جرم» صحبت شده است.

آقای ره‌پیک - ... ولی اصل (۱۷۲)، تخلف را که نگفته است؛ گفته است: «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی»؛ یعنی این جرائم باید تعریف بشود. این فرد نظامی، در حالی که دارد وظیفه‌اش را انجام می‌دهد، مرتکب جرم می‌شود؛ در حالی که دارد وظیفه‌ی خاص نظامی انجام می‌دهد، مرتکب جرم می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - [منظور، جرائم مربوط به] وظیفه‌ی خاص است.

آقای ره‌پیک - صرف نظر از این تعبیر «جرم» که در اصل (۱۷۲) آمده و با تعریف حل نمی‌شود، یک بحث دیگری وجود دارد و

آقای علیزاده - لگد زدن به من، جرم عمومی است یا نیست؟
آقای هاشمی شاهرودی - دزدیدن، مال دیگری را خوردن، همه‌ی اینها جرم عمومی است.

آقای ابراهیمیان - گزارش خلاف واقع دادن چیست؟
آقای رهپیک - جرائمی که در مقام انجام وظیفه‌ی خاص نظامی نبوده است [جرم عمومی است]. جرم قتل ممکن است دو جور باشد. این را بعداً نوشته است که اگر نیروهای مسلح فلان جرائم را انجام دادند، جرم نظامی است. یکی از آن جرائم، قتل است.

آقای هاشمی شاهرودی - قتل، جرم نظامی نیست؛ قتل، جرم عمومی است.

آقای رهپیک - اطلاق قتل اشکال دارد؛ ولاً بعضی وقت‌ها که در مقام انجام وظیفه‌ی خاص نظامی قتلی انجام گرفته باشد، چون در مقام انجام وظیفه‌ی خاص نظامی قتل انجام شده است [جرم نظامی محسوب می‌شود].

آقای علیزاده - یعنی می‌فرمایید منظور از جرم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی این است؟

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحيم. ممکن است ما بیایم و بگوییم که جرائم خاص نظامی، فقط آن مواردی را شامل می‌شود که نظامیان می‌توانند این جرائم را مرتکب بشوند و برای غیر نظامی، ارتکاب این‌گونه جرائم امکان‌پذیر نیست؛ مثل فرار از خدمت، ترک پست، لغو دستور و امثال اینها؛ یعنی جرائم خاص نظامی و انتظامی منحصر است به آن‌گونه تخلفات و جرائمی که فقط و فقط در خصوص اعضای نیروهای مسلح متصور است. اگر معنای جرائم خاص نظامی و انتظامی را این‌طوری بگوییم که بعضی از سروران عزیزم می‌فرمایند، در این صورت، اگر نیروهای مسلح مرتکب تمام جرائمی که جزء جرائم عمومی است شدند، حتی در صورتی که در رابطه با کارشان باشد، باید جزء جرائم عمومی حساب شود. مثلاً فرض بفرمایید شخصی در حین انجام وظیفه‌اش مرتکب قتل شده است؛ چون فکر می‌کرده که فردی دشمن است و به او حمله کرده است و لذا به او شلیک کرده است، اما بعد معلوم شده است که نیروی خودی است؛ یا مثلاً در همان پادگان خودش، در محل نگهبانی‌اش فکر می‌کرده است که دشمن دارد می‌آید که او را خلع سلاح کند و لذا او را زده و کشته است، اما بعد معلوم شده است که این فرد، خودی است. در این صورت، ما می‌گوییم که این کار، قتل است؛ چون

آن این است که بعداً شما باید یکی یکی مصداق‌های این جرائم را بگویید؛ یعنی بگویید جرائم [خاص نظامی و انتظامی که در صلاحیت محاکم نظامی است] اینها است: ۱- فرار از خدمت؛ ۲- فرار از جنگ؛ ۳- ... به همین ترتیب. آن وقت در آنجا شما باید این مصداق را تطبیق بدهید و ببینید هر یک از آنها مطابق با اصل (۱۷۲) است یا نه؟ هم در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و هم در این مصوبه، یک سری از این موارد آمده است که آنها را به عنوان جرم معرفی کرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - ممکن است که قانون، جرائم را مشخص کند دیگر؛ قانون عادی می‌تواند این جرائم را مشخص کند. قانون عادی باید بیاید و جرائم نظامی و انتظامی - نه تخلفات - را مشخص کند.

آقای رهپیک - بله، باید اینها را در قانون مشخص کنند و ما باید آن مصداق را بر اصل تطبیق بدهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - فرض کنید که «گزارش جرم» را که به جای مشخصی باید بدهد، به کس دیگری بدهد؛ خوب آیا این عمل، جرم هست یا نیست؟ اگر به فلان‌جا بدهد جرم است یا نه؟ برای همین مسئله، می‌تواند هزار تا جرم درست کند.

آقای علیزاده - بله، مثلاً اگر به من بدهند جرم است.

آقای رهپیک - بالاخره الآن اصل (۱۷۲) قانون اساسی گفته است به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش و غیره در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود. معنای این [عبارت «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی»] چیست؟ منظورم مصادیقش نیست؛ چون مصادیقش را بعداً باید بگویند. الآن معنای این عبارت چیست؟

آقای علیزاده - جرم عمومی را چه معنا می‌کنید؟

آقای رهپیک - معنای این اصل، فقط این نیست که تخلفات از وظایف نظامی را مدّ نظر داشته باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، «تخلف» منظورش نیست؛ «جرم»، مقصود است.

آقای علیزاده - شما جرم عمومی را چه معنا می‌کنید؟

آقای جنتی - جرمی عمومی، مثل قمار کردن و امثال اینها است.

آقای هاشمی شاهرودی - مثل قتل.

آقای جنتی - جرائم مربوط به مواد مخدر، جرم عمومی است.

آقای علیزاده - قتل، جرم عمومی است یا نیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، قتل هم یکی از جرائم عمومی است.

قتل، جزء جرائم عمومی است و همه می‌توانند مرتکب قتل بشوند و این نظامی هم می‌تواند مرتکب قتل بشود. بنابراین باید بگوییم که انجام این جرم، جرم خاص نظامی نیست؛ چون قتل، جرم عمومی است!

آقای ره‌پیک - بله.

آقای سلیمی - ما معتقدیم اگر این تعریف از جرائم خاص نظامی را بپذیرید، یعنی جرائم خاص را جرائمی بدانید که مرتبط با وظایف خاص نظامی است، این موجب می‌شود که این‌گونه موارد مثل همین قتلی که در ارتباط با وظیفه محقق می‌شود را نیز باید از آن شمول اصل (۱۷۲) قانون اساسی خارج کنیم؛ در حالی که حقیقتاً این جرائم، مصداق اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. در اینجا، قانون این است که باید به جرم سربازی که در حین انجام وظیفه، یک نیروی خودی را به تصور اینکه غیرخودی است، کشته است، در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود و نمی‌شود به این جرم، در دادگاه عمومی رسیدگی کنند. این مثال، حتماً مشمول جرائم خاص نظامی و انتظامی است.

آقای مدرسی یزدی - این موضوع، آن اندازه اهمیت را ندارد.

آقای اسماعیلی - چرا.

آقای علیزاده - چرا؛ خیلی اهمیت دارد.

آقای مدرسی یزدی - یک ابهام به این تبصره بگیریم.

آقای جنتی - نه، نباید ابهام بگیریم؛ ما باید خودمان راجع به این موضوع نظر بدهیم. ما باید این اصل را تفسیر بکنیم دیگر. آقای علیزاده، ممکن است بگویید هر کاری که شخص نظامی انجام داد و تخلف از وظایف نظامی و تخلف از دستورات به حساب آمد، [جرم خاص نظامی است]؛ مثلاً به این نظامی گفته‌اند که شما حق نداری بی‌جهت تیراندازی بکنی و فقط باید در مواردی خاص تیراندازی بکنی. خوب الان اگر این فرد نظامی، بی‌جهت تیر هوایی زد، تخلف کرده است. ولی ممکن است این شخص به یک کسی تیر بزند و او را بکشد. این هم دو جنبه دارد؛ یک جنبه این است که از آن دستور تخلف کرده است که نباید بی‌جهت تیراندازی می‌کرد؛ در این حالت، حکمش مثل وضعیت تیراندازی هوایی می‌شود. اما اگر آدم هم کشته باشد، این آدم کشتن، جرم حساب می‌شود که آن موارد را هم باید حساب کرد.

آقای علیزاده - اگر من با تیر بزنم دیگری را بکشم، آن جرم خاص نظامی می‌شود.

آقای اسماعیلی - بسم الله الرحمن الرحیم. من فکر می‌کنم اگر به فلسفه‌ی وضع اصل (۱۷۲) قانون اساسی دقت کنیم، مسئله روشن‌تر می‌شود. ما علاوه بر اصل تساوی افراد در برابر قانون، یک اصلی داریم به نام تساوی افراد در برابر دادگاه؛ یعنی

قتل، جزء جرائم عمومی است و همه می‌توانند مرتکب قتل بشوند و این نظامی هم می‌تواند مرتکب قتل بشود. بنابراین باید بگوییم که انجام این جرم، جرم خاص نظامی نیست؛ چون قتل، جرم عمومی است!

آقای ره‌پیک - بله.

آقای سلیمی - ما معتقدیم اگر این تعریف از جرائم خاص نظامی را بپذیرید، یعنی جرائم خاص را جرائمی بدانید که مرتبط با وظایف خاص نظامی است، این موجب می‌شود که این‌گونه موارد مثل همین قتلی که در ارتباط با وظیفه محقق می‌شود را نیز باید از آن شمول اصل (۱۷۲) قانون اساسی خارج کنیم؛ در حالی که حقیقتاً این جرائم، مصداق اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. در اینجا، قانون این است که باید به جرم سربازی که در حین انجام وظیفه، یک نیروی خودی را به تصور اینکه غیرخودی است، کشته است، در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود و نمی‌شود به این جرم، در دادگاه عمومی رسیدگی کنند. این مثال، حتماً مشمول جرائم خاص نظامی و انتظامی است.

آقای علیزاده - شما چند مطلب را برای ما توضیح بدهید تا ما بفهمیم منظورتان چیست. یکی، موضوع جرائم خاص است و یکی هم جرائم عمومی است. شما این دو تا را توضیح دهید تا ما بفهمیم منظورتان از این دو موضوع چیست.

آقای سلیمی - ما می‌گوییم که مفهوم جرائم خاص نظامی و انتظامی این نیست که فقط جرائمی باشد که نظامیان می‌توانند مرتکب بشوند؛ نه، بلکه منظور از این مفهوم، همین چیزی است که اینجا [در تبصره (۱) ماده (۲۸) این مصوبه] آورده است. یعنی جرم نظامی، جرائمی است که به سبب خدمت، یا در ارتباط با انجام خدمتش بوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - پس این کلمه‌ی «ولی» چیست که در اصل (۱۷۲) آمده است؟ استثنایی که در این اصل آمده چیست؟ این استثنای ذیل این اصل چیست؟

آقای سلیمی - استثنای ذیل این اصل این است که اگر من نیروی مسلح با برادرم دعوا کردم و او را مجروح کردم، [این جرم، جرم عمومی است و باید در دادگاه‌های عمومی به آن رسیدگی شود]. ذیل اصل می‌گوید این جرم، جرم نظامی نیست. یعنی با اینکه من مرتکب جرم، نظامی هستم، ولی این، جرم عمومی است. یا اگر من نظامی رفتم و سرقت کردم یا من نظامی رفتم و به دیگری ظلم کردم یا رفتم و مواد مخدر

بقیه‌ی مردم به دادگاه‌ها می‌رود. هیچ تفاوتی بین نیروی مسلح و غیرمسلح در این زمینه وجود ندارد. فقط آن جرائمی که برای دیگران قابل تصور نیست و اینها به سبب کارشان انجام می‌دهند در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود. من فکر می‌کنم این مفهوم، مدّ نظر قانون‌گذار اساسی است. بنابراین، هر جایی که ما [در صلاحیت محاکم] شک کنیم، باید طبق اصل (۱۷۲) رسیدگی به آن را به دادگاه‌های عمومی واگذار کنیم.

آقای جنتی - حالا اگر به آن فرد نظامی گفته باشند که باید به پای فردی تیر بزنی، ولی او تیر را به سر زد، این جرم، جزء کدام است؟

آقای اسماعیلی - این، لغو دستور است و بنابراین جزء جرائم خاص نظامی می‌شود. منتها این مطلب، همان‌طور که حاج‌آقای شاهرودی فرمودند، باید در قانون بیاید.

آقای علیزاده - ولی از جهت اینکه با تیر زده است، مجرم است.

آقای جنتی - این جرم، باید دو قسمت بشود.

آقای ابراهیمیان - اول به نظر من این جور می‌رسید که ما این جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی را یک چیزی بیشتر از آن چیزی که حضرت‌عالی [= آقای اسماعیلی] می‌فرمایید، باید تصور کنیم. الآن اجازه بدهید راجع به همین جرم «گزارش خلاف واقع»، یک کمی مصداقی‌تر بحث کنیم. گزارش خلاف واقع، یک عنوان عمومی است. اگر یک نظامی گزارش خلاف واقع بدهد، آیا جرم او مشمول آن قاعده‌ی اصل (۱۷۲) می‌شود؟ یعنی آن عام، مُخَصَّص می‌شود یا نمی‌شود؟

آقای مدرسی یزدی - اگر وظیفه‌ی نظامی داشته است، بله، مشمول این اصل است.

آقای ابراهیمیان - عرض من این است که خب این فرد نظامی، در اینجا دارد کارش را انجام می‌دهد، یعنی در حال انجام وظایف نظامی‌اش است.

آقای مدرسی یزدی - صدر این اصل، شامل چنین جرمی می‌شود.

آقای ره‌پیک - عنوان این جرم، عمومی است.

آقای ابراهیمیان - بله، عنوان جرم «گزارش خلاف واقع»، عمومی است؛ عرض من هم همین است.

آقای مدرسی یزدی - این فرد، در محدوده‌ی وظایف نظامی [مرتکب این جرم شده است] و کس دیگری نمی‌تواند این کار را بکند.

همه‌ی افراد با هر شغلی، با هر جنسی، با هر طبقه‌ای، باید مثل دیگران در هر دادگاهی که دیگران محاکمه می‌شوند بروند [و در آنجا محاکمه شوند]. ما دادگاه اختصاصی نداریم. این یک اصل و یک قاعده است. حالا قانون اساسی آمده است و می‌گوید یک جرم‌هایی هست که اصلاً برای عموم مردم قابل تصور نیست که انجام دهند تا شما بخواهید مجرم را به همان دادگاهی ببرید که همه را در آن محاکمه می‌کنید. یعنی یک جرم‌هایی هست که فقط نیروهای مسلح مرتکب می‌شوند. مفاد این اصل (۱۷۲)، مثل قانون کشورهای دیگر است. این مسئله، اختصاصی به ما ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - [سازمان قضایی نیروهای مسلح، سازمان] اختصاصی است و کلمه‌ی «مربوط» [در اصل (۱۷۲)]، به همین معنا است؛ نه به معنای مستند [بودن جرم به وظایف خاص نظامی]. استناد، چیز دیگری است؛ نه اینکه معنای «مربوط» به وظایف خاص نظامی باشد.

آقای اسماعیلی - بله، محاکم نظامی، دادگاه اختصاصی است. سازمان قضایی نیروهای مسلح به جرائم اختصاصی افراد نظامی رسیدگی می‌کند. همین‌طور است؛ عرض من همین است.

آقای مدرسی یزدی - باید چهارچوب را درست کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اگر قانون بخواهد چنین چهارچوبی درست کند، خوب است.

آقای اسماعیلی - سازمان قضایی نیروهای مسلح، یک شعبه‌ی تخصصی [از محاکم عمومی] نیست؛ و الاً اصلاً در قانون اساسی نمی‌آمد. یک سازمان اختصاصی است؛ سازمان خاص است و لذا فقط باید به قدر متیقن از اختیاراتش اکتفا بکند. این استثنایی هم که در ذیل اصل (۱۷۲) آمده است، به همین دلیل است. ذیل این اصل می‌گوید هر دادگاهی که به جرائم همه‌ی مردم رسیدگی می‌کند [به جرائم عمومی نظامیان هم رسیدگی می‌کند]؛ چه فرقی می‌کند که مجرم، عضو نیروهای مسلح باشد یا از غیر نیروهای مسلح باشد؛ در هر صورت باید برود به دادگاه عمومی و به آن جرم رسیدگی بشود، ولو اینکه این جرم در ارتباط با کار نیروی مسلح باشد. مثلاً اگر یک مأمور نیروی انتظامی برای انجام مأموریتش می‌رود یک واحدی را از کسی اجاره می‌کند، با اینکه اجاره‌ی این واحد، برای انجام کارش است، ولی اگر اجاره‌ی آن واحد را نداد، آیا طرف مقابل اگر خواست از آن فرد نظامی شکایت بکند، باید به سازمان قضایی نیروهای مسلح برود و شکایت کند؟ نه، مثل

مربوط به وظیفه‌ی خاص نظامی‌اش بوده است؛ یعنی چون آموزش دادن، تکلیف او بوده و در حال انجام وظیفه‌اش این جراحت و خسارت را وارد کرده است [رسیدگی به این جرم، باید در دادگاه نظامی انجام شود]. یا همین مواردی که به آنها اشاره کردند؛ مثلاً گزارش خلاف واقع در قانون مجازات اسلامی، عنوان جرم عمومی است.^۱ حالا اگر یک نظامی در حین انجام وظیفه، گزارش خلاف واقع داد، آیا این باید به دادگاه عمومی برود یا چون مربوط به وظیفه‌اش بوده است و باید گزارش می‌کرده است، باید به دادگاه نظامی برود.

آقای مدرس‌ی یزدی - ارتکاب این جرم، در قالب وظیفه‌اش است، نه مربوط به وظیفه؛ عین وظیفه‌اش است.

آقای علیزاده - بله، عین وظیفه‌اش است.

آقای ره‌پیک - نه، عین وظیفه‌اش نیست؛ این جرم هم مثل بقیه‌ی موارد است.

آقای علیزاده - پس چیست؟

آقای ره‌پیک - وظیفه‌ی فرد، گزارش درست دادن بوده است. یا مثلاً فرض کنید اگر کسی مسئول اسلحه‌خانه است و آنجا خیانتی بکند، خوب، عناوین این جرائم، جرم‌های عمومی است که یا مصداق سرقت است یا مصداق خیانت در امانت است.

آقای علیزاده - اینها، جرم عمومی نیست؛ چون عموم مردم اسلحه‌خانه ندارند.

آقای ره‌پیک - نه، این ملاک نمی‌شود. آن ضابطه‌ای که شما گفتید، این بود که فرار از خدمت، مصداقی ندارد مگر در بین نیروهای نظامی. فرار از خدمت، تمرّد و غیره.

آقای مدرس‌ی یزدی - بله، خیانت به اسلحه‌خانه توسط فرد نظامی انجام می‌شود.

آقای ره‌پیک - اما خیانت در امانت عنوان عمومی است، ایراد ضرب و جرح عنوان عمومی است، قتل عنوان عمومی است.

آقای مدرس‌ی یزدی - قتل اعم است؛ ولی یک فرض‌های خاصی برای نظامیان وجود دارد.

آقای ابراهیمیان - نه، آیا می‌توانیم بگوییم گزارش خلاف واقع هم جزء وظایف خاص نظامی فرد است؟

آقای مدرس‌ی یزدی - گزارش خلاف واقع، مربوط به وظایف نظامی است.

آقای ابراهیمیان - یک مثال دیگری خدمت شما عرض می‌کنم که خیلی پیش می‌آید. الآن همین موضوع در عراق رسانه‌ای شده است. فردی موقع انجام وظایف نظامی‌اش، نارنجک وسط مردم می‌اندازد یا موقع انجام مأموریت ترمز نمی‌گیرد و چند تا زن و بچه را له می‌کند. عنوان این جرائم، عنوان‌های عمومی است؛ اما آیا ما باید بگوییم که چون عنوان‌های این جرائم، عمومی است، باید این جرائم به دادگاه‌های عمومی برود و در آنجا به اینها رسیدگی بشود؟ با این جرائم چه کار باید بکنیم؟

آقای مدرس‌ی یزدی - این جرائم هم مربوط به وظایف خاص نظامی است؛ چون یک نظامی این کار را کرده است.

آقای ابراهیمیان - این‌طور نمی‌شود. اگر ما جرائم نظامی را به اعتبار شخص نظامی، تقسیم‌بندی کنیم، آن وقت همه‌ی جرائم عمومی را می‌شود به جرائم نظامی چسباند و این کار را کرد [= رسیدگی به آنها را در صلاحیت دادگاه نظامی دانست]. عرض من این است که این جرائم عمومی که حاج‌آقا [= آقای جنتی] به آنها اشاره کرد و نکته‌ی قشنگ و جالبی هم بود، شاید همه‌ی عناوین عمومی نباشد. این جرائم عمومی، مشمول این عبارت «و غیره» است؛ جرائم عمومی یعنی غیر از آنچه که در صدر اصل (۱۷۲) آمده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این برداشت، خلاف ظاهر است دیگر.

آقای علیزاده - جناب آقای ره‌پیک بفرمایید. مخالفین نظرشان را بفرمایند تا بنده هم نظرم را عرض کنم.

آقای ره‌پیک - این مثال‌هایی که دوستان گفتند زیاد اتفاق می‌افتد. آقایان بعضی از عناوین را گفتند. پرونده‌هایی مختلفی هم در این رابطه هست. مثلاً وظیفه‌ی مسئول آموزش نظامی در پادگان این است که به افراد آموزش نظامی بدهد. حالا این مسئول نظامی، در حین آموزش و تعلیم، به کسانی که دارند تعلیم می‌بینند خسارت وارد کرده است. خوب، این خسارت چه بوده است؟ مثلاً به عضوی از اعضای فرد تحت تعلیم، جراحت وارد کرده است. خوب الآن آیا این فرد باید به دادگاه عمومی برود، چون عنوان این فعل، ایراد ضرب و جرح است؛ یا نه، این فرد باید به دادگاه نظامی برود، چون این جرم،

۱. ماده (۷۱۱) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۱۱- هر گاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیت‌دار از وجود اماکن مذکور در مواد (۷۰۴) و (۷۰۵) و (۷۰۸) یا اشخاص مذکور در ماده (۷۱۰) مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذی‌صلاح اطلاع ندهند یا بر خلاف واقع گزارش نمایند، در صورتی که به موجب قانونی دیگر مجازات شدیدتری نداشته باشند، به سه تا شش ماه حبس یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شوند.»

سازمان قضایی نیروهای مسلح شکل گرفت.

آقای علیزاده - فرقی نکرد.

آقای سوادکوهی - در زمان ریاست حضرت آیت الله یزدی این موارد به نحوی شد که دیگر قضات از مسائل مربوط به رسیدگی به جرائمی که به سبب خدمت واقع می شد جدا شدند و ابلاغ های قبلی، سلب شد. فقط یک ابلاغ ویژه دادرسی نظامی به قضات دادرسی داده می شد که به جرائم خاص مرتبط یا در ارتباط با مسائل خاص نظامی و انتظامی رسیدگی می شد. به تدریج، باز همان علقه ی سابق موجب شد که نیروهای مسلح کشش پیدا کنند که سازمان قضایی به مسائل امنیتی و همین طور مسائل مربوط به جرائم عمومی هم رسیدگی کند. من فکر می کنم این مواردی که دارد اینجا مطرح می شود، به یک اعتباری کشاندن بحث به قضیه ی سابق است تا سازمان قضایی این اختیار را پیدا بکند که این کار انجام بشود. در ارتباط با مفهومی که خدمت، سببیت در تحقق جرم دارد یا اینکه جرم به سبب خدمت محقق شده است، باید عرض کنم که این مسئله در نظام حقوقی خارجی هم مطرح است. بحث «سبب»، بیشتر مربوط به امور مدنی است و به گونه ای است که دامنه ی موضوع را توسعه می دهد و امرش هم اعتباری است. یعنی عرفی است و شما می توانید هر امری را عرفاً مرتبط کنید به آنچه که بعداً می خواهید به عنوان جرم در دادگاه نظامی به آن رسیدگی کنید. من فکر نمی کنم اصل (۱۷۲) قانون اساسی در این مقام، خواسته باشد که صلاحیت دادگاه نظامی را به موارد «ارتکاب جرم به سبب خدمت» توسعه بدهد، بدین نحو که بخواهند تمام جرائم مربوط به نیروهای مسلح را تجمیع کنند و به آنها به صورت یک جا در دادگاه نظامی رسیدگی کنند. به همین اعتبار، من خدمت آقای دکتر ابراهیمیان هم عرض کردم، ما در فرانسه یک عنوان «کوزالیت» داریم که در قانون مدنی هست که به معنای «سببیت» است. اصلاً با «ریلیتیویتی»، یعنی «ارتباط» یا «دپندنسی» که مربوط به «لازم و ملزوم بودن یک امر» است فرق می کند. قانون اساسی به طور خاص خواسته است که این مرجع [= دادگاه نظامی]، فقط به آن جرائمی که کاملاً با وظایف خاص نظامی و انتظامی مرتبط است رسیدگی کند. بنابراین آنچه که در اینجا [= در تبصره (۱) ماده (۲۸) این مصوبه] با عبارت «به سبب خدمت» آمده است، کاملاً در مقام توسیع آن چیزی است که اصل (۱۷۲) قانون اساسی قائل شده است.

آقای رهپیک - حالا من نظر جناب عالی را توضیح می دهم. اگر این تبصره [= تبصره (۱) ماده (۲۸)]، فقط بگوید که به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی [در سازمان قضایی رسیدگی می شود] ...

آقای علیزاده - عبارت این تبصره، «در ارتباط با وظایف» یا «به سبب خدمت» را هم گفته است؛ دارد همه ی این موارد را می گوید.

آقای رهپیک - ... به این صورت، جرائم مربوط به وظایف نظامی، از جرائم عمومی متمایز می شود؛ چون جرائم عمومی جرائمی است که این قید را ندارد؛ یعنی جرائمی است که مربوط به وظایف خاص نظامی نیست. حالا عنوان این جرائم، عمومی یا اختصاصی است. تحقق و سببیت آن جرم [مربوط به وظیفه ی خاص نظامی است]. ما داریم از این جهت می گوئیم؛ و الا اگر قرار باشد همه ی این جرائم به دادگاه عمومی برود و آنجا به این جرائم رسیدگی شود، اصلاً فلسفه ی دادگاه اختصاصی از بین می رود.

آقای علیزاده - هیچ چیزی از بین نمی رود.

آقای رهپیک - همه چیز از بین می رود.

آقای ابراهیمیان - البته فرمایش حاج آقای شاهرودی یک مخصّص داشت. غرض ما این بود که اجمال مخصّص هم باعث می شود نتوانیم مخصّص متصل را از عام [استثنا کنیم]. این هم حرف حضرت عالی را تأیید می کند.

آقای سوادکوهی - بسم الله الرحمن الرحیم. سال ۱۳۶۰ که در دادرسی سپاه به پرونده های خاص نظامی و انتظامی سپاه رسیدگی می شد، با توجه به اهمیت مسائل امنیتی، اقتضا ایجاب می کرد که به مسائل امنیتی این افراد هم در همین مرجع رسیدگی شود که طبق ابلاغیه ی ویژه ی دادستانی انقلاب، مدتی به همین نحو عمل می شد. بعد از مدتی دیدند مسائلی که به سبب خدمت واقع می شوند هم مشکل ایجاد می کند؛ لذا مناسب است که به جرائمی که به سبب خدمت سپاهیان هم انجام می گیرد در دادرسی سپاه رسیدگی بشود. به همین اعتبار، آن زمان یک ابلاغ دادرسی عمومی هم به آنها دادند. با دادن ابلاغ دادرسی عمومی به قضات این دادرسی، این قضات به مسائل مربوط به جرائمی که به سبب خدمت سپاهیان هم واقع می شد رسیدگی می کردند. بنابراین تا سال ۱۳۶۴ با سه ابلاغ، به سه مسئله در دادرسی سپاه رسیدگی می شد. از سال ۱۳۶۴ تصمیم گرفته شد که این مسئله ی مربوط به امور متشّست در نیروهای مسلح یک جا جمع بشود که بر همین اساس،

می‌گوید به جرائم مربوط به وظایف خاص در محاکم نظامی رسیدگی می‌شود؛ یعنی فقط به جرائمی که به وظایف خاصشان مربوط است؛ غیر از آن، این‌طور نیست. بنابراین بعضی از مثال‌هایی را که شما می‌زنید من قبول ندارم که سازمان قضایی باید به آنها رسیدگی کند. مثلاً مثالی که برای «ارتباط» زدید و گفتید رسیدگی به جرم کسی که به مأموریت رفته و در حال مأموریت، تصادف کرده است [و کسی را کشته است]، باید به دادگاه نظامی بدهید؛ چون ارتکاب این جرم، با وظایف این فرد ارتباط دارد.

آقای رهپیک - با آن جرمی که در حین آموزش نظامی، رخ می‌دهد چه کار کنیم؟

آقای علیزاده - خب، افراد عادی که اسلحه‌خانه ندارند، اما نیروهای مسلح اسلحه‌خانه دارند. اگر کسی در اسلحه‌خانه‌ی نیروهای مسلح خلافی بکند، به عنوان خیانت در امانت مجرم نیست؛ بلکه خود آن کار، جرم [خاص] است؛ جرم دیگری است که به آن خیانت در امانت نمی‌گویند. آن جرم که خیانت در امانت اصطلاحی نیست. اصطلاح حقوقی آن جرم، خیانت در امانت نیست. اگر من سر پُستم، حتی بدون عمد تخلف کردم و مثلاً خوابیدم و کسی آمد و اسلحه‌ام را بُرد، من مجرم [جرم نظامی] هستم. اما اگر من آدم عادی بخوابم و اسلحه را از خانه‌ی من ببرند، کسی که من را [به دلیل سرقت اسلحه از خانه‌ام] مجازات نمی‌کند؛ چون از قدرتم خارج است. شما این مسائل را از هم جدا کنید. اگر فرد نظامی عمداً اسلحه‌اش را به کسی بدهد، مجرم است. اگر سهواً هم اسلحه‌اش از دستش برود مجرم است. اگر خوابش ببرد و اسلحه را از دستش بگیرند باز هم مجرم است. در همه‌ی این موارد، جرمشان با جرم من آدم عادی فرق دارد. رسیدگی به آن جرمی که مربوط به نیروهای نظامی است در محاکم نظامی، درست است؛ اما آنچه که ارتباطی به این امر ندارد، در دادگستری رسیدگی می‌شود. مثلاً اگر یک نظامی رفته و به سینه‌ی یک فردی لگد زده است و آن آدم مُرده است، شما می‌گویید این نظامی در حال وظیفه رفته است و لگد زده است؟! نه، در این موارد، باید به [محاکم عمومی] دادگستری برود.

آقای یزدی - اکتفا به قدر متیقن، در جای خودش اصل درستی است. بحث بر سر این امثله هم نیست. بحث این است که آیا این عبارت و این تعریف [مذکور در تبصره (۱) ماده (۲۸) مصوبه] بیش از آن قدر متیقن را شامل می‌شود یا نمی‌شود؟

آقای علیزاده - در قانون اساسی اصلی [= اصل (۱۵۹)] داریم که می‌گوید مرجع رسمی تظلمات، دادگاه است. بر این اصل چند تا استثنا وارد شده است: یکی دیوان عدالت اداری [مذکور در اصل (۱۷۳)] است، یک استثنا هم همین محاکم نظامی است. حالا اگر در یک‌جا شک کنیم که موردی داخل در آن عام است یا داخل در این خاص است، ما باید به قدر متیقن اکتفا بکنیم. در اینکه این دادگاه نظامی یک دادگاه اختصاصی است، شکی نداریم و همه قبول داریم؛ ولی قسمت آخر اصل (۱۷۲) باز یک قیدی آورده است. علت اینکه آن افرادی که قانون اساسی را نوشته‌اند، آمده‌اند و این کار را کرده‌اند، یکی این است که در زمان قبل از انقلاب، هر وقت می‌خواستند بلانسبت پدر مردم را در بیاورند آن جرم را به دادرسی نظامی می‌بردند و آخر سر هم در حکم متهم می‌نوشتند گرچه دلیلی وجود ندارد، ولی چون متهم آدم پدرسوخته‌ای است، بنابراین به سه سال حبس محکوم می‌شود! این مسائل را در مورد دادرسی نظامی آن روز می‌گفتند. همه افراد عادی را هم به آنجا می‌بردند. برای همین [در هنگام تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران] آمدند و یک کاری کردند که افراد عادی در محاکم نظامی محاکمه نشوند. دوم اینکه محاکم نظامی پیش از انقلاب، یک ملجئی برای مجرمین خودشان شده بود؛ یعنی کسانی که نظامی بودند یا ارتشی بودند، هر بلایی به سر مردم می‌آوردند، در محاکم نظامی به آن رسیدگی می‌شد [و قضیه، به نحوی به نفع نظامیان و ارتشی‌ها فیصله پیدا می‌کرد]. اصل (۱۷۲) قانون اساسی آمد و این مسئله را هم از بین برد و گفت که باید این نظامیان را فقط برای جرائم خاصشان در محاکم نظامی محاکمه کرد و در بقیه‌ی جرائمی که جرم عمومی است، باید برای محاکمه به [دادگاه‌های عام] دادگستری بروند. این همان چیزی است که جناب آقای دکتر اسماعیلی فرمودند که باید «اصل برابری در برابر محاکم» رعایت بشود؛ یعنی اگر عضوی از نیروهای مسلح مرتکب هر جرمی شد، نباید بیاییم جرم این فرد را داخل در صلاحیت محاکم نظامی بکنیم، با این توجیه که من نظامی چون اسلحه دارم، کلاه دارم و به مملکت خدمت می‌کنم [پس باید به همه‌ی جرائم نظامیان در محاکم نظامی رسیدگی کرد]، بلکه جرم عمومی فرد نظامی را باید به دادگستری ببریم. فقط جرائم خاص نظامی و انتظامی را برای رسیدگی باید به دادگاه نظامی ببریم؛ چون از جرائم خاص است. در اصل (۱۷۲) قانون اساسی «در ارتباط» ندارد؛

آقای علیزاده - بله، درست است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای یزدی - ... اگر بیشتر از قدر متیقن را شامل می‌شود، باید به این تبصره‌ی ماده (۲۸) اشکال بگیریم، ولی اگر بیشتر از قدر متیقن را شامل نمی‌شود، این تبصره هیچ ایرادی ندارد؛ و آلاً اختلاف بر سر اینکه اصل (۱۷۲) این مثال را شامل می‌شود یا آن مثال را شامل نمی‌شود، بحث درستی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - قطعاً این تبصره، شامل بیشتر از قدر متیقن است.

آقای علیزاده - بله، درست است. بیشتر از این حرف نمی‌زنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بحث در این خصوص کافی است؛ رأی بگیرید. آقایانی که به این ایراد رأی نمی‌دهند، بفرمایند. ما که می‌گوییم اطلاق این تبصره، خلاف اصل (۱۷۲) است.

آقای یزدی - اگر عبارت تبصره (۱) شامل مواردی هم می‌شود که خارج از قدر متیقن اصل (۱۷۲) است، [ایراد دارد].

آقای علیزاده - باید ایراد بگیرید.

آقای ره‌پیک - خب پس اگر مجلس بخواهد جرم نظامی را تعریف کند چه باید بگوید؟

آقای هاشمی شاهرودی - حالا آن بحث را کنار بگذارید؛ بحث اصل (۱۷۲) را کنار بگذارید. بالاخره مفاد این تبصره، بیشتر از قدر متیقن اصل (۱۷۲) است. این تبصره، قید «به سبب خدمت» را آورده است، قید «جرائم مرتبط» را آورده است و همین‌طور دامنه‌ی اصل (۱۷۲) را توسعه داده است. واقعاً این تبصره، بیشتر از دامنه‌ی اصل را شامل می‌شود. بالاخره این مقدار را شما هم قبول دارید.

آقای ره‌پیک - مقصود، وظایفی است که ارتباط مستقیم با وظایف نظامی دارد.

آقای علیزاده - نه، ما قبول نداریم که به همه‌ی جرائمی که [به نوعی] با وظایف نظامی ارتباط دارد، باید در دادگاه نظامی رسیدگی شود؛ باید ارتباط با «وظایف خاص نظامی» باشد. چرا در این تبصره، فقط «وظایف نظامی» را گفته است؟!

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - با آوردن کلمات «ارتباط» و «سببیت» [دامنه‌ی جرائم داخل در صلاحیت دادگاه نظامی] خیلی زیاد است. به‌کار بردن کلمه‌ی «ارتباط»، با این عمومیت، خیلی دامنه‌ی زیادی است؛ «ارتباط با وظایف خاص نظامی»، ملاک است. ما این دو تا مطلب را می‌گوییم؛ یکی اینکه می‌گوییم این عمومی

که این تبصره دارد، چون شامل جرایم غیر مربوط با وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد. یعنی این تبصره، تنها شامل جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی نمی‌شود. یک ایراد دیگر هم این است که این سببیت، سببیت مطلق است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مطلق است؛ آن هم خلاف است.

آقای علیزاده - آقایانی که این تا دو ایراد را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای یزدی - باید به همین شکل به اطلاق این تبصره ایراد گرفت.

آقای هاشمی شاهرودی - شش تا رأی آورد.

آقای علیزاده - این ایراد، رأی نیاورد. البته حاج‌آقای مؤمن می‌گوید من هنوز عبارت را بررسی نکرده‌ام تا ببینم چیست.

آقای مؤمن - تبصره (۱) گفته است جرائمی که به سبب خدمت محقق می‌شود؛ یعنی خدمت باید لازم‌اش این باشد که این کار را انجام بدهد تا اینکه این جهتی که شما می‌فرمایید از بین برود. عبارت «به سبب خدمت»، یعنی خود خدمت انجام نمی‌گیرد، مگر اینکه این جرم انجام بشود. یعنی ارتکاب جرم، از لوازم خدمت باشد.

آقای جنتی - این، نیاز به تفسیر [اصل (۱۷۲)] دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این اصل مهمی است.

آقای علیزاده - اصل (۱۷۲)، مطلب این تبصره را نمی‌رساند. ما می‌گوییم این تبصره، همه‌ی جرائم مربوط به وظایف را داخل در صلاحیت دادگاه نظامی کرده است؛ حال آنکه ما می‌گوییم فقط «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی» را باید بگوییم.

آقای مؤمن - در تبصره (۱) گفته است: «منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که ...»، از اینجا به بعد، تفسیر این جرائم است: «... اعضای نیروهای مسلح به سبب خدمت ... مرتکب می‌شوند». این عبارت «به سبب خدمت» یعنی چه؟

آقای علیزاده - ما می‌گوییم این تبصره، همه‌ی جرائمی که نظامیان فراری مرتکب می‌شوند را شامل می‌شود [و از این جهت، عمومیت این تبصره اشکال دارد]. ما می‌گوییم فقط باید جرائمی که مربوط به وظایف خاص نظامی اینها می‌شود را بیاورند. شما چه می‌فرمایید؟ به این تبصره، اشکالی دارید یا نه؟

آقای مؤمن - بله.

آقای علیزاده - حاج‌آقای مؤمن هم می‌فرمایند به این ایراد رأی می‌دهند.

آقای یزدی - هفت تا رأی می‌شود.

آقای ره‌پیک - نه، در اینجا بحث مشتق نیست.

آقای علیزاده - آن موقعی که این جرم واقع شده است، این فرد، نظامی بوده است، ولی حالا رفته است و فردا فهمیدیم که این جرم را در آن زمان مرتکب شده است.

آقای مدرسی یزدی - پذیرش عقلایی دارد؛ درست است.

آقای مؤمن - مثلاً سرباز بوده است و در زمان سربازی اش فرار کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - منظورش از اینکه می‌گوید جرم نظامی انجام دهد، این نیست که بعد از خدمت مرتکب جرم شود؛ چون ارتکاب جرم بعد از خدمت که اثری ندارد.

آقای یزدی - آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی قم [در مورد تبصره (۱) و (۳) ماده (۲۸) نظر داده‌اند].^۲

منشی جلسه - «تبصره ۳- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.»

آقای سلیمی - این تبصره هم خوب است.

آقای هاشمی شاهرودی - کلمه‌ی «یا» به کار برده است. این کلمه را نباید بیاورد؛ چون این جرائم، تخصیص ندارد؛ یعنی جرائم مشهود را اعم قرار داده است و جرائم مشهود را مطلق قرار داده است.

آقای سلیمی - جرم مشهود، اعم از [این است که در ارتباط با وظایف قانونی ضابط است یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی است].

آقای هاشمی شاهرودی - عرض می‌کنم دیگر؛ پس مخصوص است. آنجایی که دستور قضایی هست هم شما [= آقای سلیمی] می‌گفتید [این فرد نظامی، ضابط خاص است].

آقای علیزاده - [شامل مواردی که مقام قضایی] دستور داده است، نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - این، مربوط به ضابط عام است دیگر. عرض می‌کنم که نیروی نظامی در جرم مشهود ضابط عام است، نه ضابط خاص. پس ضابط خاص مقصود نیست.

آقای علیزاده - اگر اجازه بدهید، در آخر این ماده، همان

منشی جلسه - حاج‌آقا، نکته‌ی دوم ایراد این تبصره چه بود؟ یک ایراد این بود که فرمودید این امور، شامل وظایف غیرخاص نظامیان می‌شود.

آقای علیزاده - [دومین ایرادش هم این بود که] ما می‌گوییم اطلاق عبارت «به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف» شامل جرائم غیر خاص هم می‌شود.

آقای سلیمی - بله، شامل جرائم غیرخاص هم می‌شود.

آقای علیزاده - بله، در واقع ممکن است عبارت «ارتباط مستقیم» هم، شامل وظایف غیر خاص نظامیان هم بشود.

آقای ره‌پیک - ارتکاب جرم «به سبب خدمت»، که قوی‌تر از ارتکاب جرمی است که «ارتباط مستقیم با وظایف نظامی» دارد. ارتکاب جرم «به سبب خدمت»، یعنی ارتکاب جرم به جهت خدمت.

آقای مؤمن - لازمه‌ی خدمت این‌طور نباشد که این جرم را انجام بدهد.

آقای علیزاده - نه، اطلاق این تبصره نسبت به مواردی که ارتکاب آن جرم، لازمه‌ی خدمت نیست [و با این وجود، شامل مفاد این تبصره] می‌گردد و شامل وظایف غیر خاص نظامیان هم می‌شود، ایراد دارد.

آقای ابراهیمیان - در اصول در بحث علقه‌ی بین مُقَدِّم و تالی می‌فرمودید علقه چند جور است که یکی از آنها سببیت است. این «ارتباط»، همان علقه است.

منشی جلسه - «تبصره ۲- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.»

آقای مؤمن - یعنی اگر یک فرد نظامی از شغل نظامی بیرون رفته است، بعداً [مانع از رسیدگی به جرائمی که در زمان خدمتش انجام داده است نمی‌شود].

آقای مدرسی یزدی - مشتق را اعم از مُتَلَبِّس به مبدأ گرفته است.^۱

آقای مؤمن - نه، منظور این است که جرم را در زمان نظامی بودن انجام داده است.

۱. «... به عقیده اصولی‌ها، اطلاق مشتق بر افراد یا اشیا در حال تلبس به مبدأ

اشتقاق، حقیقت است و اطلاق آن بر افراد یا اشیا یعنی که در آینده متلبس می‌شوند، مجاز است؛ ولی اطلاق مشتق در حال بر «ما انقضی عنه التلبس» یعنی ذاتی که قبلاً تلبس به مبدأ داشته و الآن ندارد، اختلافی است و اکثر اصولیون به مجاز بودن آن اعتقاد دارند. «... مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، ذیل عنوان «مشتق (اصول)»، ج ۱، ص ۷۳۵، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/OVVXf

۲. «تبصره اول ابهام داشته و مفهوم آن روشن نیست. همچنین تبصره اول و سوم نوعی تفسیر اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌باشد که از اختیارات شورای محترم نگهبان است، نه از اختیارات مجلس شورای اسلامی.» نظر کارشناسی (تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۳۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/2lgT3

منشی جلسه - «ماده ۲۹- به اتهامات نظامیانی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را داشته باشند، چنانچه از جرائمی باشد که در صلاحیت سازمان قضایی است، در دادسرا و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود.»

آقای جنتی - می‌شود یک مثالی برای این پیدا کرد؟ یک مثالی برایش بزنید.

آقای عزیزاده - تبصره را می‌فرمایید یا بند را؟

آقای جنتی - نه، ماده (۲۹).

آقای هاشمی شاهرودی - فرض کنید نیروهای مسلح دریایی به یک کشور دیگری رفته‌اند و یکی از آنها در آنجا یک جرمی مرتکب شد؛ یا نظامیانی که در سفارتخانه‌های ایران مشغول به کار هستند. اینها باید بیابند و در تهران محاکمه شوند.

آقای عزیزاده - البته باید آن جرم را در ارتباط با وظایفشان در آن کشور انجام داده باشند.

آقای اسماعیلی - مثل وابسته‌های نظامی.

آقای عزیزاده - بله، مثل وابسته‌های نظامی ما، یا این افرادی که الان برای تعقیب دزدان دریایی می‌روند، اینها اگر بروند و در یک کشوری پیاده شوند و جرمی انجام دهند، [مشمول حکم این ماده می‌شوند]. چون اگر در کشتی باشند که داخل در سرزمین خودمان محسوب می‌شوند.

آقای رهپیک - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - اینها باید در تهران محاکمه شوند.

آقای جنتی - این جرائم باید مرتبط با وظایف خاص نظامی باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای جنتی - مثلاً چه کارکرده است؟

آقای سلیمی - مثلاً لغو دستور کرده است.

نکته‌ای را که قبلاً نوشتیم بنویسیم: «بدیهی است مواردی که دستور حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در مورد آن هست و از آن عدول نشده است، مطابق آن عمل می‌شود.»

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای اسماعیلی - باید این مطلب را در یک جا بیاورید.

آقای مدرس یزدی - هر اجازه‌ای که از آن عدول نشده است، باقی است. همه‌ی اینها را به نحو کلی بگوییم که هر چیزی که دستور امام یا رهبری در مورد آن وجود دارد و از آن عدول نشده است بر طبق همان دستور رفتار شود؛ چون ما واقعاً به طور دقیق موارد این اذن‌ها را نمی‌دانیم.

آقای عزیزاده - بله، این عبارت را در یک جا می‌آوریم. بعد، در مورد آن مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام هم می‌گوییم که «با توجه به اینکه مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور وجود دارد، ...»

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مواردی که مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام در آن خصوص وجود دارد.

آقای عزیزاده - «یا مواردی که مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام در آن خصوص هست». در نظرم، آخر سر در یک بندی، این موضوع را می‌آوریم.

آقای رهپیک - دستورات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری که [در نظر مجمع مشورتی حقوقی] آمده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این دستورات را در گزارش آورده‌اند. در اینجا ذکر شده است.

آقای مؤمن - مقام معظم رهبری فرموده‌اند که باید این مسائل در مجلس دنبال بشود.

آقای رهپیک - بله.

آقای عزیزاده - [مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام]، غیر از آن دستورات است.

آقای مدرس یزدی - حالا ما می‌نویسیم: «مادامی که [از فرمان حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری عدول نشده باشد، به قوت خود باقی است.]] اگر این طور بنویسیم، طوری نمی‌شود.

آقای مؤمن - بله.^۱

۱. بند (۹) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۹- در ماده (۲۸)، عموم بند (ب)، عموم صدر بند (پ)، قسمت اخیر بند (پ)، بند (ت)، بند (ث)، عموم صدر بند (ج) نسبت به غیر موارد مذکور در اصل (۱۷۲) قانون اساسی و ذیل بند (ج)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد.

→ به علاوه بند (ج) این ماده، چون شامل کلیه افراد ولو افراد غیرنظامی و غیرانتظامی نیز می‌گردد، اشکال دارد. همچنین چون عموم جرائم مرتبط شامل جرائم غیر موارد مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد.

مضافاً بر این، اطلاق صدر بند (ح) این ماده، نسبت به مواردی که لازمه خدمت مقامات مذکور نیست نیز می‌گردد، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد.

همچنین در تبصره یک این ماده، اطلاق آن «به سبب خدمت» یا «در ارتباط مستقیم»، شامل جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - مثلاً فرمانده دستور داده است، ولی او عمل نکرده است.

آقای علیزاده - همان‌جا در اسلحه‌خانه خوابیده است یا همان‌جا گزارش خلاف واقع در رابطه با کار خودش داده است. یا یک کشور همسایه کمک می‌خواهد و می‌گوید بیاید به من کمک نظامی بکنید، بعد نیروی نظامی ما داخل آن کشور می‌رود و در آنجا مرتکب جرمی که جرم خاص نظامی یا انتظامی است می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره این، یک کار تشریفاتی است. یک کار تشکیلاتی و تشریفاتی است. گفته است این جرائم باید به تهران بیاید و در دادسرا و دادگاه نظامی تهران به آن رسیدگی بشود.

آقای علیزاده - بله.

آقای سلیمی - این ماده می‌گوید رسیدگی به این جرائم فقط به تهران بیاید و در جای دیگر رسیدگی نشود؛ مثلاً به بندرعباس نرود.

آقای علیزاده - چون ارتکاب جرم در خارج از کشور بوده است، این فرد نمی‌تواند در دادگاه نظامی بندرعباس محاکمه شود. چون می‌دانیم که مرجع رسیدگی به جرائم ارتكابی در داخل کشور کجا است؛ اگر ارتکاب جرم در داخل بود، حوزه صلاحیتش را تشخیص می‌دادیم، ولی وقتی ارتکاب جرم در خارج کشور است و مرکز کشور ما تهران است [گفته است که به این جرائم در دادسرا و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود].

آقای هاشمی شاهرودی - همه‌جا همین‌جور است.

آقای علیزاده - بله، همه‌جا این‌جور است. الان اگر ما در خارج یک ایرانی داشته باشیم و در ایران هیچ اقامتگاهی نداشته باشد، معلوم است که دعوی‌اش باید به تهران بیاید و در دادگاه‌های تهران مطرح بشود.

آقای ره‌پیک - این صلاحیت سازمان قضایی هم بر اساس آن اصلاحاتی است که صورت می‌گیرد؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این چنین است دیگر.

آقای سلیمی - هر چه قانون شد.

منشی جلسه - «ماده ۳۰- چنانچه نظامیان غیرایرانی در داخل و یا خارج از قلمرو حاکمیت ایران، مرتکب جرائم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، یا امنیت داخلی و خارجی، تمامیت ارضی و یا استقلال کشور گردند و به موجب قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن جرائم را داشته باشند، به اتهام

آنان در دادسرا و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود.»

آقای مؤمن - چرا این‌طوری نوشته‌اند؟

آقای سلیمی - این ماده، خلاف اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

آقای ره‌پیک - این ماده، از چند جهت خلاف قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این ماده هم خلاف است.

آقای ره‌پیک - یک ایراد آن این است که عبارت «نظامیان غیر ایرانی» اشکال دارد؛ چون اصل (۱۷۲) قانون اساسی که شامل نظامیان غیر ایرانی نیست.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - بر خلاف اصل (۱۷۲) است.

آقای سلیمی - خلاف اصل (۱۷۲) است.

آقای ره‌پیک - ایراد بعدی این است که رسیدگی به جرائم علیه امنیت داخلی و مانند اینها را تحت صلاحیت سازمان قضایی آورده است.

آقای علیزاده - پس این ماده هم خلاف اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. [طبق اصل (۱۵۹)] مرجع رسمی تظلمات، دادگاه است. آقایانی که این ایراد را قبول دارند، محبت بفرمایند رأی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - ایراد این ماده، مشخص است.

آقای سلیمی - البته، این ماده تصریح ندارد که این نظامیان غیر ایرانی که غیر ایرانی هستند، نظامی ما هستند یا مقصود چیز دیگری است.

آقای علیزاده - نه.

آقای مؤمن - نه، گفته است: «نظامیان غیر ایرانی».

آقای هاشمی شاهرودی - نظامی غیر ایرانی حق ندارد که [در نیروهای مسلح ما] استخدام شود؛ استخدام نمی‌شود.

آقای علیزاده - ظاهراً در قانون اساسی ذکر شده است که نمی‌شود غیر ایرانی را استخدام کرد.^۱

آقای هاشمی شاهرودی - بله، روشن است.^۲

آقای علیزاده - ماده (۳۱) را قبلاً [= در جلسه ۱۳۹۳/۳/۲۰ شورای نگهبان] خواندیم.

منشی جلسه - «ماده ۳۲- به جرائم نظامیان کمتر از هجده سال

۱. اصل یکصد و چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.»

۲. بند (۱۰) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۰- ماده (۳۰) در خصوص نظامیان غیر ایرانی، معایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی شناخته شد.»

قضایی انجام می‌شود؛ لذا صدر این اصل نگفته است که فرد نظامی کمتر از (۱۸) سال یا بالاتر از (۱۸) سال داشته باشد.

آقای مدرسی یزدی - این ماده هم نگفته است که این دادگاه، دادگاه نظامی نباشد.

آقای علیزاده - نگفته است.

آقای اسماعیلی - چرا دیگر.

آقای رهپیک - نه، گفته است بر طبق آیین دادرسی اطفال و نوجوانان رسیدگی شود.

آقای علیزاده - تشریفات آیین دادرسی است.

آقای اسماعیلی - رسیدگی به جرائم نوجوانان، در خود این سازمان قضایی است؟

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - رسیدگی به این جرائم، بر طبق آیین دادرسی دادگاه اطفال و نوجوانان است.

آقای سوادکوهی - این ماده، اشکال شرعی هم دارد.

منشی جلسه - «ماده ۳۳- هرگاه رسیدگی به اتهام فردی در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، لکن با توجه به اوضاع و احوال و کیفیت ارتکاب، در عمل با رسیدگی به جرم دیگر همان متهم که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است ملازمه داشته باشد، به آن جرم نیز در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.»

آقای سلیمی - این ماده هم اشکال دارد؛ چون می‌گوید به اتهام غیر نظامیان هم در دادگاه نظامی رسیدگی کنند.

آقای رهپیک - معلوم است که این ماده اشکال دارد.

آقای علیزاده - آقایانی که این ماده را خلاف اصل (۱۷۲) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - معلوم‌المدرک است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این ایراد اجماعی است. این مصوبه، خیلی صلاحیت دادگاه نظامی را توسعه داده است.

آقای رهپیک - شامل همه چیز می‌شود دیگر. طبق این ماده، باید همه‌ی جرائم در دادگاه نظامی رسیدگی شود!^۳

منشی جلسه - «ماده ۳۴- در جرائمی از قبیل رشاء و ارتشاء که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، به اتهام کلیه متهمان در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.»

تمام شمس‌ی که در صلاحیت سازمان قضایی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.»

آقای علیزاده - این ماده، عین قانون آیین دادرسی کیفری است.^۱

آقای سوادکوهی - مثل اینکه مجمع مشورتی فقهی از جهت شرعی، به این ماده ایراد گرفته است.^۲ این ماده، یک اشکال شرعی دارد.

آقای اسماعیلی - این ماده، ایراد دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، ایراد دارد؛ چون فرد زیر (۱۸) سال، نظامی حساب نمی‌شود، می‌شود؟!

آقای رهپیک - نه، چنین افرادی داریم؛ مثلاً افراد زیر (۱۸) سال که در بسیج هستند، طبق این مصوبه جزء نیروهای مسلح حساب شده‌اند. در مورد بسیج داریم که ممکن است کسانی که عضو بسیج می‌شوند، زیر (۱۸) سال باشند. هم اعضای بسیج، هم محصلانی که به ارتش می‌روند و دوره‌های آموزشی می‌بینند، این افراد هم جزء نیروهای مسلحند که ممکن است این افراد زیر (۱۸) سال باشند.

آقای سلیمی - همین‌طور بورسیه‌ی افراد دبیرستانی که در نیروهای مسلح مشغول شوند.

آقای رهپیک - بله، همان‌ها دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - خب بله، اگر نیروهای مسلح افراد زیر (۱۸) سال داشته باشند، [که به جرائم آنها هم می‌توانند در دادسرا و دادگاه نظامی رسیدگی کنند].

آقای اسماعیلی - عرض من این است که همان‌گونه که ما به ذیل اصل (۱۷۲) تمسک می‌کردیم و خیلی جاها را از صلاحیت دادگاه‌های نظامی خارج کردیم، در اینجا هم می‌گوییم که صدر اصل (۱۷۲) می‌گوید رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نیروهای نظامی و انتظامی در محاکم

۱. ماده (۳۰۴) آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۰۴- به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمس‌ی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.»

۲. «افراد کمتر از (۱۸) سال شامل افراد بالغ نیز می‌شود و اجرای مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال در حق ایشان، خلاف شرع می‌باشد.» نظر کارشناسی (تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۳۹/ف/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/2lgT3

۳. بند (۱۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۲- مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.»

نظر دادگاه نظامی یک متبع است. در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک زمان جنگ و دادگاه نظامی دو زمان جنگ در حوزه قضایی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک زمان جنگ لازم‌الاتباع است.»

آقای هاشمی شاهرودی - این تشریفات، خوب است.

آقای سلیمی - آقای علیزاده، این ماده اشکال دارد. دو تا دادگاه نظامی یک که حق اختلاف در صلاحیت ندارند. یکی از دادگاه‌ها، دادگاه نظامی یک است و دیگری، دادگاه نظامی دو است؛ در این صورت، دادگاه نظامی دو ملزم به تبعیت از دادگاه نظامی یک است. این را باید بگوییم.

آقای هاشمی شاهرودی - مقصود، همین است؛ ولی این جوری گفته‌اند.

آقای سلیمی - این ماده را بد نوشته‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مقصود همین است.

آقای علیزاده - همانی که هست را دارد می‌گوید.

منشی جلسه - «ماده ۳۷- در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی زمان جنگ با سایر مراجع قضایی نظامی در یک حوزه قضایی، نظر دادگاه نظامی زمان جنگ متبع است.»

آقای هاشمی شاهرودی - معمولاً این مسئله، باید به دیوان عالی کشور برود.

آقای سوادکوهی - بالاخره، این دادگاه‌ها همه نظامیند دیگر.

آقای علیزاده - اختلاف در صلاحیت بین خودشان است.

منشی جلسه - اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی زمان جنگ با سایر مراجع قضایی نظامی است.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است؛ بله، اختلاف با سایر مراجع قضایی نظامی است.

منشی جلسه - «فصل چهارم- کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

مبحث اول- ضابطان نظامی و تکالیف آنان

ماده ۳۸- ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

ماده ۳۹- مأموران زیر پس از کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت مربوط ضابط نظامی می‌باشند:

الف- مأموران دژبان نیروهای مسلح

ب- مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب

آقای علیزاده - آقایانی که این ماده را خلاف قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

آقای اسماعیلی - اصلاً می‌شود رسیدگی به این جرائم را تفکیک کرد؟

آقای یزدی - اصلاً این ماده، شبیه آن چیزی است که در دادگاه ویژه روحانیت پیش‌بینی شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، خوب است؛ اما باید این موضوع را از باب حکم ولایتی درست بکنند. ما باید بگوییم که این ماده خلاف قانون اساسی است؛ چون واقعاً این جرائم، جرم عمومی است.

آقای علیزاده - اگر منظور، عموم جرائم رشا و ارتشا باشد، این ماده اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - مگر جرائمی که جزء جرائم خاص نظامی باشد.

آقای علیزاده - بله، اگر مربوط به جرائم خاص خودشان است، درست است.

آقای ره‌پیک - جرائم خاص خود نظامیان، همان چیزی می‌شود که گفتیم؛ دیگر جرم خاصی وجود ندارد.^۱

منشی جلسه - «ماده ۳۵- در مورد جرائم گروه مجرمانه سازمان‌یافته، در صورتی که رسیدگی به جرائم تشکیل‌دهنده جمعیت، اداره‌کننده یا طراح یا سازماندهی‌کننده آن در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، به اتهام همه متهمان در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.»

آقای علیزاده - ایراد این ماده، عین همان دو ماده‌ی قبلی است.

آقای سوادکوهی - به مواد (۳۴) و (۳۵) ایراد گرفتید؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ره‌پیک - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - همه‌ی این مواد، یک اشکال دارند. همه‌ی این مواد توسعه در صلاحیت سازمان قضایی است.

آقای علیزاده - همه‌ی این مواد یک اشکال دارد.^۲

منشی جلسه - «ماده ۳۶- در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو در حوزه قضایی یک استان،

۱. بند (۱۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۲- مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.»

۲. بند (۱۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۲- مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.»

نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام‌شده در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست.»

آقای علیزاده - چون ما به مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری یک چنین ایرادی را گرفتیم، آن ایراد را در این تبصره درست کرده‌اند.^۲

آقای ره‌پیک - آقایان فقها یک ایراد شرعی در مورد شرط وثاقت ضابطان در آیین دادرسی کیفری گرفتند که این شرط در آیین دادرسی اضافه شد.^۳

آقای هاشمی شاهرودی - این قیود، در این ماده اضافه نشده است.

۲. تبصره‌ی ماده (۲۹) آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۳/۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی چنین مقرر کرده بود: «تبصره - کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام‌شده در این رابطه با ضابطان است.» این تبصره در نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ شورای نگهبان، با ایرادی بدین شرح مواجه شد: «تبصره ماده (۲۹)، ابهام نافی مسئولیت از کارکنان وظیفه در فرض وقوع تخلف از ناحیه آنان را دارد، پس لازم است موضوع روشن شود تا اظهار نظر شود.» بر این اساس، کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس برای رفع این ابهام از این تبصره، آن را به شرح زیر اصلاح و تصویب کرد: «تبصره - کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام‌شده در این رابطه با ضابطان است. این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.»

۳. بند (۱۱) نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «۱۱- شرایط مقرر در ماده (۳۰) برای ضابطین کافی نمی‌باشد؛ باید شرط وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن ملحوظ گردد و الاً خلاف موازین شرع است.» ماده (۳۰) لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس بدین شرح بود: «ماده ۳۰- احراز عنوان ضابط دادگستری، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت‌گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.» در نهایت، با اصلاحات کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، ماده (۳۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به شرح زیر تصویب شد: «ماده ۳۰- احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت‌گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.»

مأموریت‌ها و وظایف قانونی

ب- مأموران بازرسی و قضایی نیروهای مسلح

ت- فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی
ث- افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان نظامی

ج- مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۱- رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی است، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.»

آقای هاشمی شاهرودی - ما زندان نظامی در قانون اساسی نداریم؛ داریم؟

آقای ابراهیمیان - منظورتان دادگاه نظامی است؟

آقای هاشمی شاهرودی - نه، زندان نظامی.

آقای علیزاده - یعنی زندانی که برای نظامیان است. اشکالی ندارد.

آقای سلیمی - نه، این ماده چنین چیزی را وضع کرده است؛ در این مصوبه در قالب وضع قانون، زندان‌های نظامی را از بقیه‌ی زندان‌ها جدا کرده است. این مطلب، در این مصوبه آمده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده آمده است و زندان‌ها را جدا کرده است. از نظر قانون اساسی، شاید این ماده خلاف اصل (۱۵۰) قانون اساسی باشد.^۱

آقای سلیمی - این زندان‌ها زیر نظر سازمان زندان‌ها است.

آقای علیزاده - در این مصوبه نگفته است که این زندان‌ها زیر نظر رئیس قوه قضائیه نباشد.

آقای ره‌پیک - تحت نظارت سازمان زندان‌ها گذاشته است.

آقای علیزاده - نگفته است که زیر نظر قوه قضائیه نباشد.

آقای ره‌پیک - نه، تصریح کرده است که این زندان‌های نظامی تحت نظر سازمان زندان‌ها است.

آقای سلیمی - در این مصوبه گفته است که این زندانیان را جداسازی کنید.

منشی جلسه - «تبصره ۲- کارکنان وظیفه، ضابط نظامی محسوب

۱. به نظر می‌رسد منظور ایشان اصل (۱۵۸) قانون اساسی است؛ زیرا مفاد اصل (۱۵۰) قانون اساسی مربوط به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

و افراد خودشان است و اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - از این نظر، اشکالی ندارد. شاید تبصره (۳) اشکال داشته باشد.

آقای یزدی - شما به صلاحیت سازمان قضایی در خصوص رسیدگی به جرائم مأموران وزارت اطلاعات ایراد گرفتید. بالاخره مأموران اطلاعات، جزء نیروهای مسلح نیستند و مشمول اصل (۱۷۲) قانون اساسی نیستند.

آقای رهپیک - نه.

آقای علیزاده - ما گفتیم به جرائم آنها در سازمان قضایی رسیدگی نمی‌شود. آن چیزی که ما گفتیم اشکال دارد مربوط به جرائم اینها بود. این تبصره دارد می‌گوید آن جرائمی که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی است، [مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور، ضابط محسوب می‌شوند]. ما که الآن به طور دقیق نمی‌دانیم جرائم در صلاحیت سازمان قضایی چیست؟ حتی همین مواردی که آقا [=مقام معظم رهبری] اجازه فرمودند و الآن سازمان قضایی دارد به آن موارد رسیدگی می‌کند را هم نمی‌دانیم [که رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی باقی می‌ماند یا خیر]. ما که نمی‌خواهیم آن موارد را بگوییم. این تبصره فقط می‌گوید این افراد، در مورد آن جرائمی که در صلاحیت سازمان قضایی است، ضابطند. مجلس در این ماده تعیین صلاحیت نکرده است؛ فقط می‌گوید این افراد، در مورد آن جرائمی که در صلاحیت سازمان قضایی است ضابطند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آن افراد ضابطند. در مورد تبصره (۳) چه می‌گویید؟ می‌گوید اگر مراجع قضایی عمومی دستوراتی داشته باشند بایستی از راه این ضابطان نظامی و انتظامی در یگان‌های مربوط انجام شود؛ چون ممکن است آن دادگستری، ضابط خاص خودش را داشته باشد. نباید به این

→

عبارتند از:

الف- ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

ب- ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول‌شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.»

آقای رهپیک - بله، این قیود در این مصوبه نیست.

آقای علیزاده - یک اصلی داریم؛ گفته است که هر مقرراتی که در این مصوبه نیامده است، عمومش [=عموم آن مقررات ذکرشده در آیین دادرسی کیفری] در آیین دادرسی نیروهای مسلح جاری است.

منشی جلسه - «تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی به عهده ضابطان نظامی مربوط است.»

آقای سلیمی - قید «مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات» در تبصره (۱) اشکال دارد. با قانون اساسی سازگاری ندارد.

آقای علیزاده - چرا؟ اینکه بگویید این مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات ضابطند، اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - بله، گفته است اینها ضابط هستند. بحث چیز [=رسیدگی به جرائم آنان در سازمان قضایی] نیست که مشکل رسیدگی به جرائم فرد پیش بیاید. این افراد ضابط هستند. این ماده گفته است که این افراد، ضابط باشند.

آقای علیزاده - بله، گفته است اینها ضابط هستند. این مربوط به امور خودشان است، چه اشکالی دارد؟ در ضمن، نگفته است که به جرائم [آنان در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود]؛ گفته است این افراد، در مورد آن جرائمی که برای رسیدگی به سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌آید، ضابطند؛ چون ما به صلاحیت‌های سازمان قضایی [در خصوص رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات] ایراد گرفتیم.

آقای سلیمی - اصلاً این افراد، جزء نیروهای مسلح نیستند تا ضابط باشند.

آقای علیزاده - این موضوع، اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - خب، حالا ممکن است هر کسی ضابط باشد؛ این چه اشکالی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - لازم نیست که ضابط، مسلح باشد.

آقای علیزاده - ضابط مسلح که لازم نیست باشد.

آقای اسماعیلی - ذیل تبصره گفته است که این افراد، نسبت به جرائمی که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی است، ضابطند.

آقای علیزاده - الآن وزارت اطلاعات در امور دادگستری ضابط است. اسم این مأموران هم در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است.^۱ اینها مربوط به جرائم خودشان [=خود وزارت اطلاعات]

۱. ماده (۲۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۹- ضابطان دادگستری

←

آقای ره‌پیک - خب، اینجا هم مثل تبصره (۱) است که در مورد وزارت اطلاعات بود. تبصره (۱) می‌گوید در مورد کارکنان وزارت اطلاعات، ضابطان محاکم نظامی، ضابط وزارت باشند. در اینجا هم گفته است ضابط باید نیروی نظامی باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - در تبصره (۱)، مربوط به جرائم خاص خود وزارت اطلاعات بود، اما در اینجا بحث بر سر مراجع قضایی عمومی است؛ یعنی او یک جرمی را خارج از وظیفه‌ی نظامی انجام داده است.

آقای ره‌پیک - نه، مبنای حکم این تبصره، جرم ارتكابی نیست. مبنای این حکم، محل خدمت نیروی نظامی است.

آقای مدرسی یزدی - مبنای این حکم، اجرای تصمیمات است؛ اطلاق دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اجرای تصمیمات و دستورهای اطلاق دارد. قید «در مراجع عمومی»، شامل جایی می‌شود که یک جرم عمومی هیچ ربطی به وظیفه‌ی نظامی فرد هم ندارد.

آقای ابراهیمیان - الان همین جوری است.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی می‌فرمایید اگر دادگاه عام دادگستری بخواهد برود و متهم را احضار کند، نمی‌تواند از طریق ضابط خودش آن متهم را احضار کند؟
آقای علیزاده - نه.

آقای ره‌پیک - این تبصره می‌گوید چون آن ضابط می‌خواهد [برای اجرای دستور مرجع قضایی عمومی] به یک پادگان برود، ضابطش، ضابط نظامی باشد.

آقای سلیمی - این تبصره می‌گوید که اگر دستگاه قضایی به یک یگان نظامی، دستوری داد و تخلفی صورت گرفت، چه کسانی را باید مورد بازخواست قرار بدهند؟ می‌گوید آن کسانی از این مجموعه که در خود ماده، به عنوان ضابط معرفی کردیم؛ چون این تبصره، تبصره‌ی همان ماده است. این تبصره می‌گوید همان کسانی که ما آنها را به عنوان ضابط معرفی کردیم، همان‌ها مسئول هستند؛ نه همه‌ی آن یگان یا کسانی که ضابط نیستند. ما آمدیم و در ماده (۳۹) گفتیم که این افراد ضابطند و یکی پس از دیگری شمردیم و گفتیم این افراد ضابط تلقی خواهند شد. پس وظیفه‌ی این افراد است که اوامر دستگاه‌های قضایی را اجرا کنند. اگر کاری به یگانی ارجاع شد، فقط آن قسمت‌هایی که به عنوان ضابط شناخته شده‌اند، آنها نسبت به عدم انجام این تکلیف مسئول خواهند بود، نه همه‌ی مجموعه.

آقای سوادکوهی - چرا باید این‌طور باشد؟

شکل باشد؛ چون خود دادگستری می‌تواند تعیین ضابط بکند. این تبصره، خلاف استقلال قوه‌ی قضائیه [مصرح در اصل (۱۵۶) قانون اساسی] است. قانون اساسی می‌گوید تعیین ضابط به عهده‌ی دادگستری است.

آقای علیزاده - خلاف اصل [(۱۵۶)] است.

آقای مدرسی یزدی - نه، چنین چیزی را نگفته است. گفته است که باید طبق قانون عمل کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره (۳) می‌گوید اجرای تصمیماتی که مربوط به مراجع قضایی عمومی است، نه قضایی خاص، به عهده‌ی ضابطان نظامی است.

آقای علیزاده - من یک‌بار تبصره (۳) را می‌خوانم: «تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی به عهده ضابطان نظامی مربوط است.»

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی چه؟ موضوع این تبصره، مسائلی است که مربوط به دادگستری عمومی است؛ یعنی مرجع قضایی عمومی می‌خواهد دستور بدهد.

آقای علیزاده - خب دستور بدهد؛ اما بحث این تبصره، در مورد ضابط مربوط به جرائم نظامی است.

آقای ره‌پیک - این تبصره می‌گوید در این موارد، این افراد ضابطش هستند.

آقای هاشمی شاهرودی - مجلس باید این تبصره را حذف کند. طبق این تبصره، دیگر دادگستری نمی‌تواند برای خودش ضابط مشخص کند.

آقای ره‌پیک - این تبصره، ضابطان نظامی را به عنوان ضابط تعیین کرده است.

آقای علیزاده - مثلاً قرار است که یک سرهنگی را جلب کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - یک کار خلافی انجام داده است.

آقای علیزاده - بله، سرهنگی یک جرم عمومی انجام داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر فرد نظامی یک جرم عمومی انجام داده است، باز [ضابط نیروهای مسلح باید او را جلب کند؟]

آقای علیزاده - دادگستری می‌گوید که این سرهنگ را باید جلب کنید و بیاورید. در این موارد به کلانتری نمی‌گوید برو و او را بیاور، بلکه به دربان آنجا می‌گوید این سرهنگ را بردار و بیاور.

آقای هاشمی شاهرودی - خب چرا؟

است. وزرات اطلاعات هم این‌گونه است.

آقای هاشمی شاهرودی - این افراد، ضابط دادگستری هم هستند. اگر ضابط دادگستری هم باشند، درست است.

آقای ابراهیمیان - خب، در همین مصوبه اینها جزء ضابطین دادگستری شدند.

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره (۳) اجرای دستورات مراجع قضایی عمومی را به ضابط نظامی واگذار کرده است. ضابط نظامی غیر از ضابط عمومی است؛ بسیج هم ضابط عمومی است؛ سپاه هم ضابط عمومی است؛ آن بحث دیگری است. حکم این تبصره در مورد ضابط نظامی است. ضابط نظامی، یعنی همین افرادی که از سازمان قضایی به عنوان ضابط ابلاغ دارند. این موضوع را در مواد بالا گفت دیگر؛ ضابط نظامی از سازمان قضایی ابلاغ دارد و بنابراین دادگستری نمی‌تواند از غیر آن راه، متهم را جلب کند. خب، این مطلب خلاف قانون اساسی می‌شود.

آقای سوادکوهی - درست است؛ خلاف قانون اساسی است.

آقای رهپیک - خلاف اختیارات دادگستری است؟

آقای هاشمی شاهرودی - از این جهت خلاف است که دستگاهی [= دادگستری] که صلاحیت رسیدگی به جرائم عمومی را دارد، صلاحیت همه‌چیزش مربوط به خودش است، نه فقط حکم و قاضی‌اش. نمی‌شود مقدمات پرونده در اختیار سازمان قضایی باشد، ولی حکم پرونده مربوط به قاضی دادگاه عمومی!

آقای سوادکوهی - حالا اگر احتمالاً فردا پلیس قضایی هم زنده و احیا شد، اینجا پلیس قضایی که ضابط خاص دادگاه‌های دادگستری است، وقتی در پرونده‌ای به چند متهم رسیدگی کند، به یک متهم نظامی که رسید باید پرونده را چند تکه کند و یک قسمتش را به ضابطین نظامی بدهد! اگر این‌طور باشد که استقلال و اختیارات دادگاه‌های دادگستری از بین می‌رود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، به نظر من روشن است که این تبصره (۳) مغایر قانون اساسی است.

آقای سوادکوهی - بله، اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، اجرای تصمیمات مراجع عمومی قضایی را به ضابط نظامی محصور کرده است و گفته است که اجرای این تصمیمات مربوط به سازمان قضایی است.

آقای سوادکوهی - این تبصره، یک امتیاز است دیگر؛ این، تبعیض است.

آقای سلیمی - خب چون در این ماده آمدیم ضابط را تعریف کردیم و گفتیم این افراد ضابطند.

آقای مدرسی یزدی - قانون است دیگر.

آقای سوادکوهی - این تبصره، مشکل ایجاد می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - چه اشکالی ایجاد می‌کند؟

آقای سلیمی - این افراد، ضابط هستند.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، محدود کرده است؛ این تبصره، اختیارات دادگستری را در شرایط عمومی محدود کرده است.

آقای مدرسی یزدی - خب با «قانون» می‌توانیم اختیارات دادگستری را محدود کنیم.

آقای سوادکوهی - نه، این مربوط به رسیدگی قضایی است.

آقای هاشمی شاهرودی - رسیدگی را به سازمان قضایی داده‌اند.

آقای ابراهیمیان - اگر ما ضابطان را در همین امور تعریف بکنیم و آنها را محدود کنیم و بگوییم در این نوع جرائم عمومی، نیروی انتظامی ضابط است و در این موارد، ارتش ضابط است، برخورد و مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این جزئی از کار و وظیفه‌ی دادگستری است که آن را به سازمان قضایی داده‌اند. تعقیب، جلب و همه‌ی این موارد جزء وظایف دادگستری است که همه‌ی این موارد را از دادگستری اخذ کرده‌اند و در دادگاه قضایی محصور کرده‌اند. این، توسعه‌ی کار سازمان قضایی است.

آقای رهپیک - نه، ضابط که لازم نیست از دادگستری باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ ضابط، جزء رسیدگی قضایی است. ضابط می‌خواهد جلب بکند، می‌خواهد ابلاغ بکند، دارد صد تا کار دیگر در دادرها و دادگاه‌ها می‌کند. حالا ما این را از دادگاه عمومی گرفته‌ایم و گفته‌ایم که از راه سازمان قضایی و ضابطان نظامی باید انجام بگیرد! خب، این محدود کردن اختیارات دادگستری است دیگر. این تبصره، خلاف قانون اساسی است؛ چون بخشی از قضاوت و مقدمات قضاوت و دادرسی در جرائم عمومی را که مربوط به دادگستری است، از دادگستری گرفته‌ایم و راهش را به سازمان قضایی منحصر کرده‌ایم.

آقای سوادکوهی - درست است؛ من در جهت تأیید مطالبی که شما فرمودید می‌خواستم مطلبی عرض کنم.

آقای ابراهیمیان - نیروی انتظامی هم که جزء آن ضابطین نیست.

آقای رهپیک - الان بسیج در بعضی از جاها جزء ضابطین

را می‌آورد درست بود؛ ولی نیاورده است.

آقای سلیمی - در ماده (۳۸) می‌گوید ما می‌خواهیم ضابطان را آموزش بدهیم و آنها دوره ببینند و ضابطین ما باشند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای سلیمی - این تبصره، نمی‌خواهد نافی امر دیگری باشد؛ چون این طرف قضیه را گفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره نمی‌خواهد این مطلب را بگوید. این می‌خواهد ضابطان دادگستری را خلع ید بکند و بگوید که دادگستری حق ندارد از راه ضابط‌های عمومی وارد بشود. این مطلب، خلاف قانون اساسی است.

آقای سوادکوهی - بله، خلاف است.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره می‌خواهد به مراجع عمومی قضایی بگوید که نمی‌توانید از ضابطین عمومی در این موارد استفاده کنید. یعنی اختیارات دادگستری را محدود کرده است.

آقای سوادکوهی - شما به ماده (۳۳) هم ایراد گرفتید. چرا به ماده (۳۳) اشکال وارد کردید؟ چرا به ماده (۳۴) که در مورد جرائمی مثل رشا و ارتشا است، ایراد گرفتید؟

آقای جنتی - آقایانی که نظر حضرت آیت‌الله شاهرودی را قبول دارند و این تبصره (۳) را خلاف قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند. خوب، این ایراد هم رأی نداشت.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد، رأی نیاورد؟!

آقای ره‌پیک - بله، ایراد مربوط به ضابطان نظامی رأی نیاورد.

آقای یزدی - من یک اشکال دیگری هم به ماده (۳۹) گرفته‌ام و آن این است که در این ماده، دو شرط وثاقت و مورد اعتماد بودن را که قبلاً مدام در مورد آن بحث می‌کردید، در این ماده ذکر نکرده است. در این ماده فقط گفته است: «ماده ۳۹- مأموران زیر پس از کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت مربوط، ضابط نظامی می‌باشند: ...» بعد یکی یکی ضابطان را شمرده است. در حالی که شما در گذشته این ایراد را در همه جا ذکر می‌کردید. [به دلیل ایراد شورای نگهبان به مصوبه‌ی آیین دادرسی کیفری]^۱ در ماده (۳۰) [قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴] هم این‌طور مقرر شد: «ماده ۳۰- احراز عنوان دادگاه‌های دادگستری علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد

آقای ابراهیمیان - الآن قانون گفته است که به تخلفات ضابطان دادگستری، در دادگستری رسیدگی می‌شود. عرض من این است اگر یک قانونی بگوید که نه، اگر ضابطان دادگستری هم مرتکب جرم شدند در یک دادگاه خاص دیگری به آن جرم رسیدگی بشود، اشکالی دارد؟ از این حیث که به استقلال قوه‌ی قضائیه لطمه نمی‌زند و اشکالی پیش نمی‌آورد.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر رسیدگی به جرم ضابط در دادگاه عمومی باشد، عیبی ندارد. این تبصره، این حق را از دادگستری گرفته است و به دادگاه نظامی داده است.

آقای سوادکوهی - اصلاً ضابط نظامی، تحت تعلیم خود دادگستری هم نیست. این ضابط، تحت تعلیم نیروهای نظامی بوده است.

آقای اسماعیلی - کجا؟

آقای سوادکوهی - دادرسی عمومی ضابط را با مسائل خودش تعلیم می‌دهد. ضابط نظامی اصلاً از سوی دادرسی عمومی تعلیم ندیده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای سوادکوهی - آن ضابط نسبت به جرائمی که نظامی نیست، تعلیم ندیده است.

آقای ره‌پیک - در این مصوبه، این موضوعات را گفته است دیگر؛ گفته است که تمام ضابطان تحت تعلیم قرار بگیرند. «ماده ۳۸- ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی ... اقدام می‌کنند.»

آقای سوادکوهی - بله، ولی همه‌ی این امور مربوط به امور نظامی است. این ضابطین نظامی که تحت تعلیم دادگستری نیستند.

آقای سلیمی - شما می‌فرمایید که اینها ضابطین نظامی هستند، ولی ضابط عام نیستند؛ یعنی این کافی است که این افراد ضابط عمومی هم تلقی بشوند؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله دیگر، ممکن است که این ضابطین، ضابط خاص خود سازمان قضایی باشند.

آقای سلیمی - نه، سازمان قضایی یک گروه‌های خاصی را به عنوان ضابط نظامی تعلیم می‌دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - برای خودش تعلیم می‌دهد.

آقای سلیمی - خوب برای خودش باشد؛ ولی هیچ منافاتی ندارد که همین افراد ضابط دادگستری هم باشند.

آقای هاشمی شاهرودی - این قید را نیاورده است. اگر این قید

۱. بند (۱۱) نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «۱۱- شرایط مقرر در ماده (۳۰) برای ضابطین کافی نمی‌باشد؛ باید شرط وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن ملحوظ گردد و آلاً خلاف موازین شرع است.»

لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط رئیس سازمان قضایی و با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۴۱- در غیاب ضابطان نظامی در محل وقوع جرم، وظایف آنان به وسیله ضابطان دادگستری انجام می‌شود و پس از حضور ضابطان نظامی، ادامه تحقیقات به آنان محول می‌شود؛ مگر اینکه مقام قضایی ترتیب دیگری اتخاذ نماید. در این مورد، ریاست و نظارت بر ضابطان به عهده دادستان نظامی است.»

ماده ۴۲- در موارد ضروری که به تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، انجام تحقیقات مقدماتی، جمع‌آوری دلایل، بررسی صحنه جرم یا انجام کارشناسی به ضابطان یا کارشناسان خارج از یگان محول می‌شود، فرمانده یگان محل وقوع جرم، مکلف به همکاری با آنان است. همچنین وی می‌تواند به منظور رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی، یک نفر نماینده برای همراهی با مأموران یا کارشناسان معرفی نماید.»

آقای مدرسی یزدی - اینکه گفته‌اند نماینده‌ی یگان باید همراه با ضابطان باشد، اگر این نماینده مانع بشود از اینکه ضابطان بتوانند دلایل کافی جمع‌آوری کنند، تکلیف چیست؟

آقای علیزاده - نماینده برای همراهی ضابطان است؛ برای مانع شدن نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه دیگر، می‌گوید همراهی نماینده به منظور رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی است.

آقای اسماعیلی - یک نفر نماینده برای همراهی است.

آقای مدرسی یزدی - همراهی نماینده برای این است که این اسرار نظامی باید محفوظ بماند؛ درست است. متها حالا اگر تحقیقات در یک‌جایی متوقف شد برای اینکه یک سری مسائل معلوم بشود باید اینجا یک تصمیمی بگیرند؛ فرمانده‌ی اصلی یا دادستان کل یا کس دیگری باید بیاید و دخالت کند. این ماده علی‌الاطلاق مورد اشکال است؛ مثلاً ممکن است در یک موردی سرنوشت جرمی دارد معلوم می‌شود ولی این کار متوقف است بر اینکه بعضی از اسرار هم روشن بشود؛ خوب در این موارد چه کار باید بکنند؟

آقای علیزاده - در اینجا که نمی‌خواهد بگوید اسرار روشن نشود.

آقای مدرسی یزدی - این ماده می‌گوید همراهی نماینده برای رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی است.

آقای علیزاده - این ماده می‌خواهد بگوید این نماینده همراه آنها به هر جایی که می‌خواهند بروند می‌رود تا [هر چه در

بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است ...] بنابراین این قیود [= شرط وثاقت و مورد اعتماد بودن] باید در این مصوبه هم ذکر شود. این اشکالی است که حاج‌آقای مؤمن هم گاهی می‌فرمودند که این قیود باید ذکر بشود.

آقای مؤمن - من در وقت بررسی این ماده، در جلسه نبودم. **آقای یزدی** - این اشکال، مفروغ‌عنه است. آقایان اعضای شورای نگهبان، همیشه این ایراد را ذکر می‌کردند؛ حالا نمی‌دانم آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی هم این ایراد را ذکر کرده‌اند یا نه؟^۱

آقای اسماعیلی - جواب این ایراد این بود که گفتند در هر جایی که در آیین دادرسی نیروهای مسلح چیزی نداریم، همان مقررات آیین دادرسی کیفری حاکم است.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر مجلس یک اشاره‌ای به این موضوع بکند، خوب است. همین نکته‌ای را که فرمودند، در این مصوبه بیاورند. چنین چیزی در این مصوبه آمده است؟

آقای اسماعیلی - بله، آمده است.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر آمده باشد، که هیچ ایرادی ندارد.

آقای یزدی - ولی در این گزارشی که آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی نوشته‌اند، [چنین ایرادی ذکر نشده است].

آقای هاشمی شاهرودی - آقای یزدی، جواب این ایراد این است که در این مصوبه گفته شده که هر چه در این مصوبه ذکر نشده است، طبق قانون عام آیین دادرسی کیفری است. چون این قیود در آن قانون آمده است و در آنجا شرط شده است، شامل این مصوبه هم می‌شود. به این ایراد، این‌جوری جواب داده‌اند.

آقای یزدی - بله، چون این قیود، در آن قانون ذکر شده است، دیگر لازم نیست که در این مصوبه ذکر بشود.

منشی جلسه - «ماده ۴۰- سازمان قضایی مکلف است به طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفای وظایف قانونی برای ضابطان نظامی برگزار نماید.

تبصره- آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ

۱. گفتنی است مجمع مشورتی فقهی در اظهار نظر کارشناسی خود، چنین ایرادی به ماده (۳۹) وارد نکرده است. در این خصوص بنگرید به: نظر کارشناسی (تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/2lgT3

بگذارد. بر چه اساسی می‌فرمایید که حل تضاد بین آن دو نظر به عهده‌ی قاضی است؟ این آقا می‌گوید من مأمور هستم که نگذارم این اسرار نظامی روشن بشود؛ چون محرمانه است. از آن طرف، قاضی یا نماینده‌ی قاضی هم می‌گوید [برای انجام تحقیقات یا کشف جرم و...] باید این اسرار روشن بشود.

آقای رهپیک - قاضی تعیین تکلیف می‌کند دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر اختلاف شد، قاضی تعیین تکلیف می‌کند.

آقای مدرس‌یزدی - نه، به چه دلیل؟

آقای هاشمی شاهرودی - همه‌جا این طوری است.

آقای رهپیک - پرونده در دست قاضی است.

آقای مدرس‌یزدی - خب قاضی نمی‌تواند چنین چیزی را بگوید.

آقای هاشمی شاهرودی - عجب!

آقای رهپیک - چرا نمی‌تواند؟!

آقای مدرس‌یزدی - وقتی که اینجا دو تا نظر هست، نماینده می‌گوید حتی خود قاضی هم نمی‌تواند به این اسرار نظامی دست پیدا کند؛ می‌گوید من نمی‌توانم به شما اجازه‌ی دسترسی به این اسرار را بدهم.

آقای رهپیک - نه دیگر، وقتی پرونده به یک قاضی ارجاع شد، قاضی دسترسی به اسناد پرونده دارد.

آقای مدرس‌یزدی - خب، قانون باید این موضوع را حل بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده ربطی به محتوا و اختلاف ندارد؛ دارد تشریفات را تشریح می‌کند.

آقای جنتی - رأی بگیرید.

آقای علیزاده - اگر آقایان به این ایراد رأی می‌دهند و این ماده را خلاف قانون اساسی یا موازین شرع می‌دانند، بفرمایند.

آقای مدرس‌یزدی - بحث در این است که نماینده با ضابط یک نوع تضادی پیدا می‌کند. این مسئله، در جایی که بین آن دو نفر اختلاف شود، ابهام پیدا می‌کند. این ماده، ابهام دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، تضادی به وجود نمی‌آید.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌فرمایند این ماده اشکال دارد رأی بدهند. آقایانی که می‌فرمایند این ماده، ابهام دارد رأی بدهند. خب، این اشکال رأی نیاورد.

منشی جلسه - «ماده ۴۳ - دادستان نظامی به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یک‌بار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر

مسیر تحقیق لازم است] محرمانه بگیرد و به آنها بدهد و مراقبت کند که اینها به دست کس دیگری نیفتد.

آقای رهپیک - این ماده، به طور کلی دارد می‌گوید.

آقای مدرس‌یزدی - خب حالا اگر این نماینده با ضابطان تضاد پیدا کرد، مثلاً این آقای نماینده‌ای که همراه ضابط است، بگوید این مسئله جزء اسرار نظامی است و تو نمی‌توانی در این موضوع داخل بشوی. ضابط هم می‌گوید اصلاً تحقیق در این قضیه متوقف بر داخل شدن در این مورد است. با این فرض چه کار باید بکنیم؟ این مسئله، یک نوع ابهامی دارد.

آقای رهپیک - این مسائل را به قاضی می‌گویند و قاضی حل می‌کند.

آقای علیزاده - نماینده مکلف به همکاری با مأموران است.

آقای مؤمن - بله، باید همکاری بکنند. در اینجا اصلاً مقابله‌ای در بین نیست.

آقای مدرس‌یزدی - خب، این طور درست نیست؛ در اینجا باید این قضیه حل بشود. این مصوبه، یک نوع ابهام دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بعداً به تخلف هر کسی که تخلف کرده است رسیدگی می‌کنند دیگر.

آقای مدرس‌یزدی - نه، آخر اصلاً اینجا مسئله‌ی تخلف مطرح نیست؛ این تضاد باید حل بشود. مسئله در اینجا، تخلف نیست.

آقای علیزاده - برای ضمانت اجرای این ماده، در یکی از مواد همین قانون تعیین تکلیف شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - در این فرضی که شما می‌گویید نماینده تخلف کرده است.

آقای مدرس‌یزدی - نه، مسئله‌ی تخلف مطرح نیست. من آنچه که عرض می‌کنم این است که شاید در یک‌جایی دو تا نظر شد. شاید این آقایانی که مأمور رسیدگی است با نماینده اختلاف پیدا کردند.

آقای هاشمی شاهرودی - باشد.

آقای علیزاده - حل اختلاف با قاضی است.

آقای مدرس‌یزدی - معلوم نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره، این مسئله ربطی به این ماده ندارد. این ماده می‌خواهد یک تشریفات را بیان کند.

آقای علیزاده - ماده (۷) می‌گوید تخلف از مقررات مواد (۵)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۹) و تبصره (۳) ماده (۳۹) جرم است.

آقای مدرس‌یزدی - قانون باید برای این مسئله، یک راه حلی

آقای اسماعیلی - این ماده، علاوه بر آن ایراد، اشکال دیگری هم دارد.

آقای ره‌پیک - بله، حالا غیر از آن، ایراد دیگری دارد؛ اینکه در این ماده می‌گوید «از قبیل...»، یعنی هر چیزی را می‌شود به مراجع قضایی داد؟ یعنی اگر یک موردی غیر ضروری باشد و برای پرونده لازم نباشد، مقامات فوق می‌توانند آن مورد را به مراجع قضایی بفرستند؟

آقای علیزاده - بله، عبارت «از قبیل» اشکال دارد. در مباحث کیفری باید همه چیز کاملاً مشخص باشد.

آقای اسماعیلی - بله، اگر همین موارد هم لازم نیست، برای چه ارسال کنند؟ اصلاً اگر همین موارد مذکور در این ماده هم ربطی به رسیدگی به جرم ندارد، برای چه باید آنها را به مراجع قضایی ارسال کنند؟ وضعیت تأهلش و مانند اینها چه ربطی به رسیدگی به جرم دارد؟ این ماده، با اصل (۲۲) قانون اساسی مغایر است.

آقای علیزاده - آقایان اعضای شورای نگهبان به مصوبه‌ی مجلس در خصوص آیین دادرسی کیفری هم یک چنین ایرادی گرفتند. اگر یادتان باشد به آن مصوبه هم ایراد گرفتیم. می‌توانیم آن ایرادی را که در آیین دادرسی کیفری گرفتیم، در اینجا هم بیان کنیم. اگر بشود، به این ماده هم همان ایراد را می‌گیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - مثل همان ایراد را بگیرید. مثل همان ایراد را هم به این ماده بگیریم.

آقای علیزاده - اگر آقایان این ایراد را قبول دارند، همین را بگوییم.



۴۸- ماده (۳۵۸)، مبنیاً بر اشکال ماده (۱۹۳) باید اصلاح گردد. متن مواد (۱۹۳) و (۳۵۸) لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده ۱۹۳- بازپرس ابتداء اوراق هويت متهم را ملاحظه می‌نماید و سپس مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، تابعیت، سابقه کیفری و همچنین نشانی محل سکونت و محل کار او، اعم از شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه، شماره و کد پستی منزل، شماره ملی، پیام‌نگار (ایمیل) و شماره تلفن ثابت و همراه او را به طور دقیق پرسش می‌کند، به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضایی به متهم به آسانی مقدور باشد.

ماده ۳۵۸- دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسمیت آن، ابتداء در مورد شخص متهم به شرح مواد (۱۹۳) و (۱۹۴) این قانون اقدام و سپس به دیگر اشخاصی که در دادرسی شرکت دارند، اخطار می‌نماید در موقع محاکمه برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت سخن نگویند، آنگاه رسیدگی را شروع می‌کند.»

مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستورهای لازم را صادر می‌کند. مسئولان یگان مربوط مکلف به همکاری هستند.»

آقای علیزاده - ما همه‌ی این مسائل را در آیین دادرسی کیفری داریم که در این مصوبه هم تکرار شده است.^۱

آقای سوادکوهی - اگر دادستان این تکلیف را انجام نداد، تکلیفش چیست؟

آقای علیزاده - مثل بقیه‌ی موارد، متخلف است.

آقای سوادکوهی - دادستان، متخلف است!؟

آقای علیزاده - بله، اگر قاضی به وظیفه‌اش عمل نکرد متخلف می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این یک اصل مثل بقیه جاها است. این ماده ناظر به آن بحث‌ها نیست.

آقای ره‌پیک - بررسی و رسیدگی به این موارد در صلاحیت دادرسی انتظامی است.

آقای هاشمی شاهرودی - این موارد تشریفات خودش را دارد.

منشی جلسه - «ماده ۴۴- فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرم در حوزه مسئولیت خود، مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش کنند. متخلف از مقررات این ماده به مجازات جرم کتمان حقیقت مقرر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح محکوم می‌شود.

تبصره- تعرفه خدمتی متهمان مشتمل بر اطلاعاتی از قبیل تاریخ استخدام یا اعزام، آموزش‌های طی شده، تاریخ ترفیعات، وضعیت تأهل، تنبیهات، تشویقات، محل‌های خدمت، مشاغل خدمتی، سوابق کیفری، سوابق پزشکی، وضع خاص اجتماعی و نظریه فرماندهی، توسط مقامات فوق به مراجع قضایی ارسال می‌شود.»

آقای اسماعیلی - این ماده، یک اشکالی دارد.

آقای علیزاده - آقایان اعضای شورای نگهبان قبلاً در آیین دادرسی به موضوع «سوابق کیفری» اشکال گرفته بودند؛ یادتان می‌آید؟

۱. ماده (۳۳) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۳- دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستورهای لازم را صادر می‌کند.»

۲. بندهای (۳۵) و (۴۸) نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «۳۵- در ماده (۱۹۳) اطلاق بیان «سابقه کیفری» چون شامل مواردی می‌شود که تحقیق منوط به آن موارد نمی‌باشد، اشکال دارد.



آقای رهپیک - این ماده، غیر از آن ماده است.
آقای علیزاده - البته عبارت «از قبیل» که حتماً ایراد دارد. بله، «از قبیل» را باید ایراد بگیریم.

آقای مدرس‌ی یزدی - ایرادش چیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - این عبارت، اطلاق دارد؛ مواردش را باید دقیقاً مشخص کنند.

آقای رهپیک - آوردن عبارت «از قبیل» یعنی این مواردی که در اینجا آمده، از باب مثال است.

آقای مدرس‌ی یزدی - خب چطور می‌شود؟

آقای رهپیک - یعنی می‌توانند هر اطلاعات دیگری را هم به قاضی بدهند؛ ولو اینکه ربطی به پرونده ندارد.

آقای مؤمن - خب حالا چطور می‌شود؟

آقای رهپیک - این‌طور نمی‌شود.

آقای مدرس‌ی یزدی - قانون گفته است؛ معلوم است که قطعی است. هر اطلاعاتی که لازم باشد می‌دهند. خلاف قانون اساسی که نیست، خلاف کدام اصل است؟ خلاف شرع هم نیست.

آقای یزدی - این ماده، اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - چرا؛ خلاف قانون اساسی است.

آقای مدرس‌ی یزدی - چرا؟ خلاف کدام اصل است؟

آقای اسماعیلی - اصلاً وضعیت خانوادگی متهم چه ارتباطی به رسیدگی به جرم دارد؟

آقای علیزاده - بله، وضعیت خانوادگی‌اش چه ارتباطی به موضوع دارد؟

آقای مدرس‌ی یزدی - اگر یک چیزی باشد که گزارش دادن آن خلاف شرع باشد، می‌توانیم بگوییم این مصوبه اشکال دارد.

آقای اسماعیلی - ما این ماده را مغایر اصل (۲۲) می‌دانیم.

آقای رهپیک - بله، «اصل بیست و دوم: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

آقای مدرس‌ی یزدی - مفاد این ماده که متضمن تعرض نیست؛ می‌گوید سال تولد آقای فلانی این است؛ این قدر خدمت کرده است؛ خانم او هم فلانی است.

آقای اسماعیلی - این، افشای اطلاعات افراد است.

آقای علیزاده - عبارت «از قبیل» تا آن «فیها خالدون» را شامل می‌شود. برای همین این ماده اشکال دارد.

آقای مدرس‌ی یزدی - نه، معلوم است که به مناسبت حکم و موضوع، امور دخیل در قضاوت مقصود است.

آقای رهپیک - «وضع خاص اجتماعی» یعنی چه؟
آقای مدرس‌ی یزدی - یعنی مثلاً این آدم در محله‌اش آدم خوبی بوده است یا نه؟

آقای رهپیک - معلوم نیست که این مقصود باشد.

آقای یزدی - در ماده (۴۲) فرض این است که فرد، یک مسئول نظامی است. این مسئول نظامی را به دادگاه آورده‌اند. این مسئول نظامی را که به دادگاه آورده‌اند، دادگاه می‌گوید باید سوابق این فرد را به من بدهید؛ اطلاعات لازم را به من بدهید. در زمینه‌ی اطلاعات، دانستن اینکه آیا سابقه‌ی کیفری هم دارد یا ندارد، بی‌تأثیر نیست. فرض این است که این تبصره، تبصره‌ی ماده (۴۲) است؛ ماده (۴۲) هم این بحث‌ها را دارد.

آقای رهپیک - این تبصره باید یک قیدی داشته باشد که فقط شامل موضوعات مرتبط با جرم در پرونده باشد.

آقای یزدی - ایشان می‌گویند عبارت «از قبیل» ایراد دارد؛ من فکر می‌کنم اصلاً باید دو سه تا نمونه ذکر بکند. یکی از این نمونه‌ها را هم ذکر کرده است و گفته است که سوابق کیفری متهم در پرونده ذکر شود. لازم است که قاضی سوابق کیفری متهم را بداند؛ چون الآن دارند یک فرماندهی نظامی یا انتظامی را در دادگاه محاکمه می‌کنند. آقای قاضی به اطلاعات راجع به این آقا احتیاج دارد. قاضی باید اطلاعات راجع به این آقا، غیر از مسئله‌ی اسم و فامیل، سوابق خدمتی‌اش، سوابق کذا و کذا و از جمله سوابق کیفری‌اش را بداند. خب اشکال این ماده چیست؟ چه اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - یعنی می‌فرمایید مثلاً سوابق خانوادگی متهم را هم باید بداند!

آقای علیزاده - این عبارت «از قبیل» فردا به دست اینها می‌افتد؛ آن وقت هر چه را که می‌خواهند گزارش می‌دهند. شما به ماده (۶۸) آیین دادرسی کیفری هم چنین ایرادی گرفتید.^۱

۱. شورای نگهبان در نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۸۳۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ نسبت به ماده (۶۸) لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۳/۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: «در بند (الف) ماده (۶۸)، در مواردی که شاکی این امکانات را ندارد، باید عبارت اصلاح شود؛ عبارت «در صورت امکان» اضافه شود.» در بند (الف) ماده (۶۸)، چنین مقرر شده بود: «ماده ۶۸- شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند. در شکوائیه موارد زیر باید قید شود: الف- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات،

آقای رهپیک - بله، راجع به مشخصات شاکی.

آقای علیزاده - مثل اینکه شما به آن مصوبه [= آیین دادرسی کیفری]، در دو جا، اخذ اطلاعات به این وسعت را ایراد گرفته بودید.^۱ در آنجا گفته بودند که از سابقه‌ی کیفری متهم پرسش می‌کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - اینکه در این ماده گفته است اطلاعات مربوط به «وضع خانوادگی» متهم باید ذکر شود، یعنی اینکه بگویند آن فرد، زن گرفته است، طلاق داده است و مسائلی از این قبیل را در پرونده‌ی دادگاه مطرح کنند؟! خب متهم یک کار خلافی کرده است، یعنی چه که ما این اطلاعات او را در پرونده بیاوریم؟! ما قرار است نسبت به چیزهایی که در اتهام دخیل نیست، چه کار بکنیم؟!

آقای رهپیک - این ماده باید یک قید بخورد.

آقای سوادکوهی - اصلاً به این ماده یک ابهام بگیرد.

آقای جنتی - آقای علیزاده، این ماده را یک قیدی بزنند که چنانچه این اطلاعات در تصمیم‌گیری و رأی قاضی تأثیر دارد [موظف باشند که آنها را برای مراجع قضایی ارسال کنند].

آقای ابراهیمیان - ما باید بگوییم درخواست عاملان قضایی

→

وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، سابقه کیفری، شماره شناسنامه، نشانی پیام‌نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه، شماره ملی، کد پستی و نشانی دقیق شاکی؛ ب- «...» کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس برای رفع این ایراد شورای نگهبان، در مصوبه‌ی ۱۳۹۱/۱۱/۱۸ خود مقرر کرد: «بند (الف) ماده (۶۸) به شرح زیر اصلاح شد: الف- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، سابقه کیفری، شماره شناسنامه، نشانی دقیق و در صورت امکان، نشانی پیام‌نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی». به رغم اصلاح این مصوبه در کمیسیون داخلی مجلس، شورای نگهبان در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۴۴۸ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۲ خود مجدداً این ماده را به شرح زیر مغایر با موازین شرع اعلام کرد: «در بند (الف) ماده (۶۸) اصلاحی، الزام شاکی به ارائه سابقه کیفری خود، خلاف موازین شرع شناخته شد. بر این اساس، کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، مجدداً این ماده را به شرح زیر اصلاح کرد که مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت: «ماده ۶۸- شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند. در شکوائیه موارد زیر باید قید شود:

الف- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام‌نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی؛ ب- «...»

۱. اشاره به ایرادهای شورای نگهبان به مواد (۶۸)، (۱۹۳) و (۳۵۸) آیین دادرسی کیفری است که در پاورقی‌های پیشین، بدان‌ها اشاره شد.

[مقید به مؤثر بودن بر حکم باشد].

آقای مدرسی یزدی - باید این‌طور گفت که مشخصاتی که احتمال تأثیر در حکم ندارد، نباید ارسال شود. اصل ماده، درست است؛ چون گاهی ممکن است وجود چیزی به نظر ارسال‌کننده مؤثر باشد.

آقای یزدی - اتفاقاً ارسال سوابق کیفری در رسیدگی به حکم مشکلی ندارد؛ مثلاً معلوم می‌شود که متهم، دفعه‌ی اولش است که مرتکب جرم می‌شود یا نه.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً خیلی چیزها مربوط به جرائم دیگری است.

آقای علیزاده - اگر آقایان آنچه را که در قانون آیین دادرسی کیفری آمده و امسال در همین‌جا تأیید شد و هنوز لازم‌الاجراء نشده است را قبول دارند، نسبت به این مصوبه بنویسیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای مدرسی یزدی - بله، چون آن مصوبه را دیگر همه قبول کرده‌اند.

آقای علیزاده - پس در ایرادمان می‌گوییم که همان چیزی که در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است در این مصوبه هم بیاید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این خوب است.

آقای رهپیک - این تبصره، عبارات اضافه‌ای هم دارد [که در قانون آیین دادرسی کیفری نیامده بود].

آقای علیزاده - بله، این تبصره، عبارات اضافه‌ای مثل «از قبیل» دارد. خوب است این موضوع را هم در نظرمان اضافه کنیم که آنچه در رسیدگی به جرم تأثیر ندارد، [نباید در پرونده ذکر شود].

آقای اسماعیلی - با این قیدی که آیت‌الله یزدی فرمودند اگر عبارت «از قبیل» هم باقی باشد، اشکالی ندارد؛ یعنی اگر بگویند هر چه که در تصمیم‌گیری مؤثر است، ارسال شود.

آقای جنتی - هر چیزی که در اظهار نظر و رأی قاضی مهم است، ارسال شود.

آقای مدرسی یزدی - هر چه که احتمال تأثیر دارد.

آقای علیزاده - نوشتیم: «این تبصره، باید به مواردی مقید شود که در تصمیم‌گیری قاضی احتمال تأثیر دارد.»

آقای مدرسی یزدی - احتمالاً تأثیر دارد.

آقای علیزاده - «... مواردی که احتمالاً در تصمیم‌گیری قاضی مؤثر باشند.»

آقای سلیمی - حالا تبصره‌ی این ماده (۴۵) را هم ببینید. دوباره برمی‌گردیم به ایراد تبصره (۳) ماده (۳۹) هم رأی می‌دهیم. **منشی جلسه -** «ماده ۴۵- ریاست و نظارت بر ضابطان نظامی از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند، با دادستان نظامی است. سایر قضات دادسرا و دادگاه نظامی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارند».

تبصره- ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.»

آقای سلیمی - با این تبصره، وضع بدتر شد؛ می‌گوید فقط به همین ضابطین نظامی ارجاع بدهید و لا غیر. برای ارجاع به سایر مأموران محکومیت در نظر گرفته و گفته است آن قاضی یا دادیاری هم که گفته فلان ضابط این مسئله را بررسی کند، محکوم می‌شود.

آقای ره‌پیک - او را محکوم می‌کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - محکوم می‌کنند.

آقای سلیمی - این تبصره خیلی دارد به صلاحیت سازمان قضایی توسعه می‌دهد. در قانون مربوط به نظامی‌ها دارد برای قضات غیر نظامی تعیین تکلیف می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - چه عیبی دارد؟

آقای سلیمی - عیبی ندارد؟!

آقای مدرسی یزدی - عیبش چیست؟

آقای سلیمی - اختیارات قضات محاکم عمومی را محدود می‌کند.

آقای علیزاده - حداقل مجلس این تبصره را قید بزند در مواردی که موجب بشود تصمیم معطل بماند یا فلان اتفاق بیفتد، به ضابطین غیر نظامی ارجاع شود.

آقای ره‌پیک - آن مسئله را در ماده (۴۱) گفت. در آنجا گفت اگر ضابط نظامی نداشتند، به ضابط غیر نظامی ارجاع می‌دهند.

آقای اسماعیلی - حالا به سراغ ماده (۴۶) برویم.

آقای علیزاده - چرا به سراغ ماده (۴۶) برویم؟

آقای سلیمی - تکلیف این موضوع را روشن کنید. این موضوع را درستش کنید.

آقای هاشمی شاهرودی - چون پرونده دستتان نبوده است، نمی‌دانید واقعاً چه خبر است؟

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - وقتی بررسی پرونده به چیزهایی [که

آقای هاشمی شاهرودی - مواردی که در تصمیم قاضی تأثیر داشته باشد و مؤثر باشد.^۱

منشی جلسه - «ماده ۴۵- ریاست و نظارت بر ضابطان نظامی از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند، با دادستان نظامی است. سایر قضات دادسرا و دادگاه نظامی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارند».

آقای هاشمی شاهرودی - ببینید؛ چقدر [محدود کردن اجرای تصمیمات قضایی به «ضابطین نظامی»] در اینجا مؤثر بوده است؛ نظارت بر ضابطان نظامی با دادستان نظامی شده است. من عرض کردم این ضابطان نظامی، مخصوص به سازمان قضایی می‌شود.

آقای سلیمی - ما به ایراد شما رأی دادیم. ما ایراد شما را قبول داریم.

آقای هاشمی شاهرودی - من سابقاً که در قوه‌ی قضائیه بودم، مواردی بود که اصلاً نمی‌گذاشتند سپاه به عنوان ضابط قضایی وارد بشود، با اینکه جرم فرد، جرم عمومی بود.

آقای علیزاده - این ایراد چند تا رأی آورده بود؟

آقای هاشمی شاهرودی - شش تا، یک رأی دیگر می‌خواست. مگر شما هم با این ایراد موافقید؟

آقای علیزاده - بله، من هم رأی می‌دهم. فقط ایراد آن را بفرمایید تا بنویسیم.

آقای مدرسی یزدی - آن ایراد، سه تا رأی داشت.

آقای ره‌پیک - سه تا رأی بود.

آقای اسماعیلی - کدام ایراد؟

آقای هاشمی شاهرودی - شش تا رأی داشت. این [تبصره (۳) ماده (۳۹)] دادگستری را خیلی محدود می‌کند. حالا بعداً خواهید دید. واقعاً بعد از این، دادگستری هیچ‌گاه نمی‌تواند در جرم عمومی یک عضو نظامی دخالت کند. این مصوبه، خیلی دادگستری را محدود می‌کند؛ چون من مبتلا شده‌ام و دیده‌ام؛ پرونده‌ای بود که به ضابطین عام اجازه نمی‌دادند وارد موضوع شوند.

آقای سوادکوهی - بله، درست است.

۱. بند (۱۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۳- اطلاق تبصره ماده (۴۴)، چون شامل اموری می‌شود که تحقیق و رسیدگی منوط به آن موارد نمی‌باشد، اشکال دارد و باید به مواردی که احتمالاً در تصمیم‌گیری قاضی مؤثر باشند، مقید گردد.»

تبصره‌ی ماده (۴۵) هم حل می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - به آن تبصره‌ی قبلی ایراد نگرفتید.

آقای ابراهیمیان - دوستان این ایراد را قبول نکردند؟

آقای سلیمی - نه، این ایراد رأی نیاورد.

آقای هاشمی شاهرودی - رأی نیاورد.

آقای ابراهیمیان - اگر این‌طور است و آن ایراد رأی نیاورد،

پس نباید به این تبصره که مبنی بر آن است، ایراد بگیریم. وقتی

قانون می‌گوید کسی ضابط است و شما باید کار تحقیق را از او

بخوای، من قاضی حق تخلف از آن را ندارم. نمی‌شود

تحقیقات را به یک کس دیگری بدهند.

آقای مدرسی یزدی - نمی‌شود که بگویند بچه‌های محله بروند

و ضابط شوند.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره می‌گوید که باید فقط از

ضابط سازمان قضایی بخوای، نه از ضابط خودت.

آقای ابراهیمیان - نه، اشکال اصلی این است که در آن تبصره

[ماده (۳۹)] باید ایراد می‌گرفتیم. آن ایراد باید رأی می‌آورد که

رأی نیاورد.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خب، حالا این مشکل در این

تبصره روشن‌تر می‌شود.

آقای سوادکوهی - این ایراد را مجدداً رأی بگیرید.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد در ماده (۴۵) که می‌آید

روشن‌تر می‌شود.

منشی جلسه - «ماده ۴۶- نقل و انتقال متهمان و محکومان

دادسرا و دادگاه‌های نظامی به عهده دژبان یگان‌های نیروهای

مسلح ذی‌ربط است و در صورتی که یگان مربوط در محل، دژبان

نداشته باشد، توسط نیروی انتظامی صورت می‌گیرد؛ مگر اینکه

مرجع قضایی دستور خاصی صادر نماید که در این صورت برابر

دستور انجام می‌شود. در هر صورت هزینه نقل و انتقال به عهده

یگان بدرقه‌کننده است.»

آقای مدرسی یزدی - اگر شما واقعاً می‌گویید که تبصره‌ی ماده

(۴۵) اشکال دارد، باید بگویید این ماده هم اشکال دارد.

منشی جلسه - «ماده ۴۷- یگان‌های نظامی و انتظامی مکلفند

گزارش فرار کارکنان وظیفه تحت امر خود را بلافاصله به حوزه

وظیفه عمومی اعزام‌کننده، دژبان مربوط و فرماندهی انتظامی محل

سکونت افراد مزبور اعلام نمایند.

تبصره- مأموران انتظامی و دژبان نظامی مربوط موظفند کارکنان

وظیفه فراری موضوع این ماده را پس از شناسایی، برابر مقررات

دستگیر و به دادسرای نظامی محل دستگیری تحویل دهند.

جنبه‌ی نظامی یا محرمانه دارد] می‌رسد، اصلاً اجازه نمی‌دهند

که دادگستری هیچ دخالتی نکند.

آقای سلیمی - این تبصره، با اختیارات عمومی که در قانون

اساسی برای بررسی امور پرونده‌ها به قضات داده شده است،

تنافی دارد.

آقای ابراهیمیان - ارجاع به غیرضابطین یعنی چه؟

آقای سلیمی - یعنی ارجاع به غیر این ضابطینی که ما ذکر

کردیم.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی فقط به ضابطین زیر نظر

دادستان نظامی ارجاع شود.

آقای ابراهیمیان - اصلاً معنی ضابط همین است دیگر. قانون

می‌گوید این افراد ضابطند.

آقای سلیمی - نه، این مصوبه ضابط نظامی ایجاد کرد. می‌گوید

شما [= مراجع عمومی دادگستری] باید به همین افرادی که ما

می‌گوییم و ضابط نظامی هستند، ارجاع بدهید.

آقای مدرسی یزدی - این تبصره با کجای قانون اساسی مغایر

است؟ این موضوع، مهم است. اینکه من این مصوبه را

نمی‌پسندم یک حرف دیگری است. اگر آقای شاهرودی در

عمل به مشکل برخورد کرده‌اند، یک حرف دیگری است.

آقای هاشمی شاهرودی - این موضوع، خلاف قانون اساسی

است. خلاف اصولی است که مربوط به دادگاه‌ها است. وقتی

قانون اساسی می‌گوید رسیدگی به تمام جرائم غیر نظامی

مربوط به دادگاه است، یعنی همه چیزش مربوط به دادگاه

است، نه اینکه فقط حکم حاکمش مربوط به دادگاه باشد.

آقای مدرسی یزدی - قانون ضابط را تعیین می‌کند.

آقای علیزاده - یعنی اگر خود دادستان عمومی هم خواست،

باید بتواند تصمیم را اجرا کند. رئیس ضابط در عدلیه، دادستان

است. خود دادستان باید بتواند بدون ارجاع به این ضابطین

نظامی عمل نکند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای مدرسی یزدی - به چه دلیل این را می‌گویید؟ اگر قانون

گفته باشد می‌تواند. قانون می‌گوید تصمیمات قضایی از این

طریق اجرا شود. حالا ممکن است دادستان دلش بخواهد

بگوید که بچه‌های محله‌اش متهم را بگیرند، این‌طور که

نمی‌شود!

آقای ابراهیمیان - اگر به این تبصره‌ی قبلی [= تبصره (۳) ماده

(۳۹)] ایراد گرفتیم، آن ایراد که رفع بشود خودبه‌خود مشکل

ماده ۴۸- سایر وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های ضابطان نظامی در محدوده صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های نظامی به شرحی است که برای ضابطان دادگستری مقرر شده است.

ماده ۴۹- قضات سازمان قضایی می‌توانند در یگان‌های نظامی و انتظامی با اطلاع فرمانده یگان یا رئیس یا مسئول قسمت مربوط، تحقیقات و اقدامات لازم را درباره جرائمی که در صلاحیت آنان است خود یا از طریق ضابطان نظامی انجام دهند. مسئولان و فرماندهان نظامی و انتظامی در این رابطه مکلف به همکاری می‌باشند.

آقای جنتی - نظر مجمع مشورتی فقهی را در خصوص ماده (۴۹) بخوانید. مجمع مشورتی فقهی به این ماده اشکال وارد کرده است.

منشی جلسه - ایراد مجمع، این است: «اطلاق لزوم اطلاع دادن به فرمانده یگان یا رئیس یا مسئول قسمت مربوطه از جهت شمول نسبت به مواردی که فرمانده یا رئیس یا مسئول مربوطه خود شخصاً دخیل بوده و یا اطلاع دادن موجب لوث شدن قضیه می‌گردد خلاف مسائل امنیتی بوده و خلاف شرع می‌باشد.»^۱

آقای ره‌پیک - خب، این ماده شامل آن فرض نمی‌شود؛ از آن فرض انصراف دارد.

آقای سلیمی - می‌گوید این مسئله را به مسئول بالاتر از آن متهم خبر می‌دهند، نه به آن کسی که متهم است.

آقای ره‌پیک - بله، به خود آن کسی که متهم است نمی‌گویند.

منشی جلسه - «مبحث دوم- کارشناسی

ماده ۵۰- در مواردی که رسیدگی به امری از نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به کارشناسی داشته باشد، مرجع رسیدگی‌کننده از کارشناس یا هیئت کارشناسی کسب نظر می‌نماید.

تبصره ۱- در مواردی که موضوع کارشناسی از امور نظامی باشد یا به تشخیص مرجع قضایی، اظهار نظر کارشناسان نیروهای مسلح ضروری باشد، نیروهای مسلح مکلفند نسبت به تأمین کارشناسان مورد نیاز و پرداخت هزینه کارشناسی اقدام نمایند.

تبصره ۲- نحوه تعیین کارشناس، تعداد و ترکیب هیئت‌های کارشناسی، پرداخت هزینه و سایر مقررات مربوط، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی

تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

آقای ره‌پیک - این ماده چند تا اشکال و ابهام دارد. اصل ماده در مورد کارشناسی در امور مختلف است: علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات. این ماده همه‌ی انواع کارشناسی را شامل می‌شود. اما تبصره (۱) در مورد کارشناسی در امور نظامی است. بعد، در تبصره (۲) آمده است و گفته است کلاً در همه‌ی کارشناسی‌ها، ضوابط کارشناسی به موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط ستاد کل نیروهای مسلح تهیه می‌شود. خب، همه‌ی این کارشناسی‌ها چه ربطی به ستاد کل دارد؟ نحوه‌ی تعیین کارشناس، تعداد و سایر مقررات مربوط به کارشناسان که ضوابط کارشناسی را تشکیل می‌دهد، چرا به عهده‌ی ستاد کل گذاشته شده است؟

آقای علیزاده - این آیین‌نامه مربوط به امر قضا است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، می‌گوید به موجب آیین‌نامه‌ای است که آن آیین‌نامه از طرف ستاد کل با امضای فرماندهی کل قوا تصویب می‌شود. این تبصره (۲) خوب است. چه اشکالی دارد؟ در اینجا کارشناس می‌خواهد در امور قضایی کارشناسی کند.

آقای ره‌پیک - نه، این ماده گفته است که کارشناسی در همه‌ی امور مانند علمی، فنی و غیره.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده مربوط به کارشناسی در امور نظامی است.

آقای ره‌پیک - ایرادی نسبت به تصویب آیین‌نامه در امور نظامی نیست. این کار دادگستری است. این کار قوه‌ی قضائیه است. اما کارشناسی در امور علمی و غیره به ستاد کل ربطی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا عیبی ندارد.

آقای مدرس‌یزدی - به هر حال، وقتی آیین‌نامه به تصویب فرماندهی کل قوا رسید، همه‌ی این ایرادات حل می‌شود.

آقای ره‌پیک - فرماندهی کل قوا؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ره‌پیک - آخر شما می‌خواهید تصویب آیین‌نامه‌ی کارشناسی را به فرماندهی کل قوا بدهید؟

آقای هاشمی شاهرودی - آیین‌نامه‌ی کارشناسی می‌تواند نزد فرماندهی کل قوا برود و ایشان تصویب کند، چه عیبی دارد؟ فرماندهی کل قوا آیین‌نامه‌اش را تصویب کند.

آقای ره‌پیک - آخر برای چه آیین‌نامه‌ی کارشناسی پیش فرماندهی کل قوا برود؟!

۱. نظر کارشناسی (تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/2lgT3

آقای هاشمی شاهرودی - آیین‌نامه‌ی کارشناسی، نه اشخاص کارشناس.

آقای رهپیک - می‌دانم؛ یعنی می‌فرمایید فرماندهی کل قوا آیین‌نامه کارشناسی در مورد مسائل علمی، تصادفات و غیره را تصویب کند؟!

آقای هاشمی شاهرودی - عیبی ندارد؛ خب چه اشکالی دارد؟ گفته‌اند که مرجع بالاتر یک آیین‌نامه‌ای را تصویب کند. دست بالا را گرفته‌اند.

آقای علیزاده - تعیین کردن وظیفه برای فرماندهی کل قوا در اموری که مربوط به امور نظامی نیست، اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - فرماندهی کل قوا آیین‌نامه‌ی مربوط به کارشناسی را تصویب می‌کند.

آقای رهپیک - نه، اینها یک اشتباهی کرده‌اند. اشتباهشان این بوده است که موضوع تبصره (۲) مربوط به تبصره (۱) بوده است؛ چون تبصره (۱) مربوط به کارشناسی در امور نظامی است که آیین‌نامه‌اش باید به تصویب فرماندهی کل قوا برسد، ولی اشتباهاً این موضوع را به عنوان تبصره (۲) ماده (۵۰) آورده‌اند.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - عیبی ندارد.

آقای رهپیک - خب، آن کار دادگستری است؛ کارشناسی در امور تصادفات، آزمایشگاه، فنی و غیره کار دادگستری است. این مسائل به فرماندهی کل قوا ارتباطی ندارد.

آقای سوادکوهی - [تصویب آیین‌نامه در امور کارشناسی] زیر نظر رئیس قوه قضائیه است.

آقای ابراهیمیان - این تبصره، اشکال دارد.

آقای یزدی - مجمع مشورتی حقوقی عبارتی را نوشته است و گفته است که مجلس باید این تبصره را درست کند: «تبصره (۲) این ماده به دلیل اینکه «سایر مقررات» مربوط به کارشناسی را به صورت مطلق به آیین‌نامه محول نموده است و بسیاری از ضوابط مربوط به این موارد نظیر تعداد اعضا، هیئت کارشناسی، نحوه تجدیدنظر و اخذ تصمیم و ... دارای ماهیت تقنینی می‌باشند، و هم اکنون در قوانین مربوط آمده است، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است.»^۱

آقای ابراهیمیان - درست است؛ این اشکال وارد است.

آقای علیزاده - بله، این تبصره اشکال دارد. ما می‌گوییم عبارت «سایر مقررات مربوط» مبهم است؛ روشن بکنید که منظور چیست؟ اول این ایراد را رأی بگیریم.

آقای رهپیک - این تبصره، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است. **آقای یزدی -** بله، من هم موافقم.

آقای هاشمی شاهرودی - این ابهام عبارت «سایر مقررات» درست است، اما بقیه‌ی عبارت اشکالی ندارد.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا [شاهرودی]، بعضی از این موارد، ماهیت تقنین دارد.

آقای رهپیک - حاج آقا [شاهرودی]، اشکال دارد. می‌گوید ستاد کل نیروهای مسلح، آیین‌نامه‌ی همه‌ی موارد کارشناسی را با همکاری سازمان قضایی تهیه کند و آن آیین‌نامه به تصویب فرماندهی کل قوا برسد.

آقای هاشمی شاهرودی - چه عیبی دارد؟ فرماندهی کل قوا آیین‌نامه‌اش را تصویب کند؟

آقای جنتی - به این تبصره ابهام بگیرید؛ مشکل شما را حل می‌کند.

آقای علیزاده - بعضی کارشناسی‌ها مربوط به امور نظامی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، اگر ستاد کل خواست تصمیمات الزامی را تصویب کند، [آنها را در آیین‌نامه می‌آورد].

آقای یزدی - محول کردن برخی مسائل به آیین‌نامه درست نیست؛ چون برخی از اینها ماهیت تقنینی دارد.

آقای علیزاده - این تبصره، خلاف اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ ستاد کل در این رابطه چه وظیفه‌ای دارد؟!

آقای ابراهیمیان - مفاد این حکم، ترکیب بین همه‌ی امور است؛ حتی تصویب آیین‌نامه توسط ستاد کل در امور نظامی هم اشکال دارد.

آقای رهپیک - نه، اگر از امور نظامی باشد، مربوط به نیروی مسلح است.

آقای علیزاده - اگر می‌خواهید، این‌طور بنویسیم: «تعیین تکلیف برای مقام معظم رهبری نسبت به مواردی که به غیر امور نظامی مربوط می‌شود، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است.»

آقای مدرسی یزدی - نه، این تبصره «تعیین تکلیف» نیست ...

آقای علیزاده - چرا دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، الزام به تصویب توسط فرماندهی کل قوا نیست. اگر فرماندهی کل قوا تصویب کند،

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۱، ص ۵، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/7ZKnI

آقای مدرس یزدی - حالا مگر چه می‌شود؟

آقای ره‌پیک - خب، این درست نیست.

آقای مدرس یزدی - نگفته است که فرماندهی کل قوا باید آیین‌نامه را تصویب کند.

آقای ره‌پیک - حکم این تبصره به نحو باید است؛ گفته است این آیین‌نامه به تصویب خواهد رسید. معنی‌اش همین است.

آقای علیزاده - عبارت، انشایی است.

آقای ره‌پیک - بله، انشایی است. اصلاً این حکم، درست نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای مدرس یزدی - من قبول دارم که مجلس بدسلیقه عمل کرده است؛ ولی شاید با آن ابهامی که گرفتیم مشکل را برطرف کند.

آقای ره‌پیک - شما همین اشکال را بگیرید؛ بگذارید که مجلس این ایراد را درست کند.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم شمول تبصره نسبت به تعیین تکلیف در موارد غیر نظامی، اشکال دارد. آقایانی که این ایراد را قبول دارند، رأی بدهند. هفت تا رأی شد.

آقای جنتی - این که فرماندهی کل قوا را وارد این قضیه کرده‌اند، اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - بله، ایراد گرفتیم. این ایراد، رأی آورد. اگر شما هم به این مسئله ایراد دارید، هشت تا رأی می‌شود.^۱

منشی جلسه - «مبحث سوم - احضار

ماده ۵۱ - احضار متهمان نظامی و متهمان وزارت اطلاعات از طریق فرمانده یا مسئول مافوق انجام می‌گیرد، اما در موارد ضروری یا در صورتی که به متهم در یگان مربوطه دسترسی نباشد، احضار از محل اقامت صورت می‌گیرد و مراتب به اطلاع فرمانده یا مسئول مافوق می‌رسد.

تبصره ۱ - نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح بر اساس دستورالعملی است که به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

تبصره ۲ - ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ در محل اقامت، بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود.»

آیین‌نامه لازم‌الاجرا است؛ یعنی اجرای این آیین‌نامه مشروط به تصویب ایشان است، نه اینکه برای ایشان الزام به تصویب باشد.

آقای علیزاده - اگر ایشان آیین‌نامه را تصویب نکنند، چه کار بکنند؟

آقای هاشمی شاهرودی - هیچ.

آقای علیزاده - دادستانی تعطیل بماند!

آقای مدرس یزدی - نخیر، خود آقا [= مقام معظم رهبری] می‌فرمایند چه کاری انجام دهند.

آقای علیزاده - نه، همین دیگر. شما بفرمایید این طرف حکم این تبصره اشکال دارد یا آن طرفش؟

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، الزام فرماندهی کل قوا به تصویب آیین‌نامه نیست.

آقای ره‌پیک - اصلاً این تبصره، یک اشکال‌های عمومی هم دارد؛ مثلاً در مورد پرداخت هزینه‌ی کارشناسی باید بروند و آیین‌نامه را به آقا بدهند که ایشان آیین‌نامه بنویسد! ما به این مسئله ایراد می‌گیریم. ما باید به این موارد ایراد بگیریم.

آقای مدرس یزدی - اشکال قانون اساسی که ندارد؛ این یک بدسلیفگی است. فوقش ما باید به این عبارت «سایر مقررات مربوط» ابهام بگیریم. بعد، می‌توانند آن را اصلاح کنند.

آقای علیزاده - نه، نباید ابهام بگیریم.

آقای سلیمی - [اگر به این ماده، ایراد نگیرید] فردا هر طوری که خواستند انجام می‌دهند.

آقای علیزاده - یک نظامی در اثر انجام وظیفه، زده است و پای من را شکسته است؛ اینجا نیاز به کارشناسی پزشکی قانونی است. این مسئله که نظامی نیست. این فرد می‌خواهد به پزشکی قانونی برود و آن آقای کارشناس در خصوص این موضوع، تعیین تکلیف بکند.

آقای جنتی - این ایراد را که رأی گرفتید و تمام شد، دیگر چه کار می‌خواهید بکنید؟

آقای ره‌پیک - نه، این قسمت دوم تبصره، مهم است.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، دو تا اشکال دارد.

آقای مدرس یزدی - حالا که چنین چیزی را گفته‌اند، چه اشکالی پیدا شده است؟

آقای سوادکوهی - خب این مسئله سبک می‌شود دیگر.

آقای ره‌پیک - معنای این عبارت این است که مجلس می‌گوید فرماندهی کل قوا در مورد هزینه‌ی کارشناسی و غیره آیین‌نامه بنویسد.

۱. بند (۱۴) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۴ - در تبصره (۲) ماده (۵۰)، عبارت «سایر مقررات مربوط» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین شمول تبصره نسبت به تعیین تکلیف در موارد غیر نظامی، اشکال دارد.»

می‌شود؛ چون این تبصره به طور کلی دارد می‌گوید که رسیدگی به جرائم متهمان وزارت اطلاعات هم [در صلاحیت سازمان قضایی] است.

آقای شب‌زنده‌دار - [این تبصره، حکمش را به] دو قسمت تقسیم کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - طبق ایرادی که آنجا [= در موضوع صلاحیت‌های سازمان قضایی] گرفتیم، این تبصره هم اشکال دارد. **آقای ره‌پیک** - نه، فرض کنید اگر مجلس آمد و اشکال قانون اساسی ما در آنجا [= ماده (۲۸)] را به این شکل حل کرد که آن موارد [= صلاحیت‌های اضافی و گذارنده به سازمان قضایی، مذکور در ماده (۲۸)] را حذف کرد و گفت بقیه‌ی موارد با مجوز مقام رهبری درست است، مفاد این ماده به این شکلی که آمده است، اشکال دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - اصلاً ذکر آن به این صورت هم اشکال دارد. **آقای علیزاده** - نه، اگر در آنجا بگوید رسیدگی به جرائمی که با مجوز مقام معظم رهبری در صلاحیت سازمان قضایی قرار گرفته است، اشکالی ندارد و ایراد ما رفع می‌شود.

آقای سلیمی - این ماده می‌گوید اگر دادگاه انقلاب، دادگستری یا سایر مراجع قضایی بخواهند که یک فردی را از وزارت اطلاعات جلب کنند، باید با اجازه‌ی مقام مافوقش باشد، این اشکالی دارد؟

آقای ره‌پیک - ذکر «متهمان وزارت اطلاعات» در اینجا یعنی چه؟ یعنی فرض کرده است که سازمان قضایی، صلاحیت رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات را دارد. معنای این عبارت، این است.

آقای سلیمی - اصلاً این بحث [= گستره‌ی صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح] را کنار بگذاریم؛ آیا این ماده به صورت کلی اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - نه، اشکالی ندارد. اگر مجلس بگوید که احضاریه‌ی متهم را از طریق مقام مافوق برای او بفرستند، چه اشکالی دارد؟

آقای ره‌پیک - نه، موضوع مورد اشکال در این ماده، جلب «متهمان وزارت اطلاعات» است.

آقای مدرسی یزدی - اگر [این ماده، اعم از] مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد، اشکال دارد؛ ولی اگر اعم نباشد اشکالی ندارد.

آقای ره‌پیک - [جواز رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره (۱) الزام تصویب فرماندهی کل قوا است. آن اشکال الزام را به این تبصره بگیری؛ چون معنای این مصوبه این است که فرماندهی کل قوا ملزم به تصویب این دستورالعمل است.

آقای جنتی - این هم اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - این را تصویب کرده‌اند. در نامه‌ای که ستاد کل و سازمان قضایی نوشته‌اند، گفته‌اند حضرت آقا [= مقام معظم رهبری] مفاد این تبصره را در سال ۱۳۷۱ در قالب یک دستورالعمل تأیید کرده‌اند، منتها قضات از آن مطلع نیستند. بنابراین از مجلس خواسته‌اند و از ما هم خواسته‌اند که این دستورالعمل در قانون بیاید. این دستورالعمل (۱۵) سال است که دارد اجرا می‌شود. البته یک اشکالی در اصل ماده وجود دارد، از این جهت که متهمان وزارت اطلاعات را هم در اینجا آورده است. رفع این اشکال، مبتنی بر تصویب اصل صلاحیت سازمان قضایی در خصوص کارکنان وزارت اطلاعات است.

آقای سلیمی - بله، عیبی ندارد؛ چون باید اصل صلاحیت سازمان قضایی در این زمینه روشن شود.

آقای علیزاده - این ماده در خصوص آن مواردی که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، اشکالی ندارد. اگر آن صلاحیت‌ها درست بشود، این تبصره هم درست است. ما به این موضوع در آنجا [= ماده (۲۸)] که در مورد صلاحیت سازمان قضایی بود] ایراد گرفتیم. ضمن اینکه این مصوبه در خصوص آن افرادی که نظامی هستند و در وزارت اطلاعات مشغول کار هستند، چنانچه جرم مربوط به وظایف نظامی مرتکب شوند، ایرادی ندارد.

آقای ره‌پیک - بله.

آقای اسماعیلی - عیبی ندارد.

آقای ره‌پیک - بر فرض آن اجازه [از مقام معظم رهبری]، این تبصره درست است.

آقای علیزاده - ما چون به اصل صلاحیت سازمان قضایی در خصوص رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات ایراد گرفتیم، این تبصره اشکال ندارد؛ چون بعد از تعیین تکلیف راجع به آن ایراد، مواردی در اینجا باقی می‌ماند که بعد از اجازه باقی است.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است.

آقای ره‌پیک - قاعده‌اش این بود که این تبصره، ایراد داشته باشد و تنها با اخذ مجوز از مقام معظم رهبری، ایرادش درست

آن او را احضار بکنیم، اگر نتوانستیم او را از طریق عادی پیدا کنیم، عیبی ندارد که از طریق روزنامه احضاریه بفرستیم؟ اگر آن مسئول مافوق گفت که عیبی ندارد، احضاریه را به روزنامه بدهیم؛ ولی اگر گفت عیب دارد، نه، این کار انجام نمی‌شود. به نظر من این کار درستی است که فرماندهی مافوق نسبت به درجه‌ی جرم نظر می‌دهد. قاضی از مسئول مافوق می‌پرسد که اعلام احضاریه در روزنامه ایراد دارد؟ مسئول مافوق یا می‌گوید عیبی ندارد این متهمی که نتوانسته‌اید او را از طریق عادی پیدا کنید و احضار کنید، از طریق روزنامه احضارش کنید، یا ممکن است مسئول مافوق بگوید نه، نباید احضاریه‌ی او را در روزنامه اعلام بکنید. این ماده، اشکالی ندارد.

آقای ره‌پیک - قرینه‌ی ماده (۵۳) در ماده (۵۲) آمده است. این ماده (۵۳) را بخوانید تا من توضیحش را بدهم.

منشی جلسه - «ماده ۵۳- در صورتی که به تشخیص قاضی پرونده به لحاظ مصالح نیروهای مسلح، حیثیت اجتماعی متهم، عفت و یا امنیت عمومی، ذکر درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور در احضارنامه و یا روزنامه به مصلحت نباشد، درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور ذکر نمی‌شود.»

آقای ره‌پیک - معنای این ماده این است که در ماده (۵۲) اصل بر این است که این مسائل را در احضاریه ذکر کنند؛ یعنی هم اتهام، هم درجه‌ی اتهام، هم موضوع اتهام و هم نتیجه‌ی عدم حضور را ذکر می‌کنند. حالا آیا صحیح است کسی که متهم است و هنوز چیزی علیه او اثبات نشده است، هم موضوع اتهامش، هم درجه‌ی آن و همه‌ی این مسائل را در روزنامه‌ی کثیرالانتشار بزنیم؟

آقای هاشمی شاهرودی - مگر اینکه درج این موارد خلاف مصلحت باشد.

آقای ره‌پیک - خوب، اصل بر این است که همه‌ی این موارد را در روزنامه بزنند.

آقای هاشمی شاهرودی - آن مسائل را استثنا کرده است؛ با همین ماده (۵۳) استثنا کرده است.

آقای ره‌پیک - آن فرد، متهم است، [نه مجرم].

آقای هاشمی شاهرودی - هر جایی که خلاف مصلحت باشد، نباید در روزنامه درج شود.

آقای ره‌پیک - باید بر عکس بگویند؛ باید بگویند اصل بر این است که فقط متهم را احضار می‌کنند تا بیاید و توضیح بدهد.

آقای سلیمی - بحث این ماده در جایی است که متهم را پیدا نکرده‌اند و می‌خواهند احضاریه را به او ابلاغ کنند.

اطلاعات در سازمان قضایی] مربوط به مصوبه‌ی مجمع تشخیص نبوده است؛ بر اساس مجوز آقا [= مقام معظم رهبری] بوده است.

آقای مدرس‌ی بزدی - یا مجوز آقا باشد؛ چه فرقی دارد؟

آقای علیزاده - آقا فرموده‌اند به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در سازمان قضایی رسیدگی بشود. آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح نحوه‌ی رسیدگی را تعیین می‌کند. ما در مورد چه چیزی از این مسائل تصمیم می‌گیریم؟

منشی جلسه - «ماده ۵۲- هرگاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و این امر به طریق دیگری هم مقدور نباشد با موافقت رئیس سازمان قضایی استان یا معاون وی، متهم یک نوبت به وسیله یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری یا محلی و با درج مهلت یک ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می‌شود. چنانچه متهم پس از انقضای مهلت مقرر حضور نیابد، رسیدگی طبق مقررات ادامه می‌یابد.

تبصره- در جرم فرار از خدمت، ابلاغ احضاریه به آخرین نشانی محل اقامت متهم که در پرونده کارگزینی وی موجود است، ابلاغ قانونی محسوب می‌شود و رسیدگی بر طبق مقررات و بدون رعایت تشریفات نشر آگهی ادامه می‌یابد.»

آقای سلیمی - خوب بود این نکته را قید می‌کردند که در اینجا متهم نظامی، مراد است.

آقای ره‌پیک - بله خوب، آن که معلوم است. مقصود، متهم نظامی است؛ چون موضوع در خصوص رسیدگی در سازمان قضایی است.

آقای علیزاده - منظور، موارد صلاحیت سازمان قضایی است؛ یقیناً غیر موارد صلاحیت که مقصود نیست؛ منتها من یک ایراد دیگری دارم.

آقای ره‌پیک - ما هم یک ایراد داریم.

آقای علیزاده - منوط کردن ابلاغ احضاریه به موافقت رئیس سازمان قضایی، وقتی قاضی پرونده ضروری می‌داند که احضاریه بفرستد، اشکال دارد.

آقای سلیمی - می‌خواهد در روزنامه آگهی کند.

آقای علیزاده - خوب، آگهی کند.

آقای بزدی - احضاریه را در روزنامه آوردن، در حقیقت آبروی طرف را در معرض عموم گذاشتن است.

آقای سلیمی - تحقیر است دیگر.

آقای بزدی - این ماده می‌گوید از مافوق پرس که آیا این جرمه‌ای که الآن برای این متهم هست و می‌خواهیم به خاطر

آقای هاشمی شاهرودی - [تفہیم این موارد] بعد از ابلاغ است.

آقای رہپیک - خیلی خوب، می‌دانم؛ می‌خواهند ابلاغ را در روزنامه بزنند و او را صدا کنند و بگویند بیا و پاسخ بده.

آقای یزدی - وقتی به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم

ابلاغ احضاریه ممکن نباشد و این امر به طریق دیگری هم

مقدور نباشد، آن موقع این بحث‌ها مطرح می‌شود.

آقای رہپیک - خیلی خوب، مثلاً در روزنامه‌ی کثیرالانتشار

می‌زنند که شما به جرم جاسوسی، کلاهبرداری یا هر چه که

عنوان اتهامی باشد متهم هستید!

آقای هاشمی شاهرودی - [این قضیه، در عمل] بر عکس است؛

یعنی همیشه در نیروی انتظامی ابلاغیه را به این شکل صادر

نمی‌کنند و می‌گویند خلاف مصلحت است. شما این طرف

قضیه را هم در نظر بگیرید.

آقای رہپیک - این قانون است؛ الآن قانون دارد این را می‌گوید.

آقای مدرس یزدی - این ماده (۵۳) می‌گوید اگر ذکر این امور

بر خلاف حیثیت اجتماعی متهم باشد، این امور ذکر نمی‌شود.

هر اقدامی می‌تواند خلاف حیثیت اجتماعی باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای رہپیک - نه دیگر، این استثنا شده است. پس همه‌ی موارد

را قاعدتاً در ابلاغیه می‌نویسند.

آقای هاشمی شاهرودی - این امر در عمل بر عکس است؛

یعنی هیچ کدام از این موارد را در ابلاغیه ذکر نمی‌کنند؛ لذا

چون در عمل بر عکس است [این ماده را به این صورت

تصویب کرده‌اند]. شما خبر ندارید.

آقای رہپیک - این امور را در ابلاغیه ذکر می‌کنند. همین الآن

هم قانون همین‌طور است؛ در قانون آیین دادرسی کیفری

عمومی هم همین‌طور آمده است.^۱

آقای علیزاده - [تبصره ماده (۱۷۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴]:^۲ «تبصره - در جرائمی که به تشخیص

۲. ماده (۱۷۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون

قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۷۴ - هرگاه ابلاغ

احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات

برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر

نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه‌های

کثیرالانتشار ملی یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک ماه از تاریخ

نشر آگهی، احضار می‌شود. در این صورت، بازپرس پس از انقضای

مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند.»

۱. ماده (۱۷۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون

قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۷۴ - هرگاه ابلاغ

احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات

برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر

نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه‌های

کثیرالانتشار ملی یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک ماه از تاریخ

نشر آگهی، احضار می‌شود. در این صورت، بازپرس پس از انقضای

مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند.

تبصره - در جرائمی که به تشخیص بازپرس، حیثیت اجتماعی متهم،

عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، عنوان اتهام در آگهی موضوع این ماده

ذکر نمی‌شود.»

د- فرار به سوی دشمن

ذ- فرار با تباری یا توطئه

ر- سرقت سلاح و مهمات و وسایل نظامی در هنگام اردو کشتی یا مأموریت آماده‌باش یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی در صورت اختلال در مأموریت یگان و یا حمل سلاح ظاهر یا مخفی توسط یک یا چند نفر از مرتکبان در حین سرقت
ز- تخریب، آتش‌زدن، از بین بردن و اتلاف عمدی تأسیسات، ساختمان‌ها، استحکامات نظامی، کشتی، هواپیما و امثال آنها، انبارها، راه‌ها، وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی، مراکز نگهداری اسناد طبقه‌بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح، وسایل دفاعی، تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی، مهمات و مواد منفجره اعم از اینکه مرتکب شخصاً اقدام نماید یا دیگری را وادار به آن کند.

تبصره- در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس باشد، مدت بازداشت موقت نباید از حداقل مجازات قانونی آن جرم تجاوز کند.

آقای ره‌پیک - این مسائل، [از جهت مغایرت با موازین شرعی] بحثی ندارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره حکم این ماده، در مورد بازداشت موقت در زمان جنگ است.

آقای علیزاده - آقایان، قبلاً در آیین دادرسی کیفری مفاد تبصره‌ی این ماده را پذیرفته‌اند؛^۲ چون اصل بر این است که

بازپرس، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، عنوان اتهام در آگهی موضوع این ماده ذکر نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره هم عین همان تبصره است.

آقای ره‌پیک - این هم مثل همان است.

آقای هاشمی شاهرودی - ما به این مواد از قانون آیین دادرسی کیفری اشکالی نگرفتیم؛ به این ماده هم نباید اشکالی بگیریم.

آقای علیزاده - آقایان می‌فرمایند که این ماده (۵۲) و (۵۳) اشکال شرعی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، اشکال شرعی ندارد.

منشی جلسه - «مبحث چهارم- قرار بازداشت موقت

ماده ۵۴- در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است:

الف- جرائم موجب مجازات محارب یا مفسد فی الارض

ب- جرائم عمدی علیه امنیت داخلی و خارجی موجب مجازات تعزیری درجه پنج و بالاتر

پ- شورش مسلحانه

ت- لغو دستور حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان یا در ناحیه‌ای با شرایط جنگی و یا محدودیت‌های ضروری اعلام‌شده

ث- ایراد ضرب و یا جرح عمدی با سلاح، نسبت به مافوق

ج- قتل عمدی

چ- فرار از جبهه

ح- فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، شرار و قاچاقچیان مسلح

خ- ...»

آقای سلیمی - «شرار»، همان «اشرار» است.

منشی جلسه - تذکر بدیهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - کلمه‌ی «شرار» در عربی درست است؛ ولی در فارسی متعارف نیست.

آقای ره‌پیک - مقصود، «اشرار» است.^۱

منشی جلسه - «... خ- فرار همراه با سلاح گرم یا توسط هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسایل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح جنگی

۲. ماده (۲۴۸) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۴۲- هرگاه در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرائم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می‌شود. متهم می‌تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می‌شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف، یا ابقای بازداشت موقت، باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دو ماه یا هر یک ماه اعمال می‌شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات، مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی‌کند.»

۱. بند (۲) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲- در بند (ح) ماده (۵۴)، واژه «شرار» باید به واژه «اشرار» اصلاح گردد.»

گرم یا توسط هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و غیره؟
اصلاً این بند یعنی چه؟

آقای مدرس یزدی - ابهامش چیست؟ یعنی مثلاً یک مأمور نظامی رفته است که کاری را انجام بدهد، ولی فرار می‌کند و سلاحش را هم برمی‌دارد و با خود می‌برد.

آقای رهپیک - فرار همراه با سلاح گرم یا توسط هواپیما [یعنی چه؟]

آقای هاشمی شاهرودی - مقصودش این است که مثلاً با هواپیمای نظامی فرار کند یا با بالگرد یا کشتی و ناوچه و وسایل موتوری فرار کند.

آقای رهپیک - نگفته است «هواپیمای نظامی».

آقای علیزاده - مثلاً آقایی که به جبهه رفته است و به او تفنگی داده‌اند و گفته‌اند برو بجنگ، حالا اگر با آن تفنگش فرار کرد و رفت، این ماده می‌گوید این فرد، باید بازداشت شود. یک‌وقتی هم این آقا سوار هواپیما شده و با هواپیما فرار کرده است [در این صورت هم، این فرد باید طبق این ماده بازداشت شود].

آقای سلیمی - یک‌وقتی هست که فرد نظامی، بدون اسلحه فرار می‌کند، [آن بحث دیگری است].

آقای رهپیک - عبارت را ببینید. این کلمه‌ی «یا» که آمده است چیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - نه، مقصود این ماده، صرف سوار هواپیما شدن نیست، بلکه مقصودش این است که با هواپیمای نظامی فرار کرده است.

آقای مدرس یزدی - گفته است همراه با سلاح یا همراه با هواپیما فرار کرده است.

آقای رهپیک - اینکه همراه با سلاح یا همراه با هواپیما [فرار کرده است، یعنی چه؟]

آقای ابراهیمیان - یعنی توسط هواپیما فرار کرده است.

آقای علیزاده - با هواپیما فرار کرده است، نه اینکه توسط هواپیما فرار کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا دیگر؛ یعنی توسط هواپیمای نظامی فرار کرده است. یعنی حتی اگر سلاح هم نداشته باشد و هواپیمای نظامی را بردارد و فرار کند، [مشمول این حکم این ماده است].

آقای سلیمی - گاهی ممکن است فرد نظامی، به صورت انفرادی خودش فرار کند، گاهی هم ممکن است که این‌طور نباشد. بالاخره موارد آن فرق می‌کند. این بند از ماده می‌خواسته

بیش از مجازات قانونی، کسی را مجازات نکنند؛ نه اینکه متهم را آزاد بکنند و یک قرار دیگری برای آن متهم صادر کنند.

آقای یزدی - یعنی بازداشت موقت بیشتر از اصل حکم مجازات نباشد.

آقای رهپیک - یعنی در واقع این عنوانین، عناوینی است که در صلاحیت دادگاه نظامی است. خب، الآن در این ماده، ارتکاب برخی از جرائم را مستلزم بازداشت موقت دانسته است که معنایش این است که رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه نظامی است. شما به ذکر عناوین مجرمانه‌ای همچون قتل عمد و مانند اینها اشکال نمی‌گیرید؟

آقای هاشمی شاهرودی - آن بحث [= بحث صلاحیت دادگاه نظامی،] آنجا [= در ماده (۲۸)] انجام شد.

آقای رهپیک - مصادیق آن بحثی که در آنجا انجام شد، در این ماده آمده است.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خب، اشکالی ندارد؛ چون در این مصوبه صلاحیت سازمان قضایی را توسعه داده بودند، اینها را هم در اینجا آورده‌اند.

آقای علیزاده - این ماده در مقام تعیین صلاحیت نیست. فرض این است که این کارها در همان مواردی که در صلاحیت سازمان قضایی است، انجام شده است. فرض بکنید در حین جنگ بی‌جهت به یک کسی بزنند و او را بکشند. این ماده می‌گوید این فرد که باید در دادگاه زمان جنگ محاکمه شود، بازداشت هم بشود. یا مثلاً کسی در حال فرار بوده است و این فرد نظامی زده و او را کشته است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اشکال این ماده، همان اشکال سابق [به مواد (۲۲) و (۲۸) در خصوص توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی] است.

آقای رهپیک - در جرائمی مثل فرار از جبهه، اشکالی نیست، ولی اطلاق‌های برخی از عناوین مجرمانه‌ای که در این ماده آمده، مثل قتل عمد، محاربه و غیره ایراد دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد باید در آن ماده حل بشود دیگر. اگر در آنجا حل بشود، در اینجا هم حل می‌شود.

آقای مدرس یزدی - اگر جرم ارتكابی مصداق قتل عمد باشد، سازمان قضایی صلاحیت دارد که به آن جرم رسیدگی بکند.

آقای رهپیک - خیلی خب، اگر می‌فرمایید رفع اشکال با اصلاح آن مواد قبلی حل می‌شود، حرفی نیست. ولی الآن بند (خ) این ماده ابهام دارد؛ معنای این بند چیست؟ فرار همراه با سلاح

است که بین این موارد، تفاوت قائل شود.

آقای رهپیک - یعنی «فرار همراه با سلاح» خودش یک عنوان مستقل است؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آن یک عنوان دیگر است.

آقای مدرسی یزدی - بله، آن هم یک عنوان دیگری است.

آقای سلیمی - یعنی حکم فرار با هواپیما مثل حکم فرار با سلاح می‌ماند؛ مثل حکم فرار با کشتی می‌ماند. تانک که خودش نوعی اسلحه است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای سلیمی - مجلس می‌خواهد برای هر یک از اینها خصوصیت قائل بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - بند (خ) وسایل موتوری جنگی را هم ذکر کرده است.

آقای یزدی - منظور بند (خ) این است که یا ماشین جیب را برمی‌دارد و فرار می‌کند یا هواپیما را برمی‌دارد و می‌رود یا بالگرد را برمی‌دارد و می‌رود یا با سلاح نظامی فرار می‌کند. بالاخره وقتی بخواهد علیه نظام حرکت کند، می‌تواند یکی از این کارها را بکند.

آقای رهپیک - مفاد این بند (خ) در قانون قبلی [= قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح] بوده است، ولی الآن عبارت آن را خراب کرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - عیبی ندارد.

آقای علیزاده - چه بوده است؟

آقای رهپیک - [ماده (۷۱) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ مجلس شورای اسلامی:] «ماده ۷۱- هر نظامی که با سلاح گرم، هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسایل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح مبادرت به فرار نماید، از زمان غیبت، فراری محسوب و چنانچه عمل وی ضربه مؤثر به مأموریت نیروهای مسلح وارد آورد به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.»

آقای یزدی - منظورشان همین است.

آقای علیزاده - منظورشان در بند (خ)، ربایش هواپیما نبوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای رهپیک - نه، منظور، ربایش هواپیما نیست؛ منظور، فرار توسط هواپیما است.

آقای علیزاده - بنابراین باید بگوییم همان را بنویسند.

آقای هاشمی شاهرودی - باید می‌نوشتند «فرار با وسایل نظامی یا

توسط هواپیما» که خیال نشود مقصود، ربایش این وسایل است.

آقای یزدی - بند (ذ) این ماده، «فرار با تپانچه یا توطئه» را به صورت جداگانه ذکر کرده است.

منشی جلسه - «ماده ۵۵- در خصوص قرار بازداشت موقت و سایر قرارهای تأمین که منتهی به بازداشت متهم می‌شود، مرجع قضایی نظامی رسیدگی‌کننده مکلف است مراتب را در اسرع وقت به یگان مربوط اعلام نماید.

تبصره- مفاد این ماده نسبت به سایر موارد سالب آزادی که در اجرای آراء دادگاه‌ها صورت می‌گیرد نیز لازم‌الاجراء است.

مبحث پنجم- مرور زمان

ماده ۵۶- کارکنان فراری نیروهای مسلح تا به طور رسمی خود را برای ادامه خدمت به یگان مربوط معرفی ننمایند، فرار آنان مستمر محسوب می‌شود و مشمول مقررات مرور زمان تعقیب نمی‌شود.»

آقای علیزاده - کلمه‌ی «نمی‌شود»، باید به «می‌شود» تبدیل بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، یعنی فرار آنان مشمول این مقررات نمی‌شود؛ عبارت، درست است.

منشی جلسه - «ماده ۵۷- مقررات مرور زمان تعقیب نسبت به جرم فرار از خدمت کارکنان پایور (کادر) نیروهای مسلح در مواردی که ارتکاب این جرم برابر مقررات استخدامی مربوط، مستلزم اخراج آنان از خدمت باشد، قابل اعمال نیست.»

آقای سلیمی - می‌گوید مقررات مرور زمان تعقیب، قابل اعمال نیست.

آقای رهپیک - یعنی وقتی آن فرد را اخراج می‌کنند، مقررات مرور زمان تعقیب شامل او نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - «مرور زمان» یعنی چه؟ «مرور زمان تعقیب» در این ماده یعنی چه؟ منظور کلی مرور زمان است؟

آقای رهپیک - مرور زمان یک امتیازی است [که به متهم یا مجرم می‌دهند]؛ مثلاً قرار موقوفی تعقیب برای متهم صادر می‌کنند؛ ولی در این فرض گفته شده که، نه این‌طور نیست [و رسیدگی به جرم چنین افرادی مشمول مرور زمان تعقیب نمی‌شود].

آقای هاشمی شاهرودی - مثلاً با گذشت مدت مرور زمان تعقیب، باز هم قاضی نمی‌تواند توقف تعقیب بدهد و مقررات مرور زمان تعقیب برای چنین فردی قابل اعمال نیست.

آقای علیزاده - یعنی اگر شخص نظامی این جرم را مرتکب بشود، مجازات انتظامی پیش‌بینی شده در قانون برای آن شخص که مثلاً اخراج از محل کار است، باعث نمی‌شود که مقررات مرور زمان تعقیب در مورد او اجرا شود.

سازمان قضایی باشند. خب با توجه به اینکه این ماده می‌خواهد در این زمینه محدودیت ایجاد بکند، ضابطه‌ی آن چیست؟
آقای علیزاده - این کار مربوط به جرائم امنیتی است دیگر.
آقای ره‌پیک - چه کسی باید این مسئله را بگوید؟
آقای اسماعیلی - این محدودیت، مربوط به مسائل امنیتی است.
آقای علیزاده - این ماده می‌خواهد صلاحیت این وکلا [برای وکالت در جرائم مذکور در این ماده] توسط سازمان قضایی مورد تأیید قرار بگیرد. در مورد دادگاه ویژه روحانیت هم همین‌طور است.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی می‌خواهد متهم نرود و یک ضد انقلاب را به عنوان وکیل خودش معرفی کند.
آقای ره‌پیک - اصل آن محدودیت درست است، ولی اینکه تأیید سازمان قضایی مربوطه لازم است یا رئیس سازمان ... اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه دیگر؛ گفته است سازمان قضایی باید تأیید کند.

آقای علیزاده - سازمان یک لیست منتشر می‌کند و به متهمان می‌گوید من این تعداد از وکلا را [برای وکالت در این جرائم خاص] مشخص کرده‌ام؛ بیاید و به اینها وکالت بدهید.

منشی جلسه - «ماده ۶۲- وکلای دارای تابعیت خارجی نمی‌توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند، مگر اینکه در تعهدات بین‌المللی به این موضوع تصریح شده باشد».

آقای ره‌پیک - خب اگر منظور از این تعهدات بین‌المللی آن تعهداتی است که ما به آن ملحق شده‌ایم، درست است.

آقای مدرسی یزدی - مقصود همین است.

آقای ره‌پیک - نه، الآن یک سری تعهدات بین‌المللی هم داریم که جزء اصول مسلم بین‌المللی است مثل حقوق بنیادین بشر و اینها که کشورها را بر اساس آن تعهدات الزام می‌کنند. الآن بعضی از این چیزهایی [= بیانه‌هایی] که علیه ما در بحث حقوق بشر و غیره صادر می‌شود، از این جهت است.

آقای یزدی - [در این خصوص، مجمع مشورتی فقهی گفته است:] «اطلاق تعهدات بین‌المللی، شامل تعهدات بین‌المللی قبل از انقلاب نیز می‌گردد؛ و لذا مناسب است سابقه آنها دیده شود تا موارد خلاف شرع در این‌گونه تعهدات نباشد.»^۱

آقای ره‌پیک - بله، یعنی آثار مرور زمان تعقیب بر چنین شخصی بار نمی‌شود.

منشی جلسه - «ماده ۵۸- صدور قرار موقوفی تعقیب به لحاظ فوت یا عفو متهمان فراری یا شمول مرور زمان نسبت به جرم فرار از خدمت کارکنان پایور نیروهای مسلح که به طور رسمی خود را برای ادامه خدمت به یگان مربوط معرفی می‌نمایند یا دستگیر می‌شوند، موجب تبدیل ایام فرار به انتساب نمی‌شود و از این جهت حقوق و مزایایی به آنان تعلق نمی‌گیرد».

آقای ره‌پیک - این ماده هم درست است. «انتساب» در این ماده یعنی اشتغال؛ این اصطلاحشان است.

منشی جلسه - «ماده ۵۹- در خصوص جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی است، ایامی که متهم یا محکوم علیه بر خلاف قوانین و مقررات در کشور حضور نداشته است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود».

ماده ۶۰- ابتدای مرور زمان نسبت به جرائم در صلاحیت دادگاه نظامی دو زمان جنگ، یک سال پس از اعلام پایان جنگ و در مورد جرائم در صلاحیت دادگاه نظامی یک زمان جنگ، سه سال پس از اعلام پایان آن است.»

آقای هاشمی شاهرودی - الآن نگفته است که مرور زمان در چه جرائمی اعمال می‌شود؟

آقای ره‌پیک - در آن خصوص، گفته است که تابع قوانین عمومی است.

آقای علیزاده - اگر در این خصوص در اینجا چیزی نگفته است، عموم مقررات قانون مجازات در اینجا هم حاکم است.

منشی جلسه - «فصل پنجم- وکات در دادسرا و دادگاه نظامی ماده ۶۱- در جرائم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌نمایند».

تبصره- تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ تابع مقررات مذکور در این ماده است.»

آقای هاشمی شاهرودی - می‌فرمایید که این ماده اشکال شرعی دارد؟

آقای علیزاده - بله.

آقای ره‌پیک - یک اشکالی که ممکن است به این ماده گرفته بشود، این است که این ماده می‌گوید این وکلا باید مورد تأیید

۱. نظر کارشناسی (تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۳۹ ۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/2lgT3

بین‌المللی چنین چیزی ذکر شده باشد؛ یعنی در قراردادی که بین جمهوری اسلامی ایران و فلان کشور خارجی بسته شده است، ذکر شده باشد که وکیل خارجی آنها هم می‌تواند همکاری داشته باشد؟ یعنی اگر این موضوع ذکر نشده باشد، نمی‌شود از وکلای خارجی در دادگاه نظامی استفاده کرد؟ «ماده ۶۲- وکلای دارای تابعیت خارجی نمی‌توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند، مگر اینکه در تعهدات بین‌المللی به این موضوع تصریح شده باشد.» این ماده یعنی باید تصریح شده باشد که وکلای دارای تابعیت خارجی می‌توانند وکالت انجام دهند.

آقای رهپیک - بله، شما که به این موضوع مطلع هستید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این ماده درست است؛ به آن اشکالی نگیرید. مخصوصاً اینکه این مصوبه گفته است در عمل بایستی سازمان قضایی آن وکلا را تأیید کند. حتی در این مصوبه گفته است که سازمان قضایی وکلای داخلی را هم باید قبول کند.

آقای مؤمن - آن هم همین‌طور است.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی دادگاه می‌تواند آن وکیل را قبول نکند. [ماده (۶۱)، توسط ماده (۶۲)] اصلاح نشده است، بلکه این ماده اضافه بر آن ماده است. این ماده، استثناً [بر ماده (۶۱)] نیست. ماده (۶۲) خودش منع مستقل دارد؛ یعنی باز هم دادگاه می‌تواند بگوید که اگر این آقای وکیل، ضد انقلاب است، [من وکالت او را قبول ندارم].

آقای یزدی - نه، در ماده (۶۲) منع وکالت افراد دارای تابعیت خارجی استثناً شده است به اینکه این موضوع در تعهدات بین‌المللی تصریح شده باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - این مصوبه، هر دو [= وکلای تأییدنشده از سوی سازمان قضایی و وکلای دارای تابعیت خارجی] را منع کرده است.

آقای رهپیک - همین‌الآن که این همه قطعنامه در مجمع یو.پی.آر^۱ علیه ما صادر می‌کنند، به استناد همین تعهداتی است که می‌گویند از جمله حقوق بنیادین بشر است، در حالی که ما هم به آن تعهدات ملحق نشده‌ایم.

آقای مدرس‌ی یزدی - شما که آمدید و به سازمان ملل متحد ملحق شدید، [این الزامات را هم پذیرفته‌اید].

آقای علیزاده - بله، این عبارت «تعهدات بین‌المللی» ابهام دارد. اگر منظور، معاهداتی است که ما به آن معاهدات ملحق شده‌ایم، ایرای ندارد.

آقای رهپیک - این عبارت، ابهام دارد.

آقای اسماعیلی - در حقوق بین‌الملل می‌گویند هیچ دولتی متعهد شناخته نمی‌شود، مگر اینکه صریحاً تعهدی را امضا کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای رهپیک - نه، الآن در حقوق بنیادین بین‌المللی، اگر شما به آن تعهدات ملحق هم نشوید، به اجرای آنها الزام می‌شوید.

آقای اسماعیلی - این فقط در مورد چیزهایی است که اصل مسلّم است.

آقای مدرس‌ی یزدی - این عبارت «تعهدات بین‌المللی» که در این ماده آمده است، ربطی به آن موارد ندارد.

آقای رهپیک - چرا؛ به آن الزامات هم تعهدات بین‌المللی اطلاق می‌شود. حالا آیا شما همه‌ی آن الزامات را قبول دارید؟

آقای علیزاده - ما این ایراد را قبول داریم.

آقای رهپیک - ما الآن خودمان داریم قانون‌گذاری می‌کنیم. در اینجا باید قید بشود آن تعهداتی که ما به آنها ملحق شده‌ایم و آنها را به عنوان «قانون» پذیرفته‌ایم، ملاک است.

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهر از عبارت، همین برداشت است.

آقای یزدی - وکلای دارای تابعیت خارجی نمی‌توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند.

آقای مدرس‌ی یزدی - عیبی ندارد. ما هم این ابهام را قبول داریم؛ ابهام بگیرید.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این ماده مشکلی ندارد.

آقای یزدی - ابهام دارد.

آقای مؤمن - این ماده، شامل تعهدات دیگران که نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - این عبارت، همین است [و دلالت بر تعهداتی که امضا نکرده‌ایم نمی‌شود].

آقای رهپیک - چرا؛ «تعهد بین‌المللی» شامل آن تعهداتی که ما آنها را امضا نکرده‌ایم نیز می‌شود.

آقای علیزاده - «تعهد بین‌المللی»، لزوماً به معنای این نیست که تعهد ما باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ تعهد، باید تعهد ما باشد.

آقای رهپیک - نه دیگر.

آقای یزدی - اینکه این ماده می‌گوید: مگر آنکه در تعهد

۱. The Universal Periodic Review (UPR) به معنای سازوکار بررسی دوره‌ای و جهانی حقوق بشر.

آقای رهپیک - نه، ما به این تعهدات که ملحق نشده‌ایم.

آقای مدرس‌سی یزدی - این الزامات، قانون است که هر کسی جزء سازمان ملل است، باید این مسائل را رعایت کند.

آقای رهپیک - نخیر، ما چنین چیزی نداریم که هر کسی عضو سازمان ملل متحد شد، همه‌ی تعهدات آنجا را باید بپذیرد.

آقای یزدی - حالا غیر از تعهدات مربوط به سازمان ملل، این ماده می‌گوید اگر یک عهدنامه‌ای بین جمهوری اسلامی با یک کشور دیگری منعقد شده باشد که در ضمن آن عهدنامه ذکر شده که وکلای خارجی می‌توانند در دادگاه‌های کشور مقابل وکالت کنند، اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد [آقای رهپیک]، رأی نمی‌آورد.

منشی جلسه - «فصل ششم - ترتیب رسیدگی، صدور و ابلاغ رأی

ماده ۶۳ - رئیس سازمان قضایی می‌تواند ارجاع پرونده‌ها را به رئیس شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران تفویض کند. ارجاع پرونده‌ها در غیاب رئیس شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران بر عهده رؤسای دادگاه‌های تجدیدنظر نظامی به ترتیب شماره شعبه است.

ماده ۶۴ - ارجاع پرونده‌ها در دادگاه نظامی در غیاب رئیس سازمان قضایی استان، به عهده معاون و در غیاب وی به عهده رؤسای دادگاه‌های تجدیدنظر و نظامی یک و دو به ترتیب شماره شعبه است.

ماده ۶۵ - هرگاه پس از صدور کیفرخواست معلوم شود که متهم مرتکب جرم دیگری از همان نوع شده است، دادگاه می‌تواند به جرم مزبور نیز رسیدگی کند یا پرونده را جهت تکمیل تحقیقات به دادسرا ارسال نماید.»

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی از این مسائل در عموماً آیین دادرسی کیفری هم هست.

آقای یزدی - عیبی ندارد.

منشی جلسه - «ماده ۶۶ - در جرم فرار از خدمت تا زمانی که استمرار آن قطع نشده است، رسیدگی غیابی صورت نمی‌گیرد.»

آقای مدرس‌سی یزدی - واقعاً چرا چنین چیزی را تصویب کرده‌اند؟ آیا مصلحت در این است؟

آقای رهپیک - می‌گویند در عمل این‌طور است که این فرد می‌آید و به او ابلاغ می‌کنند و از آن طرف دوباره فرار می‌کند، یعنی ابلاغ را می‌گیرد و دوباره فرار می‌کند؛ لذا به چنین جرمی، به صورت غیابی رسیدگی نمی‌کنند.

آقای مدرس‌سی یزدی - می‌توانند همان‌وقت او را جریمه کنند یا اموالش را مصادره بکنند.

آقای رهپیک - نه دیگر؛ اگر رسیدگی به صورت غیابی باشد، متهم واخواهی می‌کند. اینها می‌خواهند این کار انجام نشود. این ماده را با توجه به این نکته نوشته‌اند.

آقای مدرس‌سی یزدی - [این حکم، در سرباز] اثر نمی‌کند که او را نگه دارد.

آقای رهپیک - چرا دیگر؛ اگر حکم به صورت غیابی صادر شود، خوب واخواهی می‌کند.

آقای اسماعیلی - محاکمه‌ی این شخص به صورت غیابی، لغو است؛ چون این کار را تکرار می‌کند.

آقای مدرس‌سی یزدی - نه، من فکر می‌کنم اصلاً اطلاق حکم این ماده، در صورتی که امکان محاکمه‌اش باشد، خلاف است. اصلاً شاید خلاف شرع باشد.

آقای رهپیک - چرا خلاف شرع!؟

آقای مدرس‌سی یزدی - چون وقتی که سربازی فرار کرد، اگر با اینکه می‌توانند به جرم او رسیدگی کنند، این کار را نکنند و به جرمش رسیدگی نکنند، [مرتکب خلاف شرع شده‌اند]. حداقل باید او را مجازات مالی بکنند؛ مثلاً خانه‌اش را مصادره بکنند یا اموالش را مصادره بکنند. اگر این سرباز فراری را رها کنند و بگذارند تا برود، دیگران هم به امید اینکه جنگ تمام بشود، جرأت به فرار پیدا می‌کنند. اگر مجازات نشود ممکن است به خارج از کشور برود که دیگر دسترسی به او نباشد. از این جهت، اطلاق این ماده، خلاف شرع می‌شود؛ چون در صورتی که نظم نظامی، نظم کشور و امنیت کشور توقف داشته باشد بر اینکه آن سرباز فراری محاکمه بشود، آن فرد باید محاکمه بشود و مجازات بشود.

آقای یزدی - این چیزی که شما می‌فرمایید یک ماده‌ی مستقل و جدا می‌خواهد. فعلاً این ماده این مطلب شما را در بر نمی‌گیرد.

آقای مدرس‌سی یزدی - چرا؟

آقای یزدی - «ماده ۶۶ - در جرم فرار از خدمت تا زمانی که استمرار آن قطع نشده است، رسیدگی غیابی صورت نمی‌گیرد.»

آقای مدرس‌سی یزدی - چرا صورت نمی‌گیرد؟

آقای یزدی - چون ممکن است هفته‌ی دیگر یا یک ماه دیگر پیدایش بشود. در این صورت، غیاب او استمرار نداشته است.

آقای هاشمی شاهرودی - آن جرمی که شما می‌گویید، جرم

خاص است، اما این جرم، جرم تعزیری است که برای آن قانون داریم. حکم این ماده، خلاف شرع نیست.

آقای مدرس یزدی - در اینجا نوشته است که در جرم فرار از خدمت تا زمانی که استمرار قطع نشده است رسیدگی غیابی صورت نمی‌گیرد. من می‌گویم اطلاق این ماده، اشکال شرعی دارد؛ چرا که ممکن است واقعاً یک اپیدمی بشود و سربازان شروع به فرار کردن کنند. از آن طرف، دست دادگاه هم بسته است و نمی‌تواند افراد فراری را محاکمه بکند، در حالی که اگر محاکمه‌ی غیابی بکند، این اتفاق دیگر نمی‌افتد.

آقای یزدی - این سربازی که فرار کرده است، یا فردا می‌آید یا یک هفته‌ی دیگر می‌آید یا بالاخره یک موقعی می‌آید.

آقای مدرس یزدی - نه، نمی‌آید. فرار کرده است و دیگر نمی‌آید.

آقای یزدی - می‌دانم که فرار کرده است، ولی بالاخره یک هفته‌ی دیگر می‌آید؛ چون زن و بچه‌اش اینجا هستند.

آقای مدرس یزدی - اگر این‌طور باشد، ده تا، بیست تا، پنجاه تا سرباز فرار می‌کنند.

آقای ره‌پیک - اینها به نفع سرباز فراری است.

آقای مدرس یزدی - بله، به نفعش است.

آقای ره‌پیک - نه، اگر این کار را نکنند، به نفع سرباز فراری است.

آقای علیزاده - این ماده یعنی بروید و او را دستگیر بکنید؛ او را بیاورید تا به جرم فرار او رسیدگی شود.

آقای یزدی - این مسائل قبلاً گفته شده است.

آقای مدرس یزدی - چرا این راه را می‌بندید؟

آقای علیزاده - در این صورت، باید بروند یک میلیون نفر را دستگیر کنند و محاکمه‌شان بکنند.

آقای مدرس یزدی - نه، یک میلیون نفر نیست؛ اگر جلوی یکی دو نفر را بگیرند، نفر سومی پیدا نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، خلاف شرع نیست؛ چون اصل بر همین است. اصل عدم، در اینجا حاکم می‌شود.

آقای مدرس یزدی - نخیر، این ماده خلاف شرع است.

آقای هاشمی شاهرودی - خلاف شرع نیست. اصلاً اگر بگوییم فرار از خدمت جرم هم نیست، خلاف شرع نیست. الآن مصلحت، این‌طور است و مجلس دارد مصلحت‌اندیشی می‌کند. خب مصلحت ندیده است [که بگوید به جرم فرار از خدمت به صورت غیابی رسیدگی کنند].

آقای مدرس یزدی - نخیر، خلاف شرع می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، خلاف شرع نیست. اصلاً اگر بگوییم فرار از خدمت جرم هم نیست، باز خلاف شرع نیست.

آقای مدرس یزدی - اجازه بدهید من وجه خلاف شرع بودن فرار از خدمت را عرض بکنم. اولاً بعضی وقت‌ها فرار از خدمت، فرار از ضعف است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای مدرس یزدی - چرا؛ فرار از ضعف است و فرار از ضعف، جزء محرّمات است.

آقای هاشمی شاهرودی - فرار از خدمت غیر از فرار از جنگ است. اینها دو تا عنوان هستند.

آقای مدرس یزدی - ثانیاً اگر یک نفر فرار کرد ولی به واسطه‌ی اینکه نمی‌توانند او را دستگیر کنند، با اینکه می‌توانند او را غیباً جریمه کنند و محکومش بکنند - و حتی اگر به خارج از کشور رفته باشد، چه بسا می‌توانند از طریق پلیس بین‌الملل او را دستگیر بکنند - [اگر این کار را نکردند و] این سرباز محکوم نشد، اثر آن این است که سرباز دیگری هم جرأت پیدا می‌کند و به همین ترتیب، سرباز سوم هم جرأت پیدا می‌کند.

آقای یزدی - این ماده مربوط به جایی است که زمان زیادی از فرار نگذشته است و شاید فردا یا پس فردا می‌آید.

آقای مدرس یزدی - کجا چنین چیزی را گفته است؟

آقای یزدی - در این ماده، قید ذکر شده است؛ نوشته است در صورتی که غیبت سرباز «استمرار» نداشته باشد، [رسیدگی غیابی صورت نمی‌پذیرد].

آقای مدرس یزدی - نخیر، استمرار قطع نشده است.

آقای یزدی - نوشته است تا زمانی که استمرار آن قطع نشده است، رسیدگی غیابی صورت نمی‌پذیرد.

آقای مدرس یزدی - ممکن است غیبت سرباز ده سال طول بکشد یا پنجاه سال طول بکشد.

آقای یزدی - معنای این ماده این است که مثلاً ما احتمال می‌دهیم که این سرباز دو هفته‌ی دیگر بیاید یا احتمال می‌دهیم که دو روز دیگر بیاید. همین احتمال کافی است.

آقای مدرس یزدی - این احتمال هم هست که برنگردد.

آقای یزدی - حالا صبر کنید؛ همین کافی است. شما فوراً می‌گویید که این ماده خلاف شرع است.

آقای مدرس یزدی - بله، این‌طور نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد را رأی بگیری.

آقای یزدی - ایشان به این ماده اشکال دارند، ولی ما اشکالی نداریم.

آقای مدرس یزدی - نه، آخر باید معلوم بشود که عرض ما چیست.

آقای یزدی - فرمایشات شما روشن است. فرضی را که شما با این قیود ذکر می‌کنید، در جای خود ذکر شده است. اصلاً این ماده، شامل آن فرض مدّ نظر شما نمی‌شود. قبلاً سه چهار تا ماده‌ی دیگر [= مبحث پنجم، مواد (۵۶) تا (۶۰)] داشتیم که تکلیف آن فرض شما را روشن کرده بود.

آقای مدرس یزدی - ما می‌گوییم در صورتی که عدم محاکمهی غیابی موجب تجرّی بقیه‌ی سربازان بشود، حکم این ماده خلاف شرع است.

آقای علیزاده - خیلی خوب، آقایانی که اطلاق این ماده را خلاف شرع می‌دانند، رأی بدهند.

منشی جلسه - «ماده ۶۷- چنانچه در اجرای مأموریت‌های نیروهای مسلح در اثر تیراندازی یا غیر آن، شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول یا مجروح شوند یا خسارت مالی به آنان وارد شود و درباره اتهام مأموران قرار منع تعقیب صادر شود، بنا به تقاضای اولیای دم یا متضرر بدون تقدیم دادخواست، پرونده جهت تعیین تکلیف در خصوص پرداخت دیه و خسارت توسط سازمان متبوع به دادگاه نظامی ارسال می‌شود. دادگاه نماینده یگان مربوط را برای شرکت در جلسه رسیدگی دعوت می‌نماید. عدم حضور نماینده مانع رسیدگی و صدور رأی نیست.»

آقای ره‌پیک - این ماده، تقریباً دنباله‌ی ماده (۵) این مصوبه در مورد ضرر و زیان است.

آقای هاشمی شاهرودی - خوب است.

آقای مدرس یزدی - مجمع مشورتی فقهی درباره‌ی ماده (۶۷) حرفی نداشته است؟

منشی جلسه - «ماده ۶۸- رسیدگی در دادگاه نظامی زمان جنگ غیرعلنی است، مگر آنکه دادگاه، علنی بودن آن را ضروری تشخیص دهد.»

آقای ره‌پیک - این ماده، خلاف اصل (۱۶۵) قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، اصل (۱۶۵) بر عکس کرده است. اصل قانون اساسی می‌گوید اصل این است که دادگاه، علنی است مگر در جایی که ... ولی این ماده، حکم این اصل را برعکس کرده است.

آقای ره‌پیک - ایراد این ماده، از همان چیزهایی است که شما فرمودید دادگاه نظامی [برای موارد خاصی پیش‌بینی شده است]. این ماده، اطلاق دارد. اصل (۱۶۵) را بیاورید.

آقای سلیمی - اصل (۱۶۵) می‌گوید دادگاه‌ها علنی تشکیل می‌شود مگر اینکه ...

آقای ره‌پیک - برگزار کردن دادگاه به صورت غیر علنی، به تشخیص قاضی و به صورت موردی است؛ نه اینکه حکم کلی به غیر علنی بودن دادگاه بدهیم.

آقای سلیمی - این ماده می‌گوید که دادگاه‌های زمان جنگ، غیر علنی است؛ یعنی فقط دادگاه‌هایی که به عنوان دادگاه زمان جنگ تشکیل می‌شود، این‌طور است.

آقای ره‌پیک - خوب این ماده، خلاف قانون اساسی است دیگر. آنجا در اصل (۱۶۵) گفته است که قاضی باید غیر علنی بودن دادگاه را تشخیص دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد را رأی بگیریم. عبارت این ماده، خلاف اصل (۱۶۵) است.

آقای علیزاده - اینجا گفته‌اند در هر موردی که دادگاه علنی بودن را تشخیص داد، [دادگاه علنی برگزار می‌شود].

آقای ره‌پیک - باید می‌گفت در هر موردی که قاضی غیر علنی بودن دادگاه را تشخیص داد، [دادگاه غیر علنی برگزار می‌شود].

آقای سلیمی - مغایر اصل (۱۶۵) است.

آقای هاشمی شاهرودی - باید تعبیر را عوض کنند.

آقای ره‌پیک - نه، مجلس با عنایت این ماده را نوشته است که در این مورد، مفاد آن اصل را برعکس کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خوب، باید این‌گونه بگویند و این‌گونه استثنا بکنند.

آقای ره‌پیک - قاضی باید غیر علنی بودن دادگاه را تشخیص دهد.

آقای علیزاده - آقایانی که این ماده را خلاف اصل (۱۶۵) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

آقای سوادکوهی - این ایراد، رأی آورد.

آقای یزدی - نه، اصل بر این نیست که دادگاه علنی باشد، بلکه حق دارند که [جرائم مورد رسیدگی در] دادگاه عمومی، به صورت علنی برگزار شود، اما در دادگاه نظامی اصل این است که مخفی باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای یزدی - قانون اساسی شامل دادگاه‌های نظامی هم

محاكمه می‌کنند، دادگاهش باید علنی باشد! نخیر، آن اصل قانون اساسی که دال بر لزوم علنی بودن دادگاه است، قطعاً شامل نیروهای مسلح نمی‌شود.

آقای علیزاده - اصل (۱۶۵) درباره‌ی همه محاکم است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ره‌پیک - اصل (۱۶۵)، قید دادگاه عمومی ندارد.

آقای علیزاده - قاضی هر زمانی که تشخیص بدهد، دادگاه را غیر علنی برگزار می‌کند.

آقای یزدی - این اصل، اطلاق ندارد و این امور را شامل نمی‌شود.^۱

منشی جلسه - «ماده ۶۹- دادگاه نظامی زمان جنگ پس از وصول پرونده برابر مقررات رسیدگی را آغاز و پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف سه روز مبادرت به انشاء رأی می‌کند.

ماده ۷۰- انتشار اطلاعات مربوط به آراء دادگاه‌های نظامی ممنوع است ...»

آقای یزدی - ببینید گفته است انتشار اطلاعات ممنوع است؛ چون حیثیت نیروهای نظامی باید حفظ شود.

منشی جلسه - «ماده ۷۰- انتشار اطلاعات مربوط به آراء دادگاه‌های نظامی ممنوع است، اما رئیس سازمان قضایی در موارد ضروری و در صورت اقتضای مصلحت، می‌تواند اطلاعات مربوط به آراء قطعی دادگاه‌های نظامی را جهت انتشار در اختیار پایگاه اطلاع‌رسانی قوه قضائیه و سازمان قضایی قرار دهد.

تبصره- در مواردی که به تشخیص دادستان نظامی یا رئیس سازمان قضایی، جهت پیشگیری از جرم آموزش ضروری باشد، به میزان لازم اطلاعات مربوط به احکام و فرآیند رسیدگی به جرم در اختیار یگان‌ها قرار می‌گیرد.»

فصل هفتم - تجدیدنظر و اعاده دادرسی

ماده ۷۱- آراء دادگاه‌های نظامی جز در مواردی که قطعی محسوب می‌شود حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر نظامی همان استان و یا

می‌شود، ولی اساس دادگاه نظامی بر این است که باید مخفی بماند. به هر حال محاکمه کردن یک سرهنگ، فرمانده، یا سرتیپ [اقتضا می‌کند که رسیدگی به صورت غیر علنی باشد].

آقای مدرس‌ی یزدی - همیشه غیر علنی برگزار کردن دادگاه، خلاف نیست.

آقای ره‌پیک - نمی‌شود [حکم کلی بر تشکیل دادگاه به صورت غیر علنی داد].

آقای اسماعیلی - غیر علنی بودن دادگاه، به تشخیص قاضی است، نه به حکم قانون. قاضی باید این مسئله را تشخیص بدهد.

آقای علیزاده - بله، مگر اینکه خود دادگاه چنین ضرورتی را تشخیص بدهد؛ قانون نمی‌تواند بگوید [که دادگاه‌ها غیر علنی برگزار شود].

آقای هاشمی شاهرودی - اصل (۱۶۵)، مطلق است.

آقای علیزاده - این اصل، نسبت به همه‌ی محاکمات مطلق است و اختیار هم با دادگاه است؛ لذا قانون نمی‌تواند این حکم را تغییر دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است.

آقای ره‌پیک - نمی‌شود قاعده‌ی عمومی گذاشت.

آقای مدرس‌ی یزدی - درست است؛ اشکال وارد است.

آقای هاشمی شاهرودی - رأی دادیم دیگر.

آقای ره‌پیک - خلاف صریح اصل (۱۶۵) است.

آقای علیزاده - خلاف اصل (۱۶۵) است و [غیر علنی برگزار شدن] نیاز به بینه ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - می‌تواند تعبیر این ماده را اصلاح کنند.

آقای ره‌پیک - باید متن این ماده را عوض کنند.

آقای یزدی - دادگاه‌های ویژه‌ی روحانیت هم همین‌گونه هستند؛ عیناً مصلحتی که در دادگاه ویژه‌ی روحانیت هست در دادگاه نظامی هم هست؛ یعنی فرماندهان و مقامات عالی کشور نمی‌بایست به صورت علنی محاکمه شوند.

آقای هاشمی شاهرودی - تشخیص غیر علنی بودن دادگاه، باید با نظر دادگاه باشد.

آقای یزدی - یعنی می‌فرمایید به خاطر اینکه یک نفر از نیروهای نظامی یک کار خلافی کرده است، آبروی ارتش را ببرند! معنای دادگاه علنی، یعنی اینکه همه حق حضور و تماشا دارند. آن وقت می‌گویید وقتی آن سرهنگ یا سرتیپ را دارند

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۵- در ماده (۶۸)، از آنجا که بر اساس اصل (۱۶۵) قانون اساسی، اصل بر برگزاری محاکمات به صورت علنی است، مگر اینکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد، لذا این ماده، مغایر اصل (۱۶۵) قانون اساسی شناخته شد.»

دیوان عالی کشور قابل تجدیدنظر یا فرجام خواهی است.»

آقای علیزاده - اینکه دیوان عالی کشور چنین کاری کند، یعنی چه؟

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی اگر پرونده‌ای مربوط به دیوان عالی باشد، به آنجا می‌رود و اگر مربوط به دادگاه تجدیدنظر نظامی همان استان باشد، به آن دادگاه ارجاع می‌شود. حکم این ماده، حسب مورد است.

آقای سلیمی - بله، حسب مورد است.

منشی جلسه - «ماده ۷۲- آراء دادگاه‌های نظامی از حیث قطعیت یا قابلیت تجدیدنظر یا فرجام خواهی مانند آراء سایر دادگاه‌های کیفری است، مگر آنکه در این بخش ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۷۳- آراء قابل تجدیدنظر یا فرجام خواهی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، ظرف هفتاد و دو ساعت از زمان ابلاغ، قابل تجدیدنظر یا فرجام خواهی است و دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور باید حداکثر ظرف هفت روز پس از وصول پرونده، رسیدگی و رأی مقتضی را صادر نماید، مگر آنکه صدور رأی در مدت مزبور به دلایل قانونی از قبیل نقص تحقیقات مقدور نباشد که در این صورت باید علت تأخیر به طور مستدل در پرونده قید شود.»

آقای مدرسی یزدی - زمان ابلاغ واقعی ملاک است یا زمان ابلاغ قانونی؟

آقای اسماعیلی - این مسئله را در آیین دادرسی کیفری داریم.

آقای هاشمی شاهرودی - آیین دادرسی کیفری می‌گوید ابلاغ واقعی ملاک است. همیشه ابلاغ به این معنا است.

آقای سلیمی - ابلاغ قانونی، ملاک است.

آقای مدرسی یزدی - در صورتی که این متهم نتواند یا فرصت نکند که تجدیدنظر خواهی کند، [چه می‌شود؟]

آقای علیزاده - خب می‌تواند بگوید که تجدیدنظر می‌خواهم؛ زمان تجدیدنظر می‌خواهم.

آقای مدرسی یزدی - متهم باید در این فرصت بتواند مثلاً به یک جایی مراجعه بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - متهم یا خودش مراجعه می‌کند یا وکیلش می‌رود.

منشی جلسه - «ماده ۷۴- علاوه بر اشخاصی که مطابق مقررات مربوط، حق درخواست اعاده دادرسی دارند، رئیس سازمان قضایی نیز حق درخواست اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی را دارد.»

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده یک اختیار فوق‌العاده‌ای به رئیس سازمان قضایی داده است. به چه مناسبت حق اعاده‌ی

دادرسی نسبت به احکام قطعی نظامی را دارد؟

آقای اسماعیلی - برای چه؟

آقای سلیمی - این ماده، اشکال دارد.

آقای رهپیک - این ماده، یک مورد به موارد اعاده‌ی دادرسی اضافه کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - ما این حق را به رئیس قوه‌ی قضائیه نداده‌ایم.

آقای یزدی - بله، اینجا به رئیس سازمان قضایی این حق را داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون گفته است درخواست اعاده‌ی دادرسی توسط رئیس قوه‌ی قضائیه، فقط در جایی است که آن حکم خلاف بین شرع باشد؛ یعنی آن اختیار را هم قید زده‌اند. اما این ماده این اختیار را مطلقاً به رئیس سازمان قضایی داده است! در حالی که آنجا قید خورده است و گفته شده که رئیس قوه‌ی قضائیه در جایی که خلاف بین شرع است، می‌تواند درخواست اعاده‌ی دادرسی کند.

آقای اسماعیلی - بله، این ماده مطلق است.

آقای علیزاده - حالا رئیس سازمان قضایی چگونه می‌تواند درخواست اعاده دادرسی کند؟ باید بگویند از طرف رئیس

۱. ماده (۴۷۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۷۷- در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.

تبصره ۱- آراء قطعی مراجع قضایی (اعم از حقوقی و کیفری) شامل احکام و قرارهای دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادگاه‌های تجدیدنظر و بدوی، دادرسی و شوراهای حل اختلاف می‌باشند.

تبصره ۲- آراء شعب دیوان عالی کشور در باب تجویز اعاده دادرسی و نیز دستورهای موقت دادگاه‌ها، اگر توسط رئیس قوه قضائیه خلاف شرع بین تشخیص داده شود، مشمول احکام این ماده خواهد بود.

تبصره ۳- در صورتی که رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و یا رئیس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود، رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف شرع بین تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از رئیس قوه قضائیه درخواست تجویز اعاده دادرسی نمایند. مفاد این تبصره فقط برای یک‌بار قابل اعمال است، مگر اینکه خلاف شرع بین آن به جهت دیگری باشد.»

قوه قضائیه می‌تواند چنین درخواستی بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - مجلس باید این اختیار را محدودش کند.

آقای ابراهیمیان - شاید با توجه به شیوهی این جمله [این ایراد حل شود]؛ چون این‌طور نوشته است که علاوه بر اشخاصی که مطابق مقررات مربوط، حق درخواست اعاده‌ی دادرسی دارند، رئیس سازمان قضایی هم این حق را دارد؛ چون در این ماده عبارت «طبق مقررات مربوط» آمده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این حرف‌ها چیست؟ عبارت روشن است. دارد به رئیس سازمان قضایی حق اعاده‌ی دادرسی می‌دهد.

آقای ابراهیمیان - صدر ماده، قید «مطابق مقررات مربوط» را آورده است.

آقای علیزاده - بگویم این ماده، ابهام دارد تا ایراد آن رفع شود.

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهر این است که این ماده دارد برای اعاده‌ی دادرسی، یک اختیار مطلق به رئیس سازمان قضایی می‌دهد. یعنی چه؟! قانون این اختیار را به رئیس قوه قضائیه نداده است!

آقای سوادکوهی - درست است.

آقای ابراهیمیان - بله، همین‌طور است؛ منتها به نظر می‌رسد [که می‌توانیم این ماده را به نحو دیگری هم تفسیر کنیم].

آقای مدرسی یزدی - خب اگر قانون چنین اختیاری را به رئیس قوه قضائیه نداده است، دلیل بر این نیست که این ماده خلاف قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - ما به این اختیار در آنجا [= مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری] هم اشکال وارد می‌کردیم.^۱

۱. بند (۵۴) نظر شماره ۲۷۰/۷۳۶۳۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۳ شوری نگهبان در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «۵۴- ماده (۴۷۷)، در خصوص تشخیص خلاف بین شرع، در صورتی موجب پذیرش اعاده دادرسی می‌شود که رئیس قوه قضائیه شخصاً با مطالعه پرونده و لحاظ ادله موجود، آن را خلاف شرع تشخیص دهد و یا دو نفر مجتهد عادل مورد اعتماد وی چنین تشخیص بدهند و الاً خلاف موازین شرع است.» متن ماده (۴۷۷) لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ بدین شرح بود: «ماده ۴۷۷- در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف بین شرع تشخیص دهد، با قبول اعاده دادرسی، پرونده را برای رسیدگی به دادگاه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می‌دهد.

تبصره ۱- در صورتی که رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور،



آقای یزدی - این ماده، هم خلاف شرع و هم خلاف قانون است. وقتی قاضی حکم صادر کرد، بعد از حکم قاضی هیچ مقامی حق ندارد بگوید برو و دوباره پرونده را بررسی کن. اصلاً در اسلام قضاوت یک مرحله‌ای است؛ منتها حالا شما چون قضاتتان، قضات منصوبند، چنین اجازه‌ای را داده‌اید [که از احکام صادره‌ی محاکم، تجدیدنظرخواهی شود].

آقای ره‌پیک - ابهام بگیرید و بگویید معنی این ماده چیست.

آقای مدرسی یزدی - چه ابهامی دارد؟ کجای این ماده، خلاف اصول قانون اساسی است؟!

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده اشکال دارد؛ چون می‌خواهد بی‌جهت اعاده‌ی دادرسی درست کند. حتی قید خلاف بین شرع بودن حکم هم نیامده است. حالا مثلاً اگر قید می‌زد که چنانچه حکم، خلاف بین شرع باشد، باز یک حرفی بود؛ ولی این ماده این قید را هم نیاورده است.

آقای یزدی - مثلاً می‌گفت اگر قاضی خلاف کرده است و حکم او اشکال قانونی دارد، [می‌توان اعاده‌ی دادرسی انجام داد] و الاً همین‌طور که نمی‌توان اجازه‌ی اعاده‌ی دادرسی داد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مثلاً چنین قیدی زده شود.

آقای یزدی - من با نظر شما موافقم.

آقای ره‌پیک - اگر بگوید درخواست رئیس سازمان قضایی، خودش از جهات اعاده‌ی دادرسی است [اشکال دارد]؛ اما اگر بگوید خود جهات اعاده‌ی دادرسی مشخص است، لیکن بعضی‌ها می‌توانند درخواست اعاده‌ی دادرسی را بدهند، [در این صورت، ایرادی ندارد].

آقای هاشمی شاهرودی - همین‌طور است. این عبارت «مطابق مقررات مربوط» مربوط به اشخاص است؛ یعنی می‌گوید علاوه بر آن اشخاص، رئیس سازمان قضایی هم این حق را دارد. این، مطلق است.

آقای ابراهیمیان - اگر نسبت به جهات آیین دادرسی چیزی نگفته باشد، [ایرادی ندارد].



رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و یا رئیس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود، رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف بین شرع تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از رئیس قوه قضائیه درخواست تجویز اعاده دادرسی نمایند. مفاد این ماده فقط برای یک‌بار قابل اعمال است.

تبصره ۲- مراد از خلاف بین شرع مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه است. در موارد اختلاف نظر بین فقهاء ملاک عمل، نظر ولی فقیه و یا مشهور فقهاء است.»

را بگویم. ذیل این ماده که اطلاق دارد؛ چون رئیس سازمان قضایی نیز نسبت به احکام قضایی حق درخواست اعاده‌ی دادرسی را دارد؛ هر چه می‌خواهد باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - این اختیار را به رئیس سازمان قضایی داده است دیگر.

آقای رهپیک - نه، خب قید «مطابق مقررات مربوط» را هم گفته است.

آقای مدرسی یزدی - این ذیل ماده که قید مطابق مقررات بودن را ندارد.

آقای رهپیک - صدر ماده این قید را دارد.

آقای مدرسی یزدی - صدر این ماده این قید را آورده است، ولی ربطی به این ذیل ندارد.

آقای رهپیک - حکم ذیل این ماده، عطف به همان حکم صدر ماده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، عطف بر صدر ماده نیست؛ کلمه‌ی «نیز» به کار برده است. صدر آن ماده می‌گوید درخواست اعاده‌ی دادرسی «مطابق مقررات مربوط» است؛ ولی ذیل این ماده، این اختیار را مطلق داده است؛ واقعاً ذیل این ماده، مطلق است. منتهای مراتب اگر شما نسبت به این موضوع ایراد دارید، ایراد بگیرید؛ ولی از این نظر ابهامی ندارد. حالا اگر می‌خواهید ملاحظه کنید و این ایراد را با ابهام بگویید، این یک حرف دیگری است.

آقای یزدی - ایراد این ماده این است که این فرض را ندارد؛ چون اصل، عدم حق درخواست اعاده‌ی دادرسی است. اصل این است که وقتی قاضی حکم کرد، هیچ کسی نمی‌تواند روی آن حکم حرف بزند.

آقای مدرسی یزدی - نه، این اصل وجود ندارد.

آقای یزدی - این اصل هم در قانون اساسی و هم در شرع آمده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، آن مربوط به قاضی شرعی است؛ با قاضی منصوب به نحو شرط متأخر^۱ فرق می‌کند.

آقای ابراهیمیان - این ماده، ابهام دارد.

آقای رهپیک - اگر معلوم باشد که این درخواست، طبق جهات اعاده‌ی دادرسی است که در قانون آمده است، [ایرادى ندارد]. ما ابهام این ماده را قبول داریم.

آقای هاشمی شاهرودی - ایراد این ماده، بیش از ابهام است.

آقای علیزاده - شما که به ایراد این ماده رأی می‌دهید، ابهامش را هم اعلام کنید.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحيم. این ماده حق اضافه‌ای از نظر شخصی به رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح داده است. من فکر نمی‌کنم آقایان بگویند که چرا چنین اختیاری را داده است؛ یعنی می‌گویند محکوم علیه می‌تواند اعاده‌ی دادرسی بخواهد. خب دیگر چه کسی می‌تواند نسبت به پرونده‌های سازمان قضایی اعاده‌ی دادرسی بخواهد؟ این ماده گفته است که رئیس سازمان قضایی هم می‌تواند اعاده‌ی دادرسی بخواهد؛ اما جهات درخواست اعاده‌ی دادرسی در خود قانون احصا شده است.

آقای رهپیک - خب همین موضوع، محل ابهام است.

آقای سلیمی - رئیس سازمان قضایی باید آن جهات را رعایت بکند. بر اساس آن جهات می‌تواند اعاده‌ی دادرسی بخواهد، نه بدون آن جهات.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده چنین قیدی را نگفته است.

آقای سلیمی - این ماده، فقط فرض حق درخواست اعاده‌ی دادرسی توسط رئیس سازمان قضایی را اضافه کرده است.

آقای یزدی - یعنی صرفاً حق اعاده‌ی دادرسی را به رئیس سازمان قضایی داده است؛ مطلق اعاده‌ی دادرسی را نگفته است.

آقای سلیمی - اگر در محاکم دیگر، رسیدگی به پرونده منجر به رأی برائت شود یا حتی منجر به محکومیت شود، فرقی نمی‌کند، دادستان استان حق اعاده‌ی دادرسی ندارد، رئیس یک مجموعه چنین حقی را ندارد. اما در این ماده به رئیس سازمان قضایی این اجازه را داده است که حق اعاده‌ی دادرسی نسبت به پرونده‌هایی که می‌بیند در آن خلاف واقع شده است، داشته باشد و بر اساس آن جهاتی که در قانون آمده است، اعاده‌ی دادرسی بخواهد.

آقای هاشمی شاهرودی - این قید در اینجا ذکر نشده است.

آقای رهپیک - باید بگوییم که این قید در اینجا تصریح بشود.

آقای سلیمی - معلوم است که منظور این ماده همین است.

آقای رهپیک - باید به این قید تصریح بشود.

آقای مدرسی یزدی - من دقیقاً می‌خواهم عکس فرمایش ایشان

۱. «شرط متأخر، شرطی است که از وجود مشروط متأخر زمانی دارد؛ مانند: غسل شب آینده برای زن مستحاضه، که بنابر فتوای بعضی از فقها در صحت روزه روز قبل معتبر است.» مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، ذیل عنوان «شرط متأخر»، ج ۱، ص ۵۱۸، ذیل واژه‌ی «شرط متأخر»، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/18NUT

منشی جلسه - «ماده ۷۵- در صورتی که مجازات مندرج در حکم دادگاه به لحاظ وضعیت خاص خدمتی محکوم‌علیه مانند محرومیت از ترفیع کارکنان بازنشسته، قابل اجراء نباشد، دادستان نظامی مطابق ضوابط، حسب مورد حق درخواست تجدیدنظر یا فرجام را دارد. در این صورت مرجع تجدیدنظر یا فرجام جهت تعیین مجازات دیگر اقدام می‌کند.»

آقای علیزاده - تعیین مجازات دیگر، باید «مطابق قانون» باشد. مرجع تجدیدنظر یا فرجام که نمی‌تواند هر مجازاتی دلش بخواهد تعیین کند، بلکه باید مجازات قانونی دیگری را تعیین کند.

آقای مدرسی یزدی - اینکه معلوم است؛ هر مجازاتی که قانون مشخص کرده است، تعیین می‌کند.

آقای علیزاده - نه، معلوم نیست. در اینجا، باید این قید را بگویند؛ باید قید «مطابق قانون» داشته باشد. این نکته را به مجلس تذکر بدهید

آقای اسماعیلی - دادگاه که نمی‌تواند مجازات غیر قانونی تعیین کند.

آقای یزدی - حالا این نکته را هم به آنها تذکر بدهید.

آقای هاشمی شاهرودی - معنای مجازات همین است دیگر. حالا اگر می‌خواهید تذکر بدهید اشکالی ندارد، ولی خب معنای مجازات همین است.

آقای رهپیک - بله، مجازات غیر قانونی که نداریم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، نداریم؛ چون مجازات‌ها توقیفی است.

آقای علیزاده - ما داریم می‌گوییم این ماده که دارد می‌گوید «یک مجازات دیگر» به مجرم بدهد، اشکال دارد.

آقای رهپیک - مقصود، «مجازات دیگر قانونی» است. اصلاً عنوانش «مجازات قانونی» است.

آقای علیزاده - نه، نمی‌توان مجازات دیگری که در قانون نیامده است، تعیین کرد.

آقای رهپیک - اصلاً ما چنین چیزی نداریم. این ماده دارد می‌گوید که [در صورت تحقق شرایط مندرج در این ماده، دادستان نظامی مطابق ضوابط] برود و درخواست تجدیدنظر بدهد. وقتی تجدیدنظرخواهی انجام شد، پرونده برای رسیدگی به مرجع تجدیدنظر یا فرجام می‌رود. این ماده دارد می‌گوید در این صورت، باید پرونده به مرجع تجدیدنظر برود و در آنجا رسیدگی شود.

آقای هاشمی شاهرودی - صدور حکم به مجازات، طبق

آقای یزدی - فقهای مجمع مشورتی فقهی قم هم هیچ حرفی نسبت به این ماده نزنده‌اند؛ یعنی به این ماده، اشکالی وارد نکرده‌اند.

آقای ابراهیمیان - این ابهام، رأی می‌آورد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌فرمایند این ماده ابهام دارد، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، یقیناً ابهام که دارد؛ از نظر اینکه رئیس سازمان قضایی می‌تواند همه‌جا این کار را بکند.

آقای رهپیک - این ابهام، رأی آورد.

آقای علیزاده - بله، پس این ماده ابهام دارد.

آقای یزدی - باید بگویند که ملاک این حق چیست؟ باید جهت ابهام را به صورت مشخص بگوییم.

آقای علیزاده - اشاره بکنند به اینکه این حق تا چه حدی است.

آقای یزدی - باید مشخص کنند که ملاک حق اعاده‌ی دادرسی که به رئیس سازمان قضایی داده‌اند چیست؟

آقای رهپیک - باید توضیح بدهند که اصلاً خود این درخواست، از جهات اعاده دادرسی است یا نه، جهاتی برای اعاده‌ی دادرسی وجود دارد که [رئیس سازمان قضایی برای ارائه‌ی درخواست اعاده‌ی دادرسی باید آنها را] مراعات بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهر این ماده، همین اطلاق است.

آقای علیزاده - حالا باید آن را روشن کنند. ما بگوییم این موضوع را به قانون آیین دادرسی کیفری اضافه کنند که رئیس سازمان قضایی [هم می‌تواند از رئیس قوه‌ی قضائیه درخواست اعاده‌ی دادرسی کند]؛ یعنی این مطلب به تبصره‌ی ذیل ماده (۴۷۷) قانون آیین دادرسی کیفری اضافه شود. اگر این را بگویند درست می‌شود؛ یعنی همان‌طور که دادستان کل می‌تواند از رئیس قوه‌ی قضائیه درخواست اعاده‌ی دادرسی بخواهد، رئیس سازمان قضایی هم می‌تواند نسبت به آراء سازمان قضایی این کار را بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - آن هم در احکام غیر تبرئه.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - ظاهراً در قانون آیین دادرسی کیفری هم در جهت تبرئه نمی‌تواند درخواست اعاده‌ی دادرسی را مطرح کند. آن قانون این قیود را دارد.^۱

۱. بند (۱۶) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۶- ماده (۷۴)، از این حیث که جهات اعاده دادرسی و اینکه این حق تا چه حدی است مشخص نمی‌باشد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

الف- کسر سه روز از مدت اضافه خدمت به ازای هر روز بازداشت قبلی

ب- کسر چهار روز از مدت انفصال موقت از خدمت به ازای هر روز بازداشت قبلی

پ- کسر پنج روز از مدت محرومیت از ترفیع به ازای هر روز بازداشت قبلی

تبصره- در مورد محکومیت به کسر حقوق، احتساب ایام بازداشت قبلی، برابر مقررات مربوط به محکومیت به جزای نقدی است.»

آقای یزدی - آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی هم مطلبی دارند که می‌خوانم. عبارت آقایان این است «در این طرح شرایطی برای کارمندان «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» از جمله امانت‌داری و حفظ اسرار مردم و وثوق ذکر نشده است و لذا لازم است این سری شرایط نیز در این طرح آورده شود.»^۲

آقای رهپیک - منظور از عبارت «قانون» در صدر این ماده که می‌گوید: «علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در قانون»، چیست؟
آقای هاشمی شاهرودی - یعنی قانون آیین دادرسی کیفری.

آقای ابراهیم‌بان - و سایر قوانین.

آقای رهپیک - نگارش آن درست نیست؛ باید بگوید کدام قوانین منظور آن است، یا اینکه بگوید منظورش «کلیه قوانین» است.

آقای اسماعیلی - از نظر ادبی غلط نیست؛ چون کلمه‌ی «قانون»، اسم جنس است.

آقای هاشمی شاهرودی - این موارد [مربوط به امور] اداری است.

آقای رهپیک - اصلاً این موارد باید در آیین‌نامه بیاید.

منشی جلسه - «ماده ۷۹- اجرای دستورها و آراء لازم‌الاجرای دادگاه‌های نظامی در مورد اخذ وجه التزام، وجه‌الکفاله یا وثیقه و نیز جزای نقدی، وصول دیه، رد مال و یا ضرر و زیان ناشی از جرم و سایر عملیات مربوط از قبیل توقیف یا فروش اموال، در سازمان قضایی بر عهده قاضی اجرای احکام است.

فصل نهم- زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی

ماده ۸۰- متهمان و محکومان دادسرا و دادگاه‌های نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه‌های رسمی و زندان‌های مستقل

مقررات قانونی است. بله، مقصود، همین است.^۱

منشی جلسه - «فصل هشتم- اجرای احکام

ماده ۷۶- اجرای احکام دادگاه‌های نظامی مطابق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری به عهده دادرسی نظامی صادرکننده کیفرخواست است. در موارد احاله و عدم صلاحیت، اجرای احکام دادگاه‌ها، به ترتیب بر عهده دادرسی مرجع محال‌الیه و مرجع صالح به رسیدگی است.

ماده ۷۷- پس از قطعیت آراء دادگاه‌ها، قاضی اجرای احکام مکلف است خلاصه‌ای از رأی را به یگان مربوط ابلاغ نماید.

تبصره- مفاد این ماده در مورد قرارهای نهایی دادرسی نیز توسط بازپرس لازم‌الاجراء است.»

آقای سلیمی - حکم این ماده در آنجهایی که بر خلاف مصالح است، خلاف شرع می‌شود.

آقای علیزاده - قرار نهایی، قرار مجرمیت نیست. بازپرس قرار منع تعقیب صادر کرده است.

آقای سلیمی - خود ماده می‌گوید خلاصه‌ی احکام قطعیت‌یافته را به یگان مربوطه اعلام کنند. خوب اگر این پرونده در خصوص مسائل امنیتی یا مسائل محرمانه باشد چطور می‌شود؟

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده گفته است که خلاصه‌ی رأی را به یگان مربوطه ابلاغ نماید؛ چون مجرم، یک نظامی است و این موضوع، مربوط به آنها است و مجرم هم نیروی آنها است.

آقای سلیمی - نه، دادن خلاصه احکام به یگان مربوطه اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این ماده، اشکالی ندارد. این را گفته است چون این پرونده بیشتر مربوط به خود آنها است و یگان مربوط فردا می‌خواهد این محکوم را به کار بگیرد.

آقای رهپیک - بله، این حکم، محرمانه است که باید به داخل پرونده‌ی شخص برود.

آقای هاشمی شاهرودی - اتفاقاً برای همین جهت این را آورده است که چون این مسائل مربوط به هم است، باید این کار انجام شود و باید حکم را به مافوق آن فرد بدهند.

منشی جلسه - «ماده ۷۸- علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در قانون، در مورد محکومیت به مجازات‌های زیر، ایام بازداشت قبلی به شرح زیر محاسبه می‌شود:

۲. نظر کارشناسی (تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۳۹/ف/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/2lgT3 لازم به ذکر است که نظر فوق، مربوط به ماده (۸۸) این مصوبه است که به اشتباه در مورد ماده (۷۸) این مصوبه قرائت شده است.

۱. بند (۳) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۳- در سطر آخر ماده (۷۵)، پس از واژه «مجازات»، واژه «قانونی» اضافه شود.»

آقای علیزاده - مجازات زندان که به طور خاص، واقعاً باید در اختیار قوه قضائیه باشد؛ یعنی اعمال این مجازات، جزء وظایف قوه قضائیه است. اما اینکه بگوییم نیروهای مسلح بازداشتگاه خاص داشته باشند و قوه قضائیه بر آنها نظارت داشته باشد، اشکالی ندارد. این ماده هم همین طور گفته است؛ گفته است که نیروهای مسلح برای خودشان بازداشتگاه داشته باشند. این مسئله، ایرادی ندارد ...

آقای هاشمی شاهرودی - بله، عیبی ندارد.

آقای علیزاده - ... اما آنجایی که زندان و بازداشت به عنوان مجازات و به علت ارتکاب جرم است، باید حتماً در اختیار قوه قضائیه باشد.

آقای یزدی - زندان نظامی، در عین اینکه در اختیار قوه قضائیه است، جدای از زندان‌های عمومی است.

آقای علیزاده - ما نسبت به این مطلب حرفی نداریم.

آقای یزدی - مقصود مجلس از این ماده، همین است.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده گفته است سازمان زندان‌ها که زیرمجموعه قوه قضائیه است، فقط بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی نیروهای مسلح نظارت دارد.

آقای ابراهیمیان - این میزان کافی نیست.

آقای علیزاده - معنای این نظارت این است که کار اجرایی و اداره‌ی این زندان‌ها با سازمان زندان‌ها نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، نیست.

آقای علیزاده - یعنی سازمان زندان‌ها فقط به عنوان یک ناظر است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب این مسئله، اشکال دارد.

آقای رهپیک - بله، این ماده اشکال دارد.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم این ماده، خلاف اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - خلاف بند (۴) اصل (۱۵۶) است.

آقای یزدی - «ماده ۸۰- متهمان و محکومان دادرسی و دادگاه‌های نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه‌های رسمی و زندان‌های مستقل نگهداری می‌شوند. اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی بر عهده دژبان نیروهای مسلح است. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بر اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی نظارت دارد. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.» این ماده، درست است.

نگهداری می‌شوند. اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی بر عهده دژبان نیروهای مسلح است. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بر اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی نظارت دارد. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.»

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده با استقلال قوه قضائیه منافات دارد.

آقای رهپیک - اجرا را به دژبان نیروهای مسلح داده است و نظارت را به سازمان زندان‌ها داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ولی اصل اشکال ما چیز دیگری است.

آقای علیزاده - اداره‌ی بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی باید در اختیار قوه قضائیه باشد؛ چون معنای نظارت این است.

آقای اسماعیلی - چه اشکالی دارد؟ اصلاً چه کسی گفته است که سازمان زندان‌ها زیر نظر قوه قضائیه است؟ مجلس می‌تواند این صلاحیت را از قوه قضائیه بگیرد و به نیروهای مسلح بدهد.

آقای رهپیک - گفته است با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نگهداری می‌شوند.

آقای یزدی - زندان‌ها جدای از بقیه‌ی جاهای دیگر است. خب، این کار، کار لازمی است.

آقای علیزاده - نه، اصل وجود زندان مخصوص نظامیان اشکالی ندارد، ولی باید در اختیار سازمان زندان‌ها باشد.

آقای یزدی - بله، درست است، ولی به هر حال این با آن ابلاغ قوه قضائیه منافات ندارد.

آقای رهپیک - در قانون اساسی که در خصوص مسئولیت اداره‌ی زندان‌ها تصریحی وجود ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نظارت غیر از اداره است.

آقای ابراهیمیان - اداره‌ی زندان‌ها، به عهده قوه قضائیه گذاشته شده است.

آقای اسماعیلی - این مطلب در کجا آمده است؟ در کدام اصل است؟

آقای ابراهیمیان - بند (۴) اصل (۱۵۶) قانون اساسی می‌گوید: «۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.»

آقای رهپیک - گفته است «اجرای حدود»؛ لذا اداره‌ی زندان‌ها که دست قاضی نیست.

آقای ابراهیمیان - «کشف و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین ...» از وظایف قوه قضائیه است.

منشی جلسه - «ماده ۸۱- اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی در هر استان یا شهرستان با تشخیص ستاد کل نیروهای مسلح بر عهده یکی از دژبان‌های نیروهای مسلح است.»

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده هم همان اشکال ماده‌ی قبلی را دارد. آن ماده که اصلاح بشود، این ماده هم اصلاح می‌شود. باید بگوییم با توجه به آن ایراد یا مبنی بر آن ایراد، این ماده هم اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - بله، این ماده هم همان ایراد را دارد.

آقای علیزاده - پس این ماده مبنی بر ایراد ماده (۸۱)، اشکال دارد.

آقای سلیمی - بله، این ایراد، مبنی بر آن ایراد است.^۲

آقای علیزاده - «ماده ۸۲- در صورت تقاضای متهمان و محکومان نظامی سایر مراجع قضایی و موافقت دادستان مربوط و دادستان نظامی استان، این افراد مدت بازداشت یا محکومیت حبس خود را در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی سپری می‌نمایند.»

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی در صورتی که خود متهم یا محکوم به ارتکاب جرائم عمومی، رضایت بدهد می‌تواند او را به زندان‌های نظامی بیاورند. خب، این اشکالی ندارد.

آقای سلیمی - بله، اشکالی ندارد که نظامی‌هایی که در دادگاه عمومی محکوم شده‌اند، [با تقاضای خودشان] به زندان‌های نظامی بیایند.

منشی جلسه - «تبصره- محکومان غیر نظامی دادگاه‌های نظامی و محکومان نظامی که محکومیت آنان منجر به اخراج می‌شود، با رعایت مقررات فوق جهت تحمل محکومیت حبس به زندان‌های عمومی معرفی می‌شوند.»

ماده ۸۳- تا زمانی که بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی احداث نگردیده است و یا ظرفیت پذیرش آنها متناسب با تعداد متهمان و محکومان نظامی نباشد، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مکلف است افراد مزبور را در بند اختصاصی نظامیان نگهداری نماید.

آقای علیزاده - وظیفه‌ی قوه‌ی قضائیه، هم تعزیر مجرمین است و هم اصلاح آنها.

آقای هاشمی شاهرودی - در صورتی که سازمان زندان‌ها در این ماده، فقط حق نظارت دارد، نه بیشتر.

آقای یزدی - بله، حق نظارت دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - طبق قانون اساسی اجرای مجازات‌ها به دست قوه‌ی قضائیه است.

آقای مدرس‌ی یزدی - بله، این ماده اشکال دارد.

آقای سلیمی - آقای علیزاده، به این قسمت اشکال بگیریم: «اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی بر عهده دژبان نیروهای مسلح است.»

آقای هاشمی شاهرودی - بله دیگر.

آقای علیزاده - یکی این قسمت است که اشکال دارد، و یکی هم اینکه گفته است سازمان زندان‌ها فقط «نظارت» می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این دو تا اشکال، یک مطلب است.

آقای ره‌پیک - اشکال اصلی این ماده، همین است؛ چون در اول ماده گفته است که مقررات سازمان زندان‌ها رعایت بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال اصلی این ماده، همان است. این ماده، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) است.

آقای ابراهیمیان - اداره‌ی بازداشتگاه [توسط دژبان نیروهای مسلح] که عیبی ندارد.

آقای سلیمی - بازداشتگاه هم باید زیر نظر سازمان زندان‌ها باشد.

آقای ابراهیمیان - منظور از بازداشتگاه در اینجا، بازداشتگاه موقت است.

آقای علیزاده - گاهی خود ارتش یکی از نیروهایش را برای تخلف از مقررات ارتش بازداشت می‌کند، در این صورت، ما به چنین بازداشتی در بازداشتگاه ارتش ایراد نداریم؛ اما اگر بازداشتی باشد که متهم با دستور بازپرس یا دادیار و دادستان انجام شده و متهم را بر این اساس به بازداشتگاه می‌فرستند، در این صورت، اداره‌ی آن توسط ارتش اشکال دارد. ما به این مطلب ایراد داریم.

آقای ره‌پیک - درست است.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد را رأی بگیرید.

آقای علیزاده - این ماده، با بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) مغایر است. کسانی که به این ایراد رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای هاشمی شاهرودی - هشت رأی شد.^۱

۱. بند (۱۷) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۷-

→ در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۶۵) قانون اساسی شناخته شد. ...
۲. بند (۱۷) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۷- در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۶۵) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱) نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است. ...»

منشی جلسه - «ماده ۸۵- دادستان نظامی بر امور بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی حوزه قضایی خود نظارت کامل دارد. اجرای این ماده نافی اختیارات قانونی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیست.

ماده ۸۶- مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم نیروهای مسلح مقرر نگردیده است، تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.

بخش دوم- دادرسی الکترونیکی

ماده ۸۷- به منظور سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای ملی، برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت و تدوین آیین‌نامه‌های لازم برای توسعه و ارتقای دادرسی الکترونیکی و نظارت بر حسن اجرای آنها، «شورای راهبری دادرسی الکترونیکی» که در این بخش به اختصار شورا نامیده می‌شود به ریاست رئیس قوه قضائیه و عضویت افراد زیر تشکیل می‌شود: ...»

آقای جنّتی - این ماده، بار مالی ندارد؟

آقای عزیزاده - حالا آخر سر باید ببینیم که وضعیت این ماده چیست؛ چون در این ماده، درآمد هم پیش‌بینی شده است.

منشی جلسه - «الف- رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه (دبیر شورا)

ب- معاون حقوقی قوه قضائیه

پ- رئیس دیوان عالی کشور

ت- دادستان کل کشور

ث- رئیس دیوان عدالت اداری

ج- رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

چ- رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

ح- رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

خ- رئیس سازمان بازرسی کل کشور

د- رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور

ذ- معاون آموزش و تحقیقات قوه قضائیه

ر- معاون راهبردی قوه قضائیه

ز- مسئول حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه

ژ- وزیر دادگستری

س- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

ش- فرمانده نیروی انتظامی کشور

ص- یک نفر نماینده مجلس به انتخاب کمیسیون قضایی و

حقوقی مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر

ض- سه نفر به انتخاب رئیس قوه قضائیه.»

آقای مدرسی یزدی - این ماده، اشکال دارد.

ماده ۸۴- شیوه اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های موضوع این فصل بر اساس آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور است. نحوه نظارت این سازمان بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌های مزبور و سایر مقررات اختصاصی مربوط به اداره این بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها، برابر آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده هم اشکال دارد؛ چون فقط «نظارت» را به سازمان زندان‌ها داده است.

آقای عزیزاده - با توجه به اشکالی که به ماده (۸۰) گرفتیم، این ماده باید به این صورت اصلاح بشود: «نحوه اداره این سازمان بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌های مزبور و سایر مقررات اختصاصی مربوط ...»

آقای هاشمی شاهرودی - بله، باید بگویید «نحوه اداره سازمان زندان‌ها»، نه «نحوه نظارت سازمان زندان‌ها».

آقای عزیزاده - مطلب بعدی این است که چرا گفته است این آیین‌نامه با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح تهیه می‌شود؟

آقای یزدی - انتهایش گفته است که این آیین‌نامه باید به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

آقای عزیزاده - پس می‌گوییم با توجه به اشکال ماده (۸۰)، این ماده باید اصلاح بشود.

آقای ره‌پیک - شیوه‌ی اداره زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها را که در ابتدای ماده گفت [که بر اساس آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی است]. بعد در ادامه‌ی ماده، بحث نحوه‌ی نظارت را دارد می‌گوید.

آقای عزیزاده - چون این ماده دارد از نحوه‌ی نظارت سازمان زندان‌ها صحبت می‌کند، معنایش این است که دارد همان مطلب ماده (۸۰) [= اداره‌ی زندان‌های نظامی توسط دژبان نیروهای مسلح] را در نظر می‌گیرد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مقصودش این است که آنها [= دژبان نیروهای مسلح] مطابق آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها این بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی را اداره می‌کنند.^۱

۱. بند (۱۷) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

«۱۷- در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۶۵) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱) نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است. همچنین ماده (۸۴) با توجه به اشکال مزبور باید اصلاح گردد.»

آقای مدرس یزدی - چرا؟ مصوبات این شورا، به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

آقای هاشمی شاهرودی - نماینده‌ای که به عنوان ناظر در این شورا می‌رود، نماینده «مجلس» است، [نه نماینده کمیسیون]. این مجلس است که حق نظارت دارد، نه کمیسیون مجلس.

آقای علیزاده - ناظر باید از سوی مجلس معرفی می‌شود؛ چون کمیسیون داخلی مجلس، حق نظارت ندارد.

آقای اسماعیلی - نماینده باید از مجلس بیاید، نه از کمیسیون.

آقای ابراهیمیان - آیا ما می‌توانیم مسئولین قوه مجریه را هم ملزم کنیم که در این شورای راهبری باشند؟

آقای یزدی - این، موجب تداخل قوا است.

آقای علیزاده - بله، می‌تواند. ما اشکالی به این مسئله نداریم؛ چون



اسلامی است و واگذاری آن به کمیسیون‌های مجلس خلاف قانون اساسی شناخته شد. متن ماده واحده طرح تعیین نمایندگان ناظر مجلس شورای اسلامی بر نحوه انعقاد قراردادها در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۱/۶/۳ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده واحده- به منظور نظارت مجلس شورای اسلامی و حصول اطمینان از رعایت قوانین و مقررات در عقد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی، کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور مذکور در ماده (۲) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی که مبادرت به عقد قرارداد به مبلغ بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار یا معادل آن به صورت استقراض نقدی، یوزانس، بیع متقابل، فاینانس و یا هر نوع شیوه تأمین مالی دیگر می‌نمایند، مکلفند در کلیه مراحل قراردادهای مذکور، کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اقتصادی و حسب مورد کمیسیون‌های تخصصی مربوطه در مجلس شورای اسلامی را از نحوه اقدام مطلع نمایند. کمیسیون‌های تخصصی مجلس مکلفند در اجرای بند (۶) ماده (۳۳) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۱/۷/۱۸ نماینده یا نمایندگانی به نیابت از مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر حسب مورد تعیین و به دستگاه اجرایی ذی‌ربط معرفی نمایند. کلیه دستگاه‌های اجرایی فوق‌الذکر موظفند اطلاعات لازم را در اختیار نماینده یا نمایندگان ناظر قرار دهند. نماینده یا نمایندگان ناظر باید گزارش نحوه اقدام را به کمیسیون مربوطه ارائه نمایند. وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است در پایان هر سال لیست قراردادهای منعقد خارجی توسط دستگاه‌های فوق‌الذکر را با ذکر نوع قرارداد و مبلغ آن و نوع تعهد ایجادشده تهیه و به کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد سوم (اصول ۷۶ تا ۱۱۲ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، صص ۷-۱۹.

آقای اسماعیلی - تا به حال، همیشه می‌گفتند که نماینده مجلس [که به عنوان عضو ناظر در شوراها حضور می‌یابد] با نظر مجلس انتخاب می‌شود، نه با انتخاب کمیسیون.

آقای مدرس یزدی - نماینده مجلس در این شورا، عضو ناظر است.

آقای شبزنده‌دار - بله، ناظر است.

آقای مدرس یزدی - در بند (ص) گفته است که عضویت نماینده در این شورا، به عنوان عضو ناظر است؛ ولی باز هم این بند اشکال دارد.

آقای علیزاده - انتخاب نماینده [به عنوان عضو ناظر در شوراها] باید به انتخاب مجلس باشد. حالا این ایراد را رأی می‌گیریم.

آقای مدرس یزدی - بندهای دیگر هم اشکال دارد؛ مثلاً حضور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و فرماندهی نیروی انتظامی کشور در این شورا هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - خب صرف عضویت آنها که اشکالی ندارد؛ چون چیزی را که تصویب نمی‌کنند.

آقای مدرس یزدی - چرا دیگر.

آقای علیزاده - نه، بعداً در تبصره می‌گوید که مصوبات این شورا باید به رئیس قوه قضائیه ارجاع شود و اجرای آن مصوبات، پس از تصویب رئیس قوه قضائیه انجام می‌شود. اما انتخاب نماینده مجلس توسط کمیسیون داخلی مجلس اشکال دارد. کمیسیون چه‌کاره است [که به جای مجلس در این زمینه تصمیم می‌گیرد]؟

آقای اسماعیلی - بله، انتخاب نماینده باید به تصویب مجلس برسد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، باید به انتخاب مجلس باشد.

آقای علیزاده - ما همیشه چنین ایرادی می‌گرفتیم. این بند (ص)، مثل همیشه، خلاف قانون اساسی است.^۱

۱. شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد تعیین نماینده‌ی ناظر، توسط کمیسیون‌های مجلس را مغایر اصل (۷۶) قانون اساسی دانسته است. به عنوان نمونه، شورای نگهبان در نظر شماره ۸۱/۳۰/۱۵۳۷ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۸ در خصوص طرح تعیین نمایندگان ناظر مجلس شورای اسلامی بر نحوه انعقاد قراردادها در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۱/۶/۳ مجلس شورای اسلامی چنین اظهار کرده است: «بر حسب مفهوم مستنبط از اصل (۷۶) قانون اساسی و سایر اصول مربوط به وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی، تعیین و معرفی نماینده و نمایندگانی به نیابت از مجلس به عنوان ناظر از اختیارات مجلس شورای



قانون دارد این مسئولین را به حضور در این شورا ملزم می‌کند.

آقای یزدی - این الزام، موجب تداخل قوا می‌شود.

آقای علیزاده - ضمن اینکه، این عضویت در ارتباط با وظایفشان است.

آقای ابراهیمیان - در ارتباط نیست. قانون نمی‌تواند چنین کاری بکند.

آقای اسماعیلی - اصلاً «قانون» است که اختیارات هر وزیر را معین می‌کند.

آقای علیزاده - من البته یک ایراد دیگری دارم. [طبق بند (۱) ماده

(۱۵۸) قانون اساسی] ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری با رئیس قوه قضائیه است. خب الآن این ماده دارد برای بعضی

معاون‌ها، الزام به حضور در این شورا را وضع می‌کند. اگر این ماده به معنای این باشد که این معاونت‌ها باید حتماً در

تشکیلات قوه قضائیه وجود داشته باشد، این ماده اشکال دارد.

آقای اسماعیلی - اگر چنین معاونت‌هایی در قوه قضائیه نباشد که نمی‌گذارد دیگر.

آقای مدرسی یزدی - الآن قوه قضائیه چنین معاونت‌هایی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر حکم این ماده، به معنای ایجاد

تشکیلات در قوه قضائیه باشد، [این ماده، ایراد دارد؛ چون]

مجلس نمی‌تواند برای قوه قضائیه تشکیلات ایجاد کند.

منشی جلسه - «تبصره ۱- شورا با اکثریت اعضاء رسمیت

می‌یابد و مصوبات آن با اکثریت آراء حاضران و پس از تصویب

رئیس قوه قضائیه قابل اجراء است و نافی اختیارات رئیس قوه

قضائیه نیست.

تبصره ۲- دبیر شورا می‌تواند حسب مورد از مسئولان مرتبط و

کارشناسان برای حضور در جلسه دعوت به عمل آورد.

تبصره ۳- دبیرخانه شورا در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه

قضائیه تشکیل می‌شود.»

آقای ره‌پیک - این‌طور قانون‌نویسی واقعاً درست نیست. این

چطور قانون‌نویسی است؟!

آقای هاشمی شاهرودی - اینها چه کار دارند که قانون را

این‌طوری وضع کرده‌اند؟! مجلس می‌خواسته است که این ماده

خلاف قانون اساسی نشود؛ چون اگر این موضوع [= لزوم

تصویب رئیس قوه قضائیه برای اجرایی شدن مصوبات

شورا] را نمی‌گذاشت، شما حتماً اشکال می‌گرفتید.

آقای ابراهیمیان - یعنی شورای راهبری دادرسی الکترونیکی،

شورای مشورتی است دیگر.^۱

منشی جلسه - «ماده ۸۸- به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد

قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و

گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و

اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و

مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه»

در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه راه‌اندازی می‌شود.

تبصره ۱- نحوه و میزان دسترسی مراجع ذیصلاح قضایی به

اطلاعات این مرکز به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه

از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و

به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

آقای مؤمن - مجمع مشورتی فقهی گفته است این افرادی که

می‌خواهند این داده‌ها را نگهداری بکنند باید ثقه باشند.^۲

آقای اسماعیلی - این ماده که اصلاً مربوط به شرایط لازم برای

این افراد نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این تبصره (۱) هم که در مورد

آیین‌نامه‌ی نحوه و میزان دسترسی است. در این آیین‌نامه که

نمی‌توانند بیاورند که اینها باید ثقه باشند.

آقای یزدی - بله، اشکال مجمع فقهی، خیلی وارد نیست.

آقای علیزاده - نه، مگر اصلاً دسترسی به اطلاعات را به

آدم‌هایی می‌دهند که اطلاعات را لو بدهند؟!

آقای مؤمن - نه، هیچ کس به چنین افرادی این دسترسی را

نمی‌دهد.

آقای علیزاده - بله، می‌دانم.

منشی جلسه - «تبصره ۲- اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز

به موجب آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این

قانون به تصویب شورا و تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، در

اختیار مراکز علمی، پژوهشکده‌ها و پژوهشگران قرار می‌گیرد.

استفاده از اسناد، مدارک و اطلاعات مزبور نباید موجب هتک

۱. بند (۱۸) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

«۱۸- در بند (ص) ماده (۸۷)، انتخاب نماینده به عنوان ناظر باید از

سوی مجلس شورای اسلامی صورت گیرد، و الا اشکال دارد.»

۲. «در این طرح شرایطی برای کارمندان «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» از

جمله امانت‌داری و حفظ اسرار مردم و وثوق ذکر نشده است و لذا لازم

است این سری شرایط نیز در این طرح آورده شود.» نظر کارشناسی

(تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۳۹

مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/2lgT3

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی این طوری می‌گوییم که آیین‌نامه‌ی مذکور در این تبصره، ممکن است قانون را نقض بکند.

آقای علیزاده - بله.

آقای ره‌پیک - تعیین چنین موضوعی در شأن قانون است و با آیین‌نامه حل نمی‌شود.

آقای علیزاده - مجلس باید ضوابط مربوط به مواردی که می‌تواند اطلاعات هویتی افراد مرتبط با پرونده را در اختیار دیگران قرار دهند مشخص کند و به آن تصریح کند؛ یعنی ضابطه‌ی آن را در اینجا بگوید.

آقای ره‌پیک - این موضوع، نیازمند قانون‌گذاری است و مجلس باید برای آن ضابطه بگذارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای ابراهیمیان - در قانون برنامه‌ی پنجم در مورد انتشار آرا و برخط کردن آرا گفته است که با حفظ حریم خصوصی باشد. در آنجا قانون‌گذار یک عنوان این‌چنینی را [به عنوان ضابطه] ارائه داده است.^۱

آقای علیزاده - آن قانون، قانون موقت بوده است.

آقای ره‌پیک - آن قانون، قانون برنامه است. باید در این مورد «قانون» بنویسند.

آقای ابراهیمیان - قانون‌گذار در آنجا ملاک ارائه داده است؛ ملاک این است که گفته است حریم خصوصی افراد باید حفظ بشود. بنابراین الآن می‌شود معیارهای حفظ حریم خصوصی را به آیین‌نامه احاله داد. الآن در اینجا اولاً همه‌ی موارد حریم خصوصی را به نحو «از قبیل» ذکر کرده است؛ بعداً هم گفته است که رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند آیین‌نامه‌ی هر کدام از این موارد را که اشکال دارد، برگرداند و استثنا بزند.

آقای علیزاده - این استثنای آخر که گفته است «جز در مواردی که آیین‌نامه فوق‌الذکر تجویز کند، ممنوع است»، معنایش این

حرمت و حیثیت اشخاص شود. انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، کد پستی و کد ملی آنان جز در مواردی که آیین‌نامه فوق‌الذکر تجویز کند، ممنوع است.»

آقای ره‌پیک - آیا آیین‌نامه می‌تواند چنین چیزی را تجویز بکند، یا این تجویز باید به وسیله‌ی قانون باشد؟

آقای مدرسی یزدی - آیین‌نامه طبق قانون تصویب می‌شود.

آقای علیزاده - در این قانون در کجا گفته شده که به آنها چنین اطلاعاتی را بدهید یا ندهید؟

آقای ره‌پیک - نه دیگر، الآن [انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی] به آیین‌نامه موکول شده است.

آقای علیزاده - یعنی آیین‌نامه می‌آید و می‌گوید که این اطلاعات را بدهید.

آقای ره‌پیک - الآن این آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی مربوط به این قانون است. این موضوع، «قانون» می‌خواهد و با آیین‌نامه نمی‌شود آن را تعیین کرد.

آقای مدرسی یزدی - خب آیین‌نامه باید بر اساس قانون باشد.

آقای علیزاده - کدام قانون؟

آقای مدرسی یزدی - قانون مجازات اسلامی.

آقای ره‌پیک - کجای قانون مجازات اسلامی چنین چیزی را گفته است؟

آقای علیزاده - کجا گفته است؟

آقای ره‌پیک - آیین‌نامه‌ای که بر اساس این ماده نوشته می‌شود، آیین‌نامه‌ی این قانون می‌شود.

آقای علیزاده - ما دلمان می‌خواهد که آنجا [= مرکز ملی داده‌های قوه‌ی قضائیه] تقویت بشود. این کار هم کار خوبی است. آیین‌نامه‌های مصوب دولت یک حُسن دارد که [برای بررسی عدم مغایرت آنها با قانون عادی] به مجلس می‌رود و هر جایی که خلاف مقررات عمومی است، مجلس جلوی آن آیین‌نامه را می‌گیرد، اما آیین‌نامه‌های مصوب رئیس قوه‌ی قضائیه را نه مجلس می‌بیند و نه در دیوان عدالت اداری قابل شکایت است. من نمی‌خواهم بگویم که رئیس قوه‌ی قضائیه می‌خواهد این کار را بکند، اما در این تبصره این مطلب را آورده‌اند و انجام داده‌اند.

آقای ابراهیمیان - اشتباه می‌کنید.

آقای علیزاده - چه کار کنیم؟ واقعیتِ مطلب این است که الآن برخی از این آیین‌نامه‌های قضایی که آقایان تصویب کرده‌اند [مغایر قوانین است].

۱. ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «الف-...»

ج- در اجرای بندهای (۱)، (۶)، (۸)، (۱۱) و (۱۲) سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی، قوه قضائیه موظف است اقدامات زیر در جهت تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها را انجام دهد:

۱- ...

۴- قوه قضائیه مکلف است تا سال دوم برنامه ترتیبی اتخاذ نماید که ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص، آراء صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین)، در معرض تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان قرار گیرد. ...»

آقای رهپیک - باید در ایرادمان به این تبصره بگوییم که تعیین این ضوابط با آیین‌نامه درست نمی‌شود. ضوابط این موضوع باید با قانون‌گذاری تعیین بشود و قانون باید موارد استثنا را مشخص کند.

آقای مدرس‌یزدی - [در قانون، چنین ضوابطی] داریم.

آقای هاشمی شاهرودی - موارد استثنایی که در آیین‌نامه پیش‌بینی می‌شود، نبایستی بر خلاف شرع یا قانون باشد. مجمع مشورتی فقهی وجه مغایر با شرع بودن این ماده را گفته‌اند؛ ما هم مغایرت با قانون آن را می‌گوییم.

آقای رهپیک - این تبصره می‌گوید هويت افراد مرتبط با پرونده نباید منتشر بشود، مگر اینکه آیین‌نامه بگوید.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم اطلاق این ماده نسبت به مواردی که انتشار اطلاعات افراد با ملاک تعیین شده در آیین‌نامه، خلاف شرع یا خلاف قانون باشد، اشکال دارد.

آقای یزدی - باید در ایراداتمان بگوییم که اطلاق این ماده، شامل [متصدیان] فسقه و فجره هم می‌شود [و این ماده از این جهت هم اشکال دارد]؛ چون ممکن است که فسقه و فجره را به عنوان متصدی برای این کار بگذارند.

آقای علیزاده - نه، در تبصره (۲) که چنین چیزی را نگفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، در این ماده، چنین چیزی را شرط نکرده‌اند؛ باید وثاقت افراد متصدی را در این ماده شرط کنند.

آقای علیزاده - اگر بگویند مگر فسقه و فجره، ما ایرادی نداریم.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، باید وثاقت افراد متصدی را باید شرط بکنند.

آقای یزدی - این ماده، اطلاق ندارد که شامل فسقه و فجره بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این ماده شامل کسی می‌شود که وثاقتش محرز نیست. لازم نیست که از فسقه و فجره باشد. کسی که عدالتش و وثاقتش محرز نیست، نباید دسترسی به اطلاعات افراد داشته باشد.

آقای یزدی - در اینجا که عدالت شرط نیست؛ نمی‌خواهد که امام جماعت باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - وثاقت چنین افرادی که شرط است. این چه حرفی است! شما در آیین دادرسی کیفری هم به ذکر نکردن قید وثاقت ایراد گرفتید و آوردن آن را لازم دانستید.^۱

است که [اطلاعات هویتی افراد مرتبط با پرونده] در همان جاهایی که موجب هتک حرمت افراد می‌شود را می‌توان با آیین‌نامه تجویز کرد. معنای این عبارت این است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، معنایش این است.

آقای رهپیک - انتشار نام و نام خانوادگی و مشخصات هویتی افراد مرتبط با پرونده، استثنای بر حکم است.

آقای علیزاده - بله، ذیل این تبصره گفته است: «جز در مواردی که در آیین‌نامه تجویز می‌کند، ممنوع است».

آقای رهپیک - این تبصره، شأن قانون‌گذاری دارد. همین‌طوری کلی گفته‌اند که [این موضوع در آیین‌نامه تعیین تکلیف شود].

آقای علیزاده - گفته است که انتشار اسناد، مدارک و اطلاعات پرونده‌ها نباید موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص شود، مگر اینکه آیین‌نامه تجویز کند. این عبارت مفهوم دارد؛ یعنی همان جایی که انتشار اطلاعات موجب هتک حرمت می‌شود، با آیین‌نامه می‌توان آن را تجویز کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، از این جهت که هتک حرمت کنید!

آقای علیزاده - این عبارت، خیلی عبارت عجیب و غریبی است.

آقای مؤمن - مثلاً گفته می‌شود آدم بی‌حیثیتی است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - بله، می‌دانم؛ خب بگویند مگر اینکه حیثیت فرد [محترم نباشد].

آقای مؤمن - حالا بالاخره این جهتی که ما عرض کردیم و آقایان مجمع مشورتی فقهی هم گفتند که این افراد [باید مورد اعتماد باشند، به همین جهت است].

آقای علیزاده - بله، آن قید هم خوب است؛ آن را هم بگویید.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی همه‌ی این خصوصیت‌ها باید در آیین‌نامه بیاید؟

آقای علیزاده - بله، ایراد این است که می‌گویند آن افرادی که متصدی امر هستند باید افرادی باشند که واقعاً امانت‌دار باشند.

آقای هاشمی شاهرودی - ما باید بگوییم که این آیین‌نامه نبایستی برخلاف مقررات شرعی و قانون باشد. یک چنین چیزی را باید در این ماده بیاورند. در تبصره (۲)، بعضی از موارد را استثنا کرده است که معلوم نیست به چه صورت می‌شود؛ آیا این تبصره اطلاق دارد و کلاً اختیار این امر را به آیین‌نامه داده است یا نه.

آقای ابراهیمیان - اشکال تبصره (۲) این است که اختیار تقنینی را به آیین‌نامه داده است.

۱. بند (۱۱) نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ کمیسیون

آقای مدرسی یزدی - این طوری رأی بگیریم؛ بگوییم این آیین‌نامه از این حیث که معلوم نیست در تنظیم آن، مراعات قانون و شرع لازم است یا خیر، ابهام دارد. این ابهام را رأی بگیرید.

آقای یزدی - معلوم است که در تنظیم آیین‌نامه باید مراعات شرع و قانون را بکنند.

آقای رهپیک - این ایراد، رأی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بگوییم باید این قیود را قید کنید.

آقای رهپیک - نه، شما باید بگویید که تعیین این موضوع با آیین‌نامه درست نمی‌شود و ضابطه‌ی قانونی می‌خواهد.

آقای اسماعیلی - بله، اگر می‌خواهید ایراد بگیرید، باید این طور بگوید.

آقای علیزاده - درست است.

آقای مؤمن - قبل از آنکه به ایراد تبصره‌ها برسیم، ما باید نسبت به ذیل ماده (۸۸) بگوییم که این کسانی که این مرکز ملی اطلاعات قوه‌ی قضائیه دست آنها است، باید آدم‌های مورد وثوق و اعتماد باشند.

آقای علیزاده - ما نسبت به ذیل ماده (۸۸) می‌گوییم که حیثیت، مال و جان افراد مصون از تعرض است و بنابراین نمی‌توان هر کسی را [به عنوان متصدی] در آن مرکز گذاشت. ما واقعاً این اشکال قانون اساسی را به ذیل این ماده داریم. متصدیان این مرکز باید افرادی باشند که موثق و امانت‌دار باشند. چنین افرادی را باید در آن مرکز بر سر کار بگذارند. اگر آقایان این ایراد را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای شب‌زنده‌دار - بند (۱۴) اصل (۳) قانون اساسی [می‌گوید: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.»]

آقای جنتی - مرجع تشخیص این قیود چیست؟ یک‌دفعه شما مرجع تشخیص آن را از خارج دستگاه‌های اجرایی تعیین می‌کنید، این خیلی خوب است و اثر می‌گذارد؛ اما اگر مرجع تشخیص، خود این آقایان هستند، ذکر این قیود هیچ اثری ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - ما به شرطی که الزام به رعایت این قیود را در قانون بیاورند، آن را تأیید می‌کنیم.

آقای مؤمن - این قیود را باید در قانون بیاورند.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله جنتی، قانون‌گذار در قانون گفته است [و ما هم آن را به همین نحو تأیید کردیم] که بانک

آقای علیزاده - شما در آیین دادرسی کیفری، نسبت به ضابطین گفتید که وثاقت در آنها شرط است.

آقای رهپیک - بله، شرط کردیم.

آقای جنتی - من باز هم می‌گویم که ذکر این قید در اینجا لازم نیست؛ برای اینکه بالاخره مسلم است که این وثاقت باید در این افراد مد نظر باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - از کجا مسلم است؟

آقای جنتی - اگر در قانون، این قید را هم بیاورند، هر کسی را که بر سر این کار گذاشتند، می‌گویند این فرد موثق است و لذا اثر عملی ندارد.

آقای یزدی - این قیود معمولاً مد نظر هست.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خوب، ولی ما باید قانون را درست بکنیم.

آقای علیزاده - ما نمی‌توانیم بگوییم که بگذارید مجریان، خلاف بکنند. ما باید اجرای قانون را گردن آنها بیندازیم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ما باید قانون را درست بکنیم. آن مسائل، مربوط به اجرا است که به ما ربطی ندارد.

آقای علیزاده - بله، اگر مجریان در اجرا قانون را رعایت کردند، چه بهتر؛ اگر هم انجام ندادند به ما ربطی ندارد [چون قانون، درست و کامل تنظیم شده است].

آقای یزدی - این مسئله، مسئله‌ای است که همیشه در شورا راجع به آن اختلاف نظر بوده است. ما باید بگوییم که این افراد باید از عدول باشند؛ باید موثق باشند؛ باید رازدار باشند؛ باید چنین باشند.

آقای هاشمی شاهرودی - باید وثاقتشان احراز شده باشد.

آقای یزدی - بله، درست است. این ایراد را بنویسید؛ چه عیبی دارد.

آقای جنتی - این هم یک نظر است.

آقای سلیمی - رأی بگیرید.

→

قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «۱۱- شرایط مقرر در ماده (۳۰) برای ضابطین کافی نمی‌باشد؛ باید شرط وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن ملحوظ گردد و الاً خلاف موازین شرع است.» ماده (۳۰) لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس بدین شرح بود: «ماده ۳۰- احراز عنوان ضابط دادگستری، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت‌گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.»

اینکه حیثیت مردم باید در امان باشد، بنابراین این مرکز باید دست افراد موثق و مورد اعتماد باشد. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - عالم هم باشند.

آقای هاشمی شاهرودی - موثق باشند.

آقای اسماعیلی - این ماده، [در خصوص متصدیان مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه] چیزی نگفته است که ما بگوییم چنین ایرادی دارد!

آقای علیزاده - هفت رأی آورد. پس خلاف اصل (۲۲) قانون اساسی است. اما تبصره (۲) در ذیل ماده (۸۸) ایراد دارد؛ چون واقعاً [تعیین ضوابط مربوط به جواز افشای اطلاعات هویتی افراد مرتبط با پرونده‌ها] به آیین‌نامه واگذار شده است که این امر، شأن تقنین است و نمی‌شود آن را در ضمن آیین‌نامه تعیین کرد. پس این تبصره، خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای ره‌پیک - بله، من رأی می‌دهم.

آقای اسماعیلی - بله، ما این ایراد را قبول داریم.

آقای علیزاده - این ایراد هم رأی آورد.^۱

منشی جلسه - «ماده ۸۹ - کلیه دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی‌ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، موظفند کلیه اطلاعات خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

تبصره ۱ - نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲ - مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه‌ها، هیئت‌ها و کمیسیون‌های ذی‌ربط موظفند اطلاعات مرتبط با امور قضایی خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.»

باید و به هر کسی می‌خواهد تسهیلات بدهد، در قالب عقد مضاربه یا مساقات یا مزارعه یا مشارکت مدنی تسهیلات بدهد. حالا اگر بانک در عمل، کار دیگری بکند، شما مسئول آن نیستید؛ ولی ممکن است چهار تا رئیس بانک یا چهارصد رئیس بانک هم این مسائل را رعایت نکنند. نظارت بر اجرای قانون، مربوط به جای دیگری است.

آقای جنتی - چه کسی احراز این قیود را تشخیص می‌دهد؟

آقای علیزاده - ما نظارت بر این داریم که مصوبه‌ای خلاف قانون اساسی تصویب نشود.

آقای هاشمی شاهرودی - ما به مصوبه‌ی مجلس ایراد می‌گیریم تا مجلس آن را اصلاح کند.

آقای علیزاده - شما [طبق اصل (۹۴) قانون اساسی] نظارت بر این دارید که قانون علاوه بر عدم مغایرت با اصول قانون اساسی، بر خلاف شرع نیز تصویب نشود. خوب، مجریان قانون در عمل باید آن را رعایت نکنند، اما اگر رعایت نکردند، یک مرجع دیگری باید پاسخ بدهد.

آقای جنتی - خیلی خوب، این ایراد را رأی بگیرید.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای علیزاده، رأی بگیرید. [در تقریر این ایراد]، نوشته بودید که آیین‌نامه خلاف شرع و قانون نباشد. **آقای علیزاده -** بله.

آقای مؤمن - کسانی باید مدیر مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه باشند که [امانت‌دار و حافظ اسرار مردم و مورد وثوق باشند].

آقای سوادکوهی - این ماده، مغایر بند (۱۴) اصل (۳) قانون اساسی است.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم این ماده با اصل (۲۲) هم مغایرت دارد.

آقای سوادکوهی - همین طور مغایر بند (۱۴) اصل (۳) قانون اساسی است.

آقای ابراهیمیان - در اینجا به آیین‌نامه به صورت عام چنین اجازه‌ای داده شده است.

آقای علیزاده - اصلاً ما در خصوص تبصره (۲) ماده (۸۸) می‌گوییم «ضابطه» را قانون باید تعیین کند. این تبصره، خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای ابراهیمیان - بر خلاف اکید قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - هر دو ایراد، به این ماده وارد است.

آقای علیزاده - بله، هر دو. پس اول ما می‌گوییم که این ماده خلاف اصل (۲۲) قانون اساسی است؛ یعنی می‌گوییم از جهت

۱. بند (۱۹) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

«۱۹- ذیل ماده (۸۸)، با توجه به مصون بودن حیثیت اشخاص باید قید گردد که این امر از سوی افراد موثق انجام پذیرد و الا مغایر اصل (۲۲) قانون اساسی است.

همچنین در قسمت اخیر تبصره (۲) این ماده، ضابطه را باید قانون معین نماید و تعیین آن توسط آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.»

قوانین نوشته شود.

آقای مدرسی یزدی - پس این ایراد را بنویسید.

آقای سلیمی - این مسئله را تذکر بدهید.

آقای جنتی - بله، تذکر بدهید.

آقای هاشمی شاهرودی - مقصود، همین است.

آقای علیزاده - این را درستش می‌کنیم.^۱

منشی جلسه - «ماده ۹۰- قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

تبصره ۱- دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی موظفند سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت فراهم آورند. مستتکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵^۲ است.

تبصره ۲- بخش خصوصی موظف است اطلاعات فوق را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت در اختیار قوه قضائیه قرار دهد. حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

آقای ره‌پیک - این تبصره (۱) یعنی اینکه دستگاه‌های دولتی موظفند بروند و این کار را بکنند و اگر این کار را نکردند، مجازات می‌شوند؟!

آقای اسماعیلی - یعنی اگر مقامات قضایی چنین چیزی را از دستگاه‌های دولتی بخواهند، همگی باید این کارها را بکنند؟!

۱. بند (۲۰) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۰- در تبصره یک ماده (۸۹)، ظاهراً منظور از آیین‌نامه، آیین‌نامه اجرایی بوده که باید مطابق با قانون باشد. بنابراین تبصره مذکور باید با رعایت این امر اصلاح شود.»

۲. ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۷۶- چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشند از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انضباط از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

آقای مدرسی یزدی - خب، تبصره (۱) این ماده هم اشکال دارد؛ چون تعیین نحوه‌ی دسترسی به اطلاعات محرمانه قانون می‌خواهد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، قانون آن همین است که [تعیین نحوه‌ی دسترسی به این اطلاعات را] به آیین‌نامه‌ی مصوب رئیس قوه‌ی قضائیه واگذار کرده است. این مسئله، قانون دارد؛ در اختیار رئیس قوه‌ی قضائیه است.

آقای مدرسی یزدی - اگر می‌فرمایید این مسئله، با این توجیه، قانون دارد، خب تبصره (۲) ماده (۸۸) هم قانون داشت.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، در اینجا قانون گفته است که تعیین اطلاعات سرّی با اجازه‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه است.

آقای علیزاده - نحوه‌ی تشخیص اسناد محرمانه [که طبق قانون] معلوم است. اما اینکه چطوری این اسناد محرمانه در دست افراد قرار بگیرد، این به عهده‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، در قانون، اصل آن هم به عهده‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه گذاشته شده است.

آقای علیزاده - بله، همه‌جا همین‌طور است.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا این تبصره می‌خواهد آن را منضبط کند.

آقای مدرسی یزدی - پس این مسئله دیگر آیین‌نامه نمی‌خواهد.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا در اینجا خواسته‌اند آن را منضبط کنند.

آقای اسماعیلی - ما یک قانونی داریم به نام قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات [مصوب ۱۳۸۸/۵/۳۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام] که البته تصویب این آیین‌نامه باید بر اساس آن قانون هم باشد.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آن قانون را هم داریم.

آقای علیزاده - ببینید؛ این حرف آقا [= آقای اسماعیلی] صحیح است؛ چون در تبصره (۱) ماده (۸۹) نمی‌گوید که «آیین‌نامه‌ی اجرایی» به تصویب رئیس قوه‌ی قضائیه برسد، بلکه می‌گوید رئیس قوه‌ی قضائیه چنین آیین‌نامه‌ای را بنویسد. بنابراین باید در اینجا صریحاً بگویند که منظور از آیین‌نامه، آیین‌نامه اجرایی قانون است.

آقای هاشمی شاهرودی - مقصود، همین است.

آقای علیزاده - منظور آیین‌نامه‌ی اجرایی است که باید مطابق

آقای مدرسی یزدی - خب قانون است؛ چه ایرادی دارد؟

آقای اسماعیلی - اشکالش همان بحث استقلال قوا است.

آقای هاشمی شاهرودی - بعضی از مواردی که در تبصره (۲) این ماده آمده است شأنیت «قانون» دارد؛ بعضی از این موارد، «قانون» می‌خواهد.

آقای اسماعیلی - بله، قانون می‌خواهد.

آقای علیزاده - بله، قانون می‌خواهد.

آقای هاشمی شاهرودی - حکم ذیل تبصره (۲) این ماده، قانون می‌خواهد. صدر این تبصره و تبصره (۱) اشکال ندارد؛ چون گفته است که این کارها با دستور مقام قضایی صالح انجام شود.

آقای علیزاده - بله، ذیل تبصره (۲) ایراد دارد. حضرات آقایانی که به این آیین‌نامه ایراد دارند از این جهت که این‌گونه مطلق گفته است، بفرمایند.

آقای رهپیک - بله، آن که اشکال دارد. اما اصلاً مگر در صلاحیت مقام قضایی است که به دولت بگوید برو و سامانه‌های الکترونیکی راه بینداز؟! اصلاً این کار جزء اختیارات مقام قضایی نیست.

آقای مدرسی یزدی - این تبصره می‌گوید بررسی کنند.

آقای رهپیک - نه، می‌گوید مقام قضایی دستگاه‌های دولتی را موظف می‌کند که بروند و یک کار اجرایی انجام بدهند.

آقای مدرسی یزدی - پیشگیری از جرم، از وظایف دستگاه قضایی است.

آقای رهپیک - مقام قضایی فقط باید کار قضایی انجام دهد؛ نمی‌شود این کار را کرد.

آقای مدرسی یزدی - خب این کار، کار قضایی است.

آقای اسماعیلی - اطلاعات این دستگاه‌ها، مورد نیاز دستگاه قضایی است.

آقای ابراهیمیان - مقامات قضایی می‌توانند اطلاعات دستگاه‌های دولتی را از آنها بخواهند.

آقای رهپیک - مقام قضایی که نمی‌تواند دولت را الزام کند و بگوید یک سامانه درست کن.

آقای سلیمی - گفته است از طریق آیین‌نامه.

آقای اسماعیلی - بحث بر سر تبصره (۱) است.

آقای هاشمی شاهرودی - آقایان اعضا به تبصره (۱) هم اشکال دارند.

آقای رهپیک - در تبصره (۱)، مگر مقام صالح قضایی دارای چه اختیاراتی است که می‌تواند دولت و دستگاه‌ها را موظف کند

که سیستم الکترونیکی برای خودشان راه بیندازند؟!

آقای هاشمی شاهرودی - نه، می‌گوید مقام قضایی می‌تواند اطلاعات مربوط [را از دستگاه‌های دولتی مطالبه کند].

آقای رهپیک - در اینجا می‌توانند بگویند که مقام قضایی اطلاعات مورد نیاز را از دستگاه‌های دولتی مطالبه کند، اما تبصره (۱) می‌گوید مقام قضایی می‌تواند به دستگاه‌های دولتی بگوید شما برو و سامانه‌ی الکترونیکی راه بینداز. اصلاً ممکن است دستگاه دولتی به عنوان قوه‌ی مجریه نخواهد چنین سامانه‌ای را راه‌اندازی کند. مگر مقام قضایی این‌قدر اختیار دارد که به قوه‌ی مجریه بگوید برو و سامانه الکترونیکی راه‌اندازی کن؟!

آقای مدرسی یزدی - اگر این تبصره، عبارت «مقام صالح قضایی» را نداشت، عیبی نداشت.

آقای رهپیک - مقام صالح قضایی باید کار قضایی بکند.

آقای اسماعیلی - این مرجع [= مقام قضایی]، صالح به این کار نیست.

آقای مدرسی یزدی - اگر این تبصره، عبارت «مقام صالح قضایی» را نداشت، اشکالی نداشت؛ چون در این صورت، قانون به دستگاه دولتی می‌گفت که این کار را بکنید.

آقای یزدی - درست است؛ این تبصره، اشکال قانونی دارد.

آقای علیزاده - بله، مقام صالح قضایی فقط نسبت به یک موضوع خاص و به شکل موردی می‌تواند دستور دهد.

آقای رهپیک - بله، نمی‌تواند دستور کلی بدهد.

آقای علیزاده - مقام قضایی نمی‌تواند به دستگاه‌هایی که نه اتهامی دارند، نه جرمی دارند، نه هیچ چیزی، بگوید من شما را ملزم به فلان کار می‌کنم. خود مجلس باید دستگاه‌های دولتی را ملزم کند. قانون باید چنین چیزی را بگوید.

آقای مدرسی یزدی - بله، مجلس باید ملزم بکند.

آقای رهپیک - این تبصره، موجب تداخل قوا است.

آقای علیزاده - بله، این تداخل قوا است.

آقای رهپیک - اگر مجلس قانون تصویب کند و در آن بگوید که دستگاه‌های دولتی بروند و سامانه‌ای درست کنند، اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌گویند عبارت «دستور مقام قضایی» در تبصره (۱)، خلاف اصل تفکیک قوا است، رأی بدهند.

آقای سوادکوهی - بله، تبصره (۱) خلاف قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - هشت رأی دارد.^۱

منشی جلسه - «ماده ۹۱- قوه قضائیه موظف است اطلاعات زیر را از طریق «درگاه ملی قوه قضائیه» ارائه کند و آنها را روزآمد نگه دارد.

الف- اهداف، وظایف، سیاست‌ها، خط مشی‌ها و ساختار کلان مدیریتی و اجرایی قوه قضائیه به همراه معرفی مسئولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان
ب- ...»

آقای هاشمی شاهرودی - کلمه‌ی «پورتال» را به «درگاه» تبدیل کرده‌اند.

منشی جلسه - «... ب- نشانی، شماره تماس و پیوند به تارنمای (وبسایت) تمامی معاونت‌ها و دادگستری‌های استان‌ها، دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، وزارت دادگستری، کانون‌های وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی دادگستری

پ- کلیه قوانین لازم‌الاجراء، آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، بخشنامه‌های رئیس قوه قضائیه و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه

ت- آراء صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص

ث- خدمات معاضدت قضایی به مقامات ذی‌صلاح سایر کشورها بر پایه اسناد و معاهده‌های همکاری حقوقی بین‌المللی و اطلاعات راجع به خدمات حقوقی و قضایی به اتباع سایر کشورها
ج- آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان

چ- اطلاعات پژوهشی و علمی حقوقی-قضایی.»

آقای هاشمی شاهرودی - عبارت «برخط»، به معنای «آنلاین» نیست که!

آقای ره‌پیک - معادل کلمه‌ی آنلاین، کلمه‌ی «برخط» شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - لغت مناسبی پیدا نکرده‌اند که به جای آن، این را گفته‌اند.

آقای مدرسی یزدی - بند (ت) را ببینید: «ت- آراء صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص.» اگر این قید [«حفظ حریم خصوصی اشخاص»] را در این بند آوردند، باید قید «رعایت اطلاعات امنیتی و ملی و مانند اینها» را هم بیاورند.

آقای اسماعیلی - خب، اگر آن مسائل امنیتی مطرح باشد، اصلاً این کار ممنوع است.

آقای مدرسی یزدی - خب، این نقض حریم خصوصی هم ممنوع است؛ آن افشای مسائل امنیتی هم ممنوع است؛ فرقی ندارد. این هم قانون دارد؛ آن هم قانون دارد.

آقای اسماعیلی - نه، خیلی از آرای که صادر می‌شود، عمومی است؛ یعنی می‌شود رسماً در اختیار دیگران قرار بگیرد؛ چون اسم آن کسانی را که در رأی آمده است، برمی‌دارند. الآن پورتالشان تعطیل است، منتها آرای را در آنجا منتشر می‌کنند که انتشارش خلاف امنیت ملی نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه، این‌طوری نیست. مواردی هم در قوانین مجازات اسلامی آمده است، از جمله اینکه اگر جرمی مخالف عفت عمومی یا خلاف امنیت باشد، نباید پخش بشود.^۲
آقای اسماعیلی - خب، اصلاً آرای صادره در مورد آن جرائم را منتشر نمی‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - بند (ت) می‌گوید آرای صادره از سوی محاکم باید این چنین باشد. این بند، انتشار آرای مغایر با حفظ حریم خصوصی را استثنا کرده است؛ خب باید مسائل امنیتی را هم استثنا بکند.

آقای علیزاده - خود آنها [= دستگاه قضایی] این کار را می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، چنین آرای هم نباید پخش بشود.

۲. ماده (۳۵۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۵۲- محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیر علنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیر علنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند:
الف- امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.
ب- علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.
تبصره- منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.»

۱. بند (۲۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۱- در تبصره یک ماده (۹۰)، الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی صالح، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.
در تبصره (۲) این ماده، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - اگر کلمه‌ی «وبسایت» نباشد، واقعاً از کلمه‌ی «تارنما» آن معنا فهمیده می‌شود؟ اصلاً فهمیده نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - کلمه‌ی «وبسایت» را داخل پراونتر گذاشته‌اند؛ یعنی دارند آموزش می‌دهند. همه‌ی اینهایی که در این بندها آمده است، مربوط به امور داخلی قوه‌ی قضائیه است، قانون می‌خواهد چه کار کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - حالا این ماده این مسائل را آورده است؛ عیبی ندارد.

منشی جلسه - «ماده ۹۳- در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری، سند، مدرک، نوشته، برگه اجراییه، اوراق رأی، امضاء، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضایی، نشانی و مانند آن لازم باشد، صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌های آن کافی و معتبر است.»

آقای علیزاده - ماده (۹۳) موضوع «سازوکار امنیتی» را ذکر کرده است، آیا لازم نیست آنجایی که ناظر بر مسائل منافی عفت عمومی است را هم ذکر کند؟

آقای ره‌پیک - نه، این ماده، مربوط به امنیت شبکه است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ربطی به آن موضوع ندارد.

منشی جلسه - «تبصره ۱- در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود. قوه قضائیه موظف است سامانه‌های امنیتی لازم را جهت تبادل امن اطلاعات و ارتباطات بین اصحاب دعوی، کارشناسان، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، ضابطان و مراجع قضایی و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه ایجاد نماید.»

تبصره ۲- قوه قضائیه می‌تواند جهت طرح و پیگیری امور قضایی مراجعان موضوع این قانون در فضای مجازی نسبت به ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و جهت هماهنگی فعالیت دفاتر، نسبت به ایجاد کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی اقدام نماید. دفاتر خدمات الکترونیک قضایی می‌توانند از بین دفاتر اسناد رسمی و غیر آن انتخاب یا تأسیس شوند. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

آقای هاشمی شاهرودی - مسائلی که خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی است، نباید منتشر شود.

آقای علیزاده - کدام بند را می‌فرمایید؟

آقای هاشمی شاهرودی - بند (ت).

آقای مدرس‌ی یزدی - باید بگویند آرای صادره از سوی محاکم که منتشر می‌شود با حفظ حریم خصوصی و رعایت امنیت ملی و عفت عمومی باشد.

آقای ابراهیمیان - خب، این نکته هم باید در آیین‌نامه ذکر بشود.

آقای مدرس‌ی یزدی - خب باشد؛ باید در اینجا هم گفته بشود.

منشی جلسه - به مجلس بگوییم این دو مورد هم اضافه بشود.

آقای علیزاده - پس بگوییم اگر انتشار آرای محاکم، خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این بند، خلاف قانون اساسی هم است؛ از آن جهت هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای ره‌پیک - خوب است.

آقای یزدی - موافقیم؛ این ایراد رأی آورد.^۱

منشی جلسه - «ماده ۹۲- قوه قضائیه موظف است برای دادگستری استان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، تارنمای (وبسایت) اختصاصی راه‌اندازی کند و مراجع مزبور موظفند اطلاعات ذیل را در آن ارائه کنند و آنها را روزآمد نگه دارند:

الف- نمودار تشکیلاتی دادگاه‌ها، به تفکیک تخصص و سلسله مراتب قضایی، به همراه معرفی مسئولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان

ب- نشانی و شماره تماس دادگاه‌ها، سایر دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه و مراجع انتظامی در سطح استان

پ- پیوند به تارنماهای سایر مراجع قضایی و دستگاه‌های ذی‌ربط

ت- کلیه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه هزینه دادرسی، مانند بهای منطقه‌ای املاک

ث- آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان

ج- سمینارها یا نشست‌های الکترونیکی استانی قضایی زنده یا ضبط‌شده

چ- اطلاعات پژوهشی و علمی حقوقی-قضایی»

۱. بند (۲۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

«۲۲- اطلاق بند (ت) ماده (۹۱)، نسبت به مواردی که ارائه اطلاعات

مذکور در آراء، خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد، اشکال دارد.»

ماده ۹۷- به کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا نظرات کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد مورد نظر و ثبت مطمئن سوابق صورت پذیرد.

ماده ۹۸- چنانچه اشخاصی که داده‌های موضوع این بخش را در اختیار دارند، موجبات نقض حریم خصوصی افراد یا محرمانگی اطلاعات را فراهم آورند یا به طور غیر مجاز آنها را افشا کرده یا در دسترس اشخاص فاقد صلاحیت قرار دهند، به حبس از دو تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا دویست میلیون ریال و انفصال از خدمت از دو تا ده سال محکوم خواهند شد.

ماده ۹۹- چنانچه اشخاصی که مسئول حفظ امنیت مراکز، سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و اطلاعات موضوع این بخش هستند یا داده‌ها یا سامانه (سیستم)‌های مذکور در اختیار آنان قرار گرفته است بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت یا عدم رعایت تدابیر متعارف امنیتی موجبات ارتکاب جرائم رایانه‌ای به وسیله یا علیه داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را فراهم آورند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا انفصال از خدمت تا پنج سال یا جزای نقدی از ده تا صد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

آقای سلیمی - این ماده «عدم مهارت» را در عداد بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی قرار داده است.

آقای علیزاده - بدون اخذ مهارت [نباید اقدامی انجام داد].

آقای هاشمی شاهرودی - خب افراد، بدون کسب مهارت، نباید به این مراکز بیایند. هر کسی اختیار دارد، خب کسی که مهارت لازم را ندارد، نباید به آنجا برود.

آقای علیزاده - ما خوانده‌ایم که گاهی در جرم، «عدم مهارت» جای عنصر عمد را می‌گیرد. اشکالی ندارد. در قانون مربوط به رانندگی هم چنین چیزی را داریم.^۱

۱. به عنوان نمونه، می‌توان به مواد (۶۱۶) و (۷۱۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی اشاره کرد: «ماده ۶۱۶- در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد، مگر اینکه خطای محض باشد.

تبصره- مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی‌گردد.

ماده ۷۱۴- هرگاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا

تبصره ۳- مراجعان به قوه قضائیه موظفند پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه خود را در اختیار قوه قضائیه قرار دهند و در صورت عدم دسترسی به پست الکترونیکی، مرکز آمار موظف است برای شهروندان و متقاضیان امکانات لازم برای دسترسی به پست الکترونیکی ملی قضایی جهت امور قضایی ایجاد کند.»

آقای مدرسی یزدی - این مسائل، موضوعات شکلی است دیگر.

منشی جلسه - «ماده ۹۴- به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری اطلاعات مبادله‌شده میان شهروندان و محاکم قضایی، قوه قضائیه موظف است تمهیدات امنیتی مطمئن برای امضای الکترونیکی، احراز هویت و احراز اصالت را فراهم آورد.

تبصره- قوه قضائیه موظف است مرکز صدور گواهی ریشه برای امضای الکترونیکی را جهت ایجاد ارتباطات و مبادله اطلاعات امن راه‌اندازی نماید.»

آقای ره‌پیک - این «امضای ریشه»، در تجارت الکترونیک مطرح می‌شود. یک مرکزی درست می‌شود که در آنجا اعتبار امضا تأیید می‌شود و به امضای هر شخص، یک کد اختصاص می‌دهند.

آقای سوادکوهی - این کار، یک الگوریتم‌های خاصی دارد.

منشی جلسه - «ماده ۹۵- مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه موظف است به منظور اجراء و توسعه خدمات پرداخت الکترونیکی هزینه‌های دادرسی و سایر پرداخت‌های مربوط به دادرسی و اجرای حکم توسط شهروندان، اقدام و راهنمایی لازم را به عمل آورد.

تبصره- در راستای ترغیب شهروندان به بهره‌برداری از دادرسی الکترونیکی، در مرحله بدوی هزینه دادرسی آنان پنج درصد (۵٪) و حداکثر تا سقف ده میلیون ریال کمتر خواهد بود.»

آقای ره‌پیک - باید بعداً این تبصره را در بحث مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی مطرح کنیم.

آقای علیزاده - این تبصره که درآمدی ایجاد نمی‌کند و خرجی را هم کم نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - بله، خرج که کم نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - نخیر، مقصود آن موقعی است که زیرساخت‌ها درست شد و تعداد درخواست‌ها افزایش پیدا کرد، نه الآن.

منشی جلسه - «ماده ۹۶- قوه قضائیه موظف است تمهیدات فنی و قانونی لازم را برای حفظ حریم خصوصی افراد و تأمین امنیت داده‌های شخصی آنان، در چهارچوب اقدامات این بخش فراهم آورد.

منشی جلسه - «ماده ۱۰۰- قوه قضائیه موظف است برای آموزش دادرسی الکترونیکی به قضات، کارکنان قضایی، دستگاه‌های تابعه قضایی و مراجع انتظامی اقدام کند.

ماده ۱۰۱- آیین‌نامه‌های اجرایی این بخش، ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورا تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»^۱

→

متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود.»

۱. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان ادامه یافته است.